بسم الله الرحمن الرحیم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قوانین حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دانشگاه تربیت مدرس

دانشکدهٔ علوم انسانی

پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی انتقادی و تحلیل محتوای رساله منورالقلوب

عبدالرحمن اسفراینی

احمد یشیل

۱۳۸۷/۲/۵

استاد راهنما:

دکتر مهدی محقق

استاد مشاور:

دکتر ابراهیم خدایار

تیر ۱۳۸۶

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تأیید اعضاء هیأت داوران حاضر در جلسهٔ دفاع از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد

اعضاء هیأت داوران نسخهٔ نهایی پایان‌نامه **آقای احمد یشیل**

تحت عنوان **بررسی انتقادی و تحلیل محتوای رساله منورالقلوب نورالدین عبدالرحمان اسفراینی** را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجهٔ کارشناسی ارشد پیشنهاد می‌کنند.

اعضاء هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	امضاء
۱- استاد راهنما:	دکتر مهدی محقق	
۲- استاد مشاور:	دکتر ابراهیم خدایار	
۳- استاد ناظر:	دکتر ناصر نیکوبخت	
٤- استاد ناظر:	دکتر ابو القاسم رادفر	

۵- نمایندهٔ شورای تحصیلات تکمیلی دانشگده: دکتر ناصرنیکوبخت

۱۰۰۸۵۹

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت‌مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاستهای پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مصوب دانشگاه باشد.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی می‌باید به نام دانشگاه بوده و **استاد راهنما** نویسنده **مسئول مقاله** باشند.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشرمی‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸٤/٤/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود.۸٤/٦/۱۲آپ

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تقدیم به:

پدر و مادر بزرگوارم

به پاس راهی که فراروبم نهادند و با فداکاری‌ها و راهنمایی‌های ارزندهٔ خود، پیمودن این مسیر را میسر نمودند.

و

تقدیم به برادر و خواهران گرامیم

که وجودشان مایهٔ عزت و سرافرازیم می‌باشد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که بر این بندهٔ حقیر منت نهاد تا دوره‌ای دیگر از دوران تحصیل علم و کمال را با نتیجهٔ مطلوب و رضایت‌بخش به سرانجام برساند.

در اینجا بر خود واجب می‌دانم مراتب قدردانی خود را نسبت به اساتید ارجمندی که افتخار دانشجویی‌شان و دوستان عزیزی که افتخار آشنایی‌شان را داشته‌ام، ابراز دارم.

از جناب آقای دکتر مهدی محقق که راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشتند و از محضر ایشان بهره‌های فراوان بردم، کمال تشکر را دارم.

از جناب آقای دکتر ابراهیم خدایار که مشاورهٔ این پایان‌نامه را بر عهده داشتند و از محضر ایشان بهره‌های فراوان بردم و از آقای دکتر علی گوزلیوز استاد دانشگاه استانبول در تهیه نسخه به بنده یاری نمودند، کمال تشکر را دارم.

هم‌چنین از کلیهٔ دوستان گرامی، آقایان هاشم یعقوبی، سیدمجید موسوی، میهای چرناتسکو، بهروز علی رضاپور،احمد عاطف، مجتبی شهسواری ،تورگای شفق، هدایت حدادی، حسین حمادی، فواد بوعذار (فهمی)، ابوذر مهدوی، نواب مریخی که در طول این دوره از کمک‌هایشان بهره بردم، صمیمانه سپاسگزارم.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چکیده:

منورالقلوب یکی از آثار شیخ نورالدین ابو محمد عبدالرحمان کسرقی اسفراینی است. عبدالرحمان اسفراینی در اوخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم می‌زیسته‌استو در آن زمان یکی از مشایخ مهم به شمار می‌آمد. اسفراینی در طریقت پیرو شیخ احمد گورپانی " سلطان الذاکرین" بوده‌است، گورپانی توسط شیخ علی لالا از مریدان شیخ نجم‌الدین کبری است. یعنی اسفراینی با دو واسطه از اقطاب سلسلهٔ علویهٔ کمیلیه کبرویه است.

بعضی بزرگان کبرویه پیش اسفراینی در بارهٔ طریقت و سیر و سلوک آموزه‌هایی دیده‌اند. مهم‌ترین مرید وی علاءالدوله سمنانی است.

تأثیر افکاری و سخنان اقطاب سلسله کبرویه در تمام آثار اسفراینی پیدا است. اسفراینی در عصر خویش در باره سیر و سلوک و افکار کبرویه برای تعلیم شاگردانش آثار متعددی از جمله کاشف الاسرا، منورالقلوب و مکاتبات (نامه‌ها) به جا گذاشته‌است.

منور القلوب تا به حال تحت این نام در محافل علمی شناخته نشده‌است. این رساله پیش از این یک بار با عنوان نادرست «رساله در روش سلوک و خلوت نشینی» به انضمام کاشف الاسرار، به اهتمام هرمان لندلت چاپ شده‌است. در تصحیح ذکر شده، تنها از یک نسخه انتقاد شده و حتی نام صحیح رساله هم درست به کار نرفته‌است: همچنین تعلیقات، فهرست آیات و بررسی انتقادی جامع و کاملی صورت نگرفته-است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در این تحقیق، نسخه اساس به عنوان روش کار انتخاب گردید و با توجه به نکات فوق و با تکیه بر سه نسخه خطی، دو رساله از هم جدا گردید و با توجه به نسخه بدلها: نام این متن با عنوان (منورالقلوب) یافت شد. این رساله تحت یک نسخه جداگانه بررسی و تصحیح کامل گردید. نهایتاً متن بصحیح شده به عنوان نسخه اصلی منورالقلوب و نسخه بدلها ارائه شد که دارای تعلیقات و فهرستهای جامعتری نیز بود.

واژگان کلیدی : تصوف در قرن نهم، شیخ نورالدین عبدالرحمان اسفراینی، منوالقلوب، نجم‌الدین کبری، کبرویه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیّات پژوهش	۱
مقدمه	۲
۱-۱. سابقه و ضرورت انجام تحقیق	۳
۱-۲. فرضیه ها	۳
۱-۳. هدف ها	۴
۱-۴. چه کاربردهائی از انجام این تحقیق متصوراست؟	۴
۱-۵. بهره‌مندان از این پایان‌نامه	۴
۱-۶. جنبهٔ جدید بودن و نوآوری طرح در چیست؟	۴
۱-۷. روش انجام تحقیق	۴
فصل دوم: قرن هفتم و هشتم و سرگذشتی از زندگی اسفراینی	۶
۲-۱. وضع سیاسی و اجتماعی ایران در دو قرن هفتم و هشتم	۷
۲-۲. وضع صوفیه در دو قرن هفتم و هشتم	۹
۲-۳. نام و نسب، خاندان، زادگاه، تاریخ تولد و تاریخ وفات	۱۱
۲-۴. کودکی، جوانی، نشو و نما، محیط زندگانی و سفرها	۱۱
۲-۵. آموزشهای علمی، استادان و شاگردان اسفراینی	۱۲
۲-۶. مشایخ تصوّف، مریدان و خلفا (جانشینان)	۱۵
۲-۷. مکتب تصوّف	۱۵
۲-۷-۱. گوشه ای از اندیشه های حضرت شیخ نور الدین اسفراینی در مکتب عرفانی او	۱۶
۲-۸. آثار	۱۷
۲-۸-۱. کاشف الاسرار	۱۸
۲-۸-۲. نامه ها	۲۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عنوان	صفحه

۲-۸-۳- منوّرالقلوب..... ۲۰
الف) عنوان کتاب..... ۲۰
ب) نسخه‌شناسی کتاب..... ۲۰
ج) محتوای کتاب..... ۲۲
۲-۹. سبک نگارش اسفراینی..... ۲۵
فصل سوم: تصحیح متن منورالقلوب و نسخه بدل ها..... ۲۶
فصل چهارم: نتایج..... ۹۴
تعلیقات..... ۹۸
فهرست ها..... ۱۲۹
فهرست آیه‌های قرآن..... ۱۳۰
فهرست احادیث و سخنان بزرگان..... ۱۳۴
فهرست نام های کسان..... ۱۳۹
فهرست جای ها..... ۱۴۰
فهرست اشعار فارسی و عربی..... ۱۴۱
فهرست اصطلاحات، ترکیبات و لغات..... ۱۴۳
منابع مقدمه..... ۱۵۶
چکیده انگلیسی..... ۱۶۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل اول

کلیات پژوهش

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقدمه

از آغاز خلقت انسان و پس از تشکیل ابتدایی‌ترین جوامع بشری فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به وجود آمدند و در طی مراحل مختلف سیر تکاملی خود را پیمودند. با رشد جوامع و تقسیم آنها به دسته‌های مختلف و با توجه به مناسبات جغرافیایی و اقلیمی و ملاحظات تاریخی، هر فرهنگ به گونه‌ای و هر تمدن به شکلی رشد و نمو پیدا کرد و دستخوش تغییرات فراوان شد. اعضای هریک از این جوامع طی دوره‌های مختلف با کنجکاوی در میراث گذشتگان خود و به نحوی با پیروی از نقش خود را در حفظ این فرهنگ، رشد وتوسعهٔ آن و یا تغییر آن ایفا می‌کنند. بدون شک هر فرهنگ و تمدنی مؤلفه هایی دارد که در حفظ و پایایی وگسترش آن نقش بسزایی دارد. بدون شک آثار ماندگار هر فرهنگ و تمدن از مهم‌ترین این مؤلفه ها است؛ هنر، معماری، نقاشی، ادبیات و علوم مختلف را می‌توان از جمله این آثار برشمرد. با نگاهی نسبتاً عمیق در پیشینهٔ خویش و بازنگری به فرهنگ و تمدن شرقی و اسلامی این سرزمین می-توان مفاهیم فوق را در این زمینه نیز تسری داد. بر کسی پوشیده نیست که آثار ماندگار متصوفین و عرفا یکی از اصلی‌ترین عوامل حفظ وگسترش فرهنگ وتمدن اسلامی بوده و هست. با نگاهی دوره های مختلف تاریخی پس از اسلام و بررسی دقیق اتفاقات روی داده، می‌توان دریافت که این آثار در بسیار از موارد در انتقال دادن فرهنگ اسلامی در بحرانی‌ترین اوضاع، نقش قابل توجهی داشته‌اند. نسخ خطی را می‌توان یکی از جلوه های برجستهٔ این آثار دانست، در میان این نسخ منورالقلوب از نمونه های درخشان است؛ پس بر ماست تا با حفظ و شناسایی دقیق این آثار، نقش خود را در نگهداری وگسترش فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کرده، آن را به نسل‌های بعد انتقال دهیم. در این تحقیق سعی شده‌است گامی هر چند کوچک برای نزدیک شدن به این هدف متعالی برداشته شود، ان‌شاءالله مورد قبول درگاه حق افتد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۱. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

این رساله پیش از این، یک بار با عنوان نادرست «رساله در روش سلوک و خلوت نشینی» به انضمام کاشف‌الاسرار، اثر دیگر مؤلف، از طرف مؤسسهٔ مطالعات اسلامی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ به اهتمام هرمان لندلت چاپ شده است. این کتاب دارای ۳۰۴ صفحه است که بخش اول آن به زبان فارسی و شامل ۲۹۴ صفحه، بخش دوم آن به زبان فرانسه و شامل ۱۰۹ صفحه است.فهرست بخش اول به این صورت است؛ مقدمه پنج تا بیست، کاشف الاسرار ۱-۶۸، پاسخ به چند پرسش ۶۹-۱۷۰، رسالهٔ در روش سلوک و خلوت‌نشینی (منورالقلوب) ۱۰۹-۱۵۲، فهرست نام‌های کسان ۱۵۳-۱۵۴، فهرست جاها ۱۵۵، فهرست احادیث و سخنان بزرگان ۱۵۶-۱۶۲، فهرست اشعار فارسی و عربی ۱۶۳-۱۶۵، فهرست اصطلاحات و ترکیبات ۱۶۶-۱۹۵، جدول خطا و صواب ۱۹۶. در این کتاب تعلیقات و فهرست آیات آورده نشده‌است. در تصحیح ذکر شده، تنها از یک نسخه انتقاد شده و حتی نام صحیح رساله هم درست به کار نرفته است؛ همچنین تعلیقات، فهرست آیات و بررسی انتقادی جامع و کاملی صورت نگرفته است. از این رو تصحیح کامل‌تری برای کتاب ضروری به نظر می‌رسید. با توجه به این نکات، این تصحیح با تکیه بر سه نسخهٔ خطی (ترکیه کتابخانهٔ دانشگاه استانبول، مرکز احیای میراث اسلامی قم و فرانسه) انجام شده که نسخهٔ اساسی آن متعلق به قرن نهم هجری است. در ضمن نام صحیح کتاب نیز « منورالقلوب» است.

۱-۲.فرضیه ها

۱. نام اصلی کتاب اسفراینی، «منورالقلوب» است؛

۲. رسالهٔ منورالقلوب که قبلاً با نام *رساله در روش سلوک و خلوت نشینی* تصحیح شده بود، به دلیل پیدا شدن سه نسخهٔ خطی دیگر نیاز به تصحیح مجدد دارد؛

۳. نویسندهٔ کتاب از مشهورترین عرفای سلسلهٔ کبرویه است؛

۴. آرای عرفانی نویسنده متأثر از اندیشه های بزرگان سلسلهٔ کبرویه است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۳.هدف ها

۱. تصحیح انتقادی متن رسالهٔ منورالقلوب؛

۲. تحلیل محتوای رساله از لحاظ مطالب عرفانی؛

۳. بازسازی منظومهٔ فکری عبدالرحمن اسفراینی.

۱-۴.چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

۱. استفاده از متن انتقادی ورسالهٔ منورالقلوب برای پژوهشگران؛

۲. شناخت منظومهٔ فکری طریقهٔ «کبرویه»؛

۳. تک نگاری زندگانی شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی.

۱-۵.بهره‌مندان از این پایان‌نامه: (اعم از مؤسسات آموزشی، پژوهشی، دستگاههای اجرایی و غیره)

۱. استادان، دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های مطالعات عرفانی و ادبیات فارسی؛

۲. کتابخانه‌های سراسر ایران و ترکیه.

۱-۶.جنبهٔ جدید بودن و نوآوری طرح در چیست؟

این پژوهش نخستین بار است که هویت واقعی کاشف الاسرار را با نام حقیقی آن، منورالقلوب، آشکار و تصحیح مجددی با حواشی و تعلیقات از کتاب ارائه می‌کند.

۱-۷.روش انجام تحقیق

از بین دستنویس‌های رساله، نسخهٔ فرانسه به دلیل کامل بودن و افتادگی کمتر نسبت به دو نسخهٔ دیگر به عنوان اقدم نسخ مبنای کار قرارگرفت و نسخه‌های دیگر در چندین مرحله با آن مقابله شده، به دقت ثبت شد و از میان ضبط‌های متفاوت، ضبط اصح برگزیده شده، در متن جای گرفت. در حوزهٔ تصحیح متن‌های فارسی و عربی، عمدتاً چهار شیوه به رسمیّت شناخته شده‌است: تصحیح بر مبنای نسخهٔ اساس، تصحیح التقاطی، تصحیح به شیوهٔ بینابین و تصحیح قیاسی. ما در بررسی خود تصحیح

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بر مبنای نسخهٔ اساس را به عنوان روش کار انتخاب کردیم. پس از آن تحقیقات گسترده‌ای دربارهٔ زندگی، رفتار و عقاید مؤلف و فرقهٔ کبرویه به مقدمهٔ رساله افزود..

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران د تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل دوم

قرن هفتم و هشتم

و

سرگذشتی

از زندگی اسفراینی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در نهاد (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۱. وضع سیاسی و اجتماعی ایران در دو قرن هفتم و هشتم

وضع سیاسی:

این دوره, از هجوم مغول د ر سال ۶۱۶ هجری و انقراض دولت آل‌انوشتکین غرچه در سال ۶۲۸, آغاز شد و به ایلغارهای بنیان‌کن تیمور و حکومت جبارانه او در ایران پایان یافت. در این دوران پرآشوب قسمت بزرگی از فلات پهناور ایران صحنهٔ تاخت و تازهای مغول و تاتار گردید. ایرانیان در این دورهٔ پر حادثه به اندازهٔ تمام تاریخ گذشته و آیندهٔ خود کشتار, شکنجه, مثله و غارت شدند و رنج کشیدند و اگرچه کوشیدند تا فرهنگ نیم‌جان خود را از زیر لطمات سخت نجات بخشند اما خواه و ناخواه بسیار از آثار نامطلوب جریانهای سیاسی و اجتماعی این عهد باقی ماند.

در این دورهٔ چندگاهی ایران جزو ممالک تابع مغول بود و سپس به دست شعبه‌یی از احفاد چنگیز افتاد و بعد از آن تجزیه شد و سلسله‌های ضعیفی که غالباً ناشر مفاسد و معایب اجتماعی گوناگون بودند, بر این سرزمین حکومت کردند و وضع را برای حملهٔ ویرانکار دیگر یعنی تیمورلنگ تسهیل نمودند.[۱]

در آغاز این دوره هنوز استعدادهای شگرفی, باقی مانده از مدنیت پیش از مغول, وجود داشت ولی در آخر آن فقر و نابسامانی و از هم گسیختگی اجتماعی با انحطاط فرهنگی وحشتناکی منجر گردید که آثارش را از اواخر قرن هشتم به بعد در حیات مادی و معنوی ایرانیان مشاهده می‌کنیم.[۲]

وضع اجتماعی:

در وضع سیاسی نیز ذکر کردیم که قرن هفتم و هشتم وحشتناکترین دوران تاریخ از وضع با حملهٔ مغول و تتار که در رأس همه این مصائب و به منزلهٔ بلایی آسمانی بود, آغاز گردید و با تاخت وتازهای مأیوسانه فرزندان محمد خوارزمشاه و سپاهان بی‌صاحب او که این سوی و آن سوی سرگردان بودند,

---

[۱]- ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات ایران، انتشارات فردوس, تهران ۱۳۸۰، ج ۲ ، ص ۱۷-۱۶

[۲]- همان: ص ۱۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تکمیل شد و با حمله مجدد مغول در زمان هلاگو و جانشینان وی ادامه یافت. اختلافات سران مغول در عهد ایلخانان و علی‌الخصوص بعد از مرگ ابوسعید بهادر و کشاکشهای پیاپی امرای مختلف بر سر فرمانروایی نواحی ایران و سرانجام قتل و غارتهای وحشیانه تئمور و همراهان او به تمامی وضع خطرناکی را سراسر این دو قرن در ایران ایجاد کرده بود. غالباً شهرهای ماوراءالنهر و خراسان هر یک دو یا چندبار ویران و قتل‌عام شد.

کامیابی‌های که در نخستین حملات سریع مغولان نصیب آنان شده بود سبب گردید تا مردم تصور کنند که مشیت الهی و بخت بت آنان یار است و هرگونه مقاومت در برابر آن قوم ناممکن و بی‌ثمر و این اندیشهٔ ناصواب تا دیرگاه مایهٔ فتح و پیروزی و پیشرفتهای پر دامنه آنان شمرده می‌شد.[1]

با روی کار آمدن غازان‌خان پادشاه مسلمانان ایلخانی و وضع یاسای او, اندکی از آزار بی‌امان مغولان کاسته شد لیکن انقلابات بعد از فوت ابوسعید بهادرخان وضع دشئار جدیدی برای ایرانیان ماتم‌زده فراهم آورد و موجب قتل و غارت تازه‌یی به دست سرداران امارات‌جوی گردید.[2]

در دورهٔ اتابکان بر اثر تشتت اوضاع و چیرگی مردم فرومایه و زئرگوی و ظهور قحط و غلا و تارج و حمله‌های بعضی از مهاجمان, بسیاری از مردم فارس از میان رفتند و درست در ایام مصادف با عهد غازان‌خان و یاسای فریبنده‌ش, یعنی بعد از وبا و قحط و غلای سال ۶۹۸, به سال ۶۹۹ ایلخانان در فارسی آتشی از بیداد روشن کردند و به انواع راههای مردم را آزار می‌دادند و مالیات به میزان سال پیش از قحط مطالبه می‌کردند و آن را به زوری تهدید و قتل می‌ستاندند.

هجوم مغول در مبنی و اساس با عرض اقتصادی همراه بود و چهانگشایی, یا گرفتن انتقام از سلطان محمد خوارزمشاه بهانه‌یی ظاهری بود.[3]

---

[1]- جهانگشای جوینی، چاپ لندن, ج ۱، ص ۸۱،۱۰۳،۱۰۹،۱۲۶،۱۲۸ : ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۱

[2]- ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۱،۳۲

[3]- همان، ص ۳۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تسلط مغولان بر ایران امری دفعی نبود که به زمانی کوتاه فیصله پذیرد و خاتمه یابد. حاصل این مشکلات مداوم فقر روزافزون و خرابی پیاپی و فتوری وسستی دمادم برای مردم ایران بود.

۲-۲. وضع صوفیه در دو قرن هفتم و هشتم

صوفیه در قرن هفتم و هشتم قوتی بسیار داشتند و تصوف رواج روزافزون می‌یافت. درپایان سدهٔ ششم و آغاز سدهٔ هفتم دو مکتب بزرگ در عرفان وخود داشت که به هر یک از آنها عده‌یی از مشایخ بزرگ نسبت داشتند.

نخست سلسله کبرویه یعنی پیروان شیخ نجم‌الدین کبری در مشرق و دوم سلسلهٔ سهروردیه یعنی مریدان وپیروان شیخ شهاب‌الدین ابو حفص عمربن محمد سهروردی در مغرب بود. رؤسا و پیروان این دو سلسلهٔ بزرگ تا قرن هشتم در ایران شهرت و تصوف ایران تأثیر شدید داشتند.

در گیرودار حمله مغول گروهی از مشایخ بزرگ که حاضر به ترک مکان ویا مرکز تعلیمی خود نشدند مانند شیخ نجم‌الدین کبری و شیخ فریدالدین عطار و نظایر آنان به قتل رسیدند و یا در همان اوان در گذشتند ولی برخی دیگر توانستند خود را از مهرکه نجات دهند و به پناهگاههای فرهنگی جدید مانند آسیا صغیر و شام و فارس و کرمان و بلاد سند و هند و نظایر این نواحی بروند و بساط ارشاد در ناحیتهای جدید بگسترانند. همین امر و همچنین باز ماندن دسته‌هایی از مشایخ و عارفان در شهرها و ناحیت‌هایی که از قتل‌عام رسته بودند وسیلهٔ خوبی برای حفظ سنتهای خانقاهی و نگاهبانی مبانی تصوف و ترویج آن در میان آیندگان بوده‌است.[۱]

تصوف در قرن هفتم و هشتم اندکی هم به طریق علمی و شیوهٔ تحلیل و توجیه متمایل گردید. این کار که پیش از این دوره توسط صوفیان بزرگی چون عین‌القضاة همدانی آغاز شده بود در اوایل قرن هفتم عمومیت بیشتر یافت و شیخ نجم‌الدین کبری (مقتول ۶۱۸) که مشغول تربیت عده‌یی از بهترین

[۱]- ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات فارسی، ج ۲ ص۴۵-۴۴

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مشایخ صوفیه بود با تألیف کتابهای معتبر خود مانند " منهاج السالکین, اصطلاح الصوفیه, آداب السلوک و آداب المریدین بخشی از مبانی و مبادی تصوف و آداب صوفیان را مورد بحث و توضیح و تدوین قرار داد. از میان پیروان مکتب او نیز کسانی مانند , شیخ نجم‌الدین رازی (م۶۵۴) و سعد-الدین حمویی (م۶۵۰) کارش را دنبال کردند.

بدین گونه تصوف در قرن هفتم و هشتم شیوهٔ نظری یافت و به شکل علمی قابل تعلیم در آمد و این امر مقدمه‌یی شد تا مبانی و مبادی تصوف در ادبیات خاصه شعر نفوذ عام حاصل کند و از انحصار آثار صوفیه بیرون آید.[1]

در برابر این دسته از عارفان متفلسف دسته‌یی دیگر از صوفیان بودند که اگرچه ورود در مباحث عقلی برای آنان آسان بود لیکن به جای آن که راه دشوار مجاهدت را با پای چوبین و بی‌تکمیل استدلال بسپرند چون پیشینیان بر مرکب ذوق و وجد نشستند و دریچهٔ خاطر را بر بحث‌های ملال‌انگیز مبتنی بر فلسفه و استلال ببستند.[2]

از سلسلهٔ سهروردیه که به سهروردیان ایران و سهروردیان هند یا مولتان تقسیم می‌شدند و به شیخ شهاب‌الدین ابو حفص عمربن محمد سهروردی منسوب بوده‌اند. مشایخ بزرگی در قر هفتم و هشتم ظهور کردند, همچون اوحدالدین کرمانی (م۶۳۵), نجیب‌الدین بزغش شیرازی (م۶۷۸), شرف بن مصلح سعدی شیرازی (م ۶۹۱ یا ۶۹۰) و از سلسلهٔ کبرویه و تعالیم نجم‌الدین کبری نیز عارفان بزرگی چون شیخ الاسلام سیف‌الدین باخرزی (م۶۵۸), جمال‌الدین گیلی(م۶۵۱), شیخ سعدالدین محمد حمَویه (م۶۵۰), بابا کمال جندی, رضی‌الدین علی‌لالا (م ۶۴۲), شیخ نجم‌الدین دایه (م۶۵۴) و بهاء-الدین محمد پدر مولوی (م۶۲۸) پدید آمدند. از دیگر عارفان مشهور این دوره باید شیخ امین‌الدین بلیانی, خواجوی کرمانی (م۷۵۳), خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (م۷۹۲),سیف‌الدین محمد

---

[1]- ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات فارسی، ص : ۴۶

[2]- همان، ص ۴۶

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران مصوبهٔ وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فرغانی, اوحدی مراغه‌یی (م۷۳۸), کمال‌الدین مسعود خجندی (م۷۹۲), شیخ نورالدین عبدالرحمان اسفراینی, شیخ علاءالدوله سمنانی (م۷۳۶) را بر شمرد.[۱]

۲-۳. نام و نسب، خاندان، زادگاه، تاریخ تولد و تاریخ وفات

شیخ نورالدین ابومحمد عبدالرحمان بن محمد بن محمد کَسِرقی اسفراینی روز دوشنبه چهارم شوال ۶۳۹ ق در خانقاه منسوب به شیخ ابوبکر کتّانی در روستای کسرق در اطراف شهر اسفراین ولادت یافت. اسفراین یکی از شهرهای اطراف نیشابور در استان خراسان امروزی است.[۲] بنا بر اشارات خود اسفراینی، او از کودکی در خانواده‌ای اهل تصوف و عرفان بزرگ شد؛ یعنی خانوادهٔ او هم، اهل تصوف و خانقاه بودند.[۳] دربارهٔ زمان وفات او, بنا بر آنچه در منابع آمده است, نورالدین عبدالرحمان اسفراینی در شب چهارشنبه سوم جمادی الاول ۷۱۷ وفات کرد و در بغداد به خاک سپرده شد. در مورد سال وفات ایشان اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ اما قدر مسلم در این میان ــ بنا بر آنچه در آثار شیخ علاءالدوله سمنانی، شاگرد و مرید برجسته ایشان، آمده‌است ــ سال ۷۱۷ ق صحیح‌تر به نظر می‌رسد.[۴]

۲-۴. کودکی، جوانی، نشو و نما، محیط زندگانی و سفرها

از مقدمهٔ منورالقلوب می‌توان دریافت که او قبل از شعبان ۶۷۵ ق، یعنی پیش از ورود به بغداد و خلوت در «رباط درجه» به ارشاد صوفیان مشغول بود. بعد از این تاریخ, وی اغلب در بغداد مشغول

---

[۱]- همان، ص ۴۶

[۲]- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه دهخدا, تهرا, شرکت افست گلشن, ص ۶/ ۲۳۲۲.

[۲]- دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران, وزارت فرهنگ و ارشاد، ص ۳۲۱/۸-۳۲۴؛ سمنانی، علاءالدوله احمدبن‌محمد، تذکره المشایخ، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی۱۳۳۹، ص ۳۱۶؛ لندلت، هرمان: کاشف الاسرار، مؤسسهٔ مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۵.

[۳]- نوربخش، سید محمد: سلسله الاولیاء، جشن نامه هانری کربن ۱۳۵۶، ص ۵۹؛ سمنانی، علاءالدوله احمدبن‌محمد: تذکره المشایخ، ص ۳۱۶؛ لندلت، هرمان: کاشف الاسرار، ۱۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ارشاد و دستگیری مریدان بود و فقط یک سفر به مکه (پیش از سال ۶۸۶ ق) داشته و مدتی نیز مقیم مدینه‌السلام بوده‌است.[۱]

عبدالرحمن اسفراینی پیش از سال ۶۸۹ ق مدتی با جمال‌الدین دستجردانی، رئیس اوقاف عراق، صحبت داشته‌است. در رباط «سکینه» در سال ۶۸۹ ق شیخ علاءالدوله سمنانی در شونیزیه زیر نظر او به خلوت نشینی پرداخته‌است.[۲] بعدها در قسمت غربی شهر، خانقاهی تأسیس نمود، همچنان که از وصیت‌نامهٔ وی بر می‌آید، این خانقاه گویا همان خانقاهی است که اولجایتو (خدابنده) در سال ۷۰۹ ق به او تملیک کرده بود.

در سال ۷۱۲ق شیخ علاء الدوله دوباره در بغداد با اسفراینی دیدار کرد.

۲-۵. آموزش‌های علمی، اساتید و شاگردان اسفراینی

اسفراینی نخستین تعلیمات خود را نزد والدینش آموخت. وی در همان اوایل، در خلوتخانهٔ شیخ ابوبکر کتانی ـ که شیخ احمد جورپانی در آنجا به ارشاد و تعلیم مشغول بود ـ حاضر می‌شد. در این اثنا با درویشی به نام «پورحسن» آشنا شد. پورحسن موجبات اشتیاق و ارادت اسفراینی را به جورپانی فراهم نمود و بعد از چندی قواعد طریقت را به طور کامل نزد شیخ احمد جورپانی آموخت. احمد گورپانی (متوفی ۶۶۷ یا ۶۶۹) طریق تصوف را از علی لالا (متوفی ۶۴۲) اخذ کرد و او به نو بهٔ خود به دایره ارشاد نجم‌الدین کبری (متوفی ۶۱۸) و مجدالدین بغدادی (متوفی ۶۶۷) پیوست و از هر دو اجازه گرفت.[۳]

تأثیر افکار و سخنان اقطاب سلسله کبرویه و نیز آن شیخ نجم‌الدین دایه رازی (شاگرد مجدالدین بغدادی متوفی ۶۵۳) در تمام آثار اسفراینی پیداست. ولی جالب توجه این است که اسفراینی در رساله

---

[۱]- کربلایی تبریز، حافظ حسین: روضات الجنان، تهران، انتشارات ستوده ۱۳۸۳، ۲۸۶/۲؛ لندلت، هرمان: کاشف الاسرار،۱۶-۱۷

[۲]- لندلت، هرمان: کاشف الاسرار ۱۷؛ کربلایی تبریز، حافظ حسین: روضات الجنان، ۲۸۶/۲.

[۳]- لندلت, هرمان: کاشف الاسرار , مقدمه پانزده

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

منورالقلوب (خلوت نشینی) خود که آن را اثر از دوران جوانی شناختیم, از مجدالدین بغدادی حتی نام نمی‌برد و از نجم‌الدین کبری به عنوان "شیخ شیخ شیخ ما" معرفی می‌کند.[۱] در حالی که در *کاشف الاسرار* درست بر عکس به کبری توجه ندارد و بغدادی را "شیخ ما و سلطان ما" می‌داند.[۲]

چون که *کاشف السرار* بدون شک سال‌ها بعد از ملاقات با علاءالدوله تألیف شده‌است و ما می‌دانیم که علاءالدوله برای مجدالدین بغدادی از همه مشایخ بیشتر احترام داشته, شاید این تحویل توجه بدون تأثیر مرید بر مراد خود نبوده باشد؟

خصوصیت احمد گورپانی تصوف زاهدانه و خاموشی بود و روش "ذکر قوی خفی مشروط به نفی و اثبات" او شهرتی داشت تا حدی من بعد در مکتب علی همدانی او را مؤسس «ذکر چهار ضربی» می‌دانستند.[۳] ولی اسفراینی به ذکر چهار ضربی هیچ اشاره نمی‌کند و به احتمال قوی روش آن ذکر خفی او مانند آنکه بعداً به " ذکر نقشبندی" معروف شد, ذکر سه ضربی بود نه چهار ضربی. به هر حال جبراییل خرمادی شاگردی اسفراینی روش ذکر شیخ را " سه قسم" تعریف می‌کند[۴] و قشاشی در السمط المجید اسفراینی را مؤسس ذکر سه ضربی می‌شمارد.[۵] نکته دیگر این است که اسفراینی تربیت صوفیانه را نه تنها از احمد گورپانی گرفت بلکه در همان دوران جوانی هم ارادت به خاندان ابوسعید بوالخیر داشت و از زهد به عشق پیوست و در شهر اسفراین در مجلس سماع شرکت می‌کرد.[۶] اسفراینی با مشایخ دیگری هم ملاقات داشت و به خصوص وقت مسافرت به نسا مرید عبدالله نسائی شد و از او دو باره تلقین ذکر را آموخته است.[۷] باعث تعجب است که سمائی در" *تذکره المشایخ*" نه در مورد درویشی خاندان ابوسعید حرفی می‌زند و نه در مورد عبدالله. ولی می‌گوید اسفراینی "خرقه

---

[۱]- همان, شانزده

[۲]- همان, ص ۵۸

[۳]- حافظ حسین کربلایی تبریزی: روضات الجنان و جنات الجنان، ۲ ص ۳۰۰

[۴]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: کاشف الاسرار، مقدمه فرانسه پاورقی ش ۱۲۶.

[۵]- قشاشی: السمط المجید، چاپ حیدآباد ۱۳۲۷، ص۱۵۸-۱۵۵

[۶]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: کاشف الاسرار، ص ۲۶

[۷]- همان، ص ۲۴-۲۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران دانشگاهها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تبرک" را از دست رشیدالدین او عدالله محمد بن ابی القاسم المقری دریافت کرده و او هم به نوبه خود از دست شهاب‌الدین عمرین محمد سهروردی (متوفی ۶۳۲). به نظر می‌رسد که این رشیدالدین مقری همان رشیدالدین طوسی است که بنابر کاشف الاسرار شیخ اول شیخ عبدالله بود, یعنی قبل از آنکه عبدالله به نوبه خود به دایره علی‌لالا پیوست.[۱] در نتیجه مشخص می‌شود که اسفراینی در جوانی نه تنها از مشایخ کبرویه تأثیر گرفته بلکه از مشایخ بزرگ دوره خودش نیز تأثیر گرفته‌است.

در باره این که دوران شاگردی اسفراینی کی به اتمام رسید خبری در دست نیست ولی از مقدمه رسال منورالقلوب برمی‌آید که او قبل از ورود به بغداد به ارشاد صوفیان مشغول بود.[۲]

اسفراینی بعد از مرگ پدر و مادرش راهی نسا شد و مبادی طریقت را از مریدان شیخ علی لالا آموخت. همین آموزش باعث شد که وی در سال ۶۸۵ق/۱۲۷۷م کتاب «فی کیفیه التسلیک و الاجلاس فی الخلوه» را تألیف کند.[۳] وی در بغداد که اقامتگاه دائم او بود، به تجدید سازمان و ادارهٔ مراکز صوفیه می‌پرداخت. اسفراینی در مدت حضور بیش از چهل ساله در بغداد یکی از مراکز مهم سلسلهٔ کبرویه را به وجود آورد. اسفراینی تنها به امور خانقاهی و ارشاد صوفیان نمی‌پرداخت، بلکه فعالیت های سیاسی هم انجام می‌داد.[۴]

بعضی بزرگان کبرویه پیش اسفراینی دربارهٔ طریقت و سیر و سلوک آموزش‌هایی دیده‌اند. مهم‌ترین مرید وی علاءالدوله سمنانی است؛ وی در سال ۶۸۹ ق در شونیزیه نزد اسفراینی تعلیم دید. از جمله شاگردان و مریدان معروف اسفراینی علاوه بر سمنانی می‌توان به عبدالسلام جنجی, شرف الدین سعد الله سمنانی و جبرائیل خرم‌آبادی اشاره کرد که در شرح عقاید و طریقت اسفراینی کوشیده اند.[۵]

---

[۱]- همان: مقدمه هفده

[۲]- همان: ص ۱۱۱

[۳]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: کاشف الاسرار، ص ۱۵: دائره‌المعارف بزرگ اسلامی, ۳۲۱/۸.

[٤]- حافظ حسین کربلایی تبریزی: روضات الجنان و جنات الجنان،۲۸٦/۲: دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۳۲۱/۸-۳۲٤.

[٥]- کاشف الاسرا، ص: ۱۵-۱۹: حبیب السیر ٤٥٥/۳: دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۳۲٤/۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۶. مشایخ تصوّف، مریدان و خلفا (جانشینان)

اسفراینی در طریقت پیرو حضرت شیخ احمد ذاکر جوزقانی/ کورپانی معروف به «سلطان الذاکرین» بوده است. جوزقانی توسط شیخ رضی‌الدین علی لالا از مریدان شیخ نجم الدین کبری است.[۱] بنابراین, او یکی از اقطاب سلسهٔ کبرویه است پس از او, مقام ارشاد به حضرت شیخ علاء الدوله سمنانی رسیده است.[۲]

اسفراینی در شهر نسا با شیخ عبد الله نسایی دیدار می کرده و از ایشان دو بار تلقین ذکر نموده-است.[۳] شیخ علاءالدوله سمنانی در مورد شیخ عبدالله می‌فرماید: « شیخ نورالدین عبدالرحمان اسفراینی «خرقه تبرک» از دست شیخ رشیدالدین ابوعبدالله محمد بن ابوالقاسم المقری دارد و او از دست شیخ شهاب‌الدین عمر بن محمدالسهروردی دارد و او از دست عمّ خود شیخ ابو نجیب سهروردی دارد_قدس الله ارواحهم».[۴]

ابوالنجیب عبدالقادر سهروردی که در طریقت، نسبت به احمر غزالی داشته و کتابی به نام *آداب المریدین* تألیف کرده و در سنهٔ ۵۶۳ وفات کرده است. عمار یاسر بدلیسی از اصحاب ابوالنجیب عبدالقادر سهروردی و از مربیان شیخ نجم‌الدین کبری.[۵]

۲-۷. مکتب تصوّف

همان گونه که اشاره شد, شیخ نورالدین عبدالرحمان اسفراینی با دو واسطه از اقطاب سلسلهٔ علویهٔ کمیلیهٔ کبرویه است، این طریقت به نجم‌الدین کبری نسبت داده می‌شود. نجم‌الدین کبر در سال ۵۴۰

---

[۱]- حافظ حسین کربلایی تبریزی: روضات الجنان و جنات الجنان,۳۰۰/۲.

[۲]- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۸/ ۳۲۱-۳۲٤؛ کاشف الاسرار، ص:۱۷.

[۳]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: کاشف الاسرار، ٤۲-٤۷.

[٤]- سمنانی، علاءالدوله: تذکره المشایخ، انتشارات علمی فرهنگی۱۳٦۹، ص ۳۱۵؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۸/ ۳۲۱-۳۲٤.

[۵]- قاسم غنی:تاریخ تصوف در اسلام, تهران, انتشارات زوار,۱۳۸۳, ص ٤۳۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به دنیا آمد و از بزرگان عصر خویش، از جمله بابافرج در تبریز، اسماعیل قیصر در خوزستان و روزبهان در مصر تعلیم و آموزش دید.[1]

بزرگان این طریقت آنچه از سیره, منش و آداب استادان خویش دریافتند, به کار بستند و مریدان را نیز به آن امر نمودند.[2] به طور کلی, آنچه در این مکتب تصوف بدان پرداخته می‌شود, پاس‌داشتن شرع مبین اسلام همگام با ظهور و نمود حقیقت در طریقت, به وسیلهٔ گام نهادن بر جاده و مسلک اهل بیت(ع) است. زهد صرف و پرهیز خشک و بدون اندیشه, آنچنان که مرسوم ظاهرپرستان است در این اندیشه راهی ندارد. در حقیقت پرهیزی مقبول نظر ایشان است که جانبداری خدای‌تعالی در آن صورت پذیرد, وگرنه پرهیز بی‌اندیشه و صرف, برای آنکه اثبات نفس انسانی شود، به هیچ روی پذیرفته ایشان نیست. همچنین پرداختن به جنبه های منحول و برساختهٔ نوافلاطونی که با نام عرفان و اندیشه های عرفانی اسلامی از ادیان و مذاهب دیگر وارد اسلام شده‌است, نزد ایشان دیده نمی‌شود.[3]

۲-۷-۱. گوشه ای از اندیشه های حضرت شیخ نور الدین اسفراینی در مکتب عرفانی او:

اسفراینی از جمله صوفیانی است که به ذکر و تأثیر آن در سیر و سلوک اهمیت فراوانی قائل است. وی در مورد اهمیت ذکر می‌گوید: «هیچ کس به حق راه نیابد، الا به مداومت ذکر[4] ». ذکر برای رسیدن به عالم کشف و شهود ضروری است: « نتایج حقایق غیبی جز به وسیلهٔ ذکر به عالم شهود نپیوندد[5] » ؛ البته ذکر دارای شرایط و مقتضیات زیادی است؛ یکی از آنها وضو است: « و دوام وضو، شکر نعمت وضو و تازه نمودن وضو پس از هر خواب[6] ».

---

[1]- نجم‌الدین کبری: اقرب‌الطرق الی الله، تهران، انتشارات صفا، ۱۳٦۲، ص ۲۱.

[2]- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۸/ ۳۲۱-۳۲٤.

[3]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: مکاتبات، انستیتوی فرانسوی پژوهشهای علمی، تهران ۱۳۵۱، ص ٦؛ اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد منورالقلوب, ۱۲۸.

[4]- همان: ٦.

[5]- همان: ۸

[6]- همان: ٦.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اسفراینی به ذوق و شوق درونی، یعنی سلوک با سوز و عشق و درد تأکید دارد: «درد و طلب و مقدمه آن که پاکی سینه بود از درون[1]».

صوفی هرگز نباید به علم خود مغرور باشد و افتخار کند: «اگر علم اولین و آخرین بر مرید جمع شود, باید که به گوشهٔ چشم نیز بدان ننگرد, چرا که امتحان حق است[2] ».

اسفراینی از جمله صوفیانی است که بر شریعت تأکید فراوان دارد و هرگز معتقد به تعطیل فرایض و شریعت نیست: «کار با کتاب و سنّت است[3] »؛ « مرید (اسپهبدِ راه) باید راه طریقت و سختی های آن را با تقرب و متابعت حضرت محمد مصطفی (ص) تماماً کنار گذارد[4] »؛ «هر که در راه بماند, از راه باز نماند, در ره مانی, به که ز ره وا مانی[5] ».

صوفی باید پیوسته در فکر ریاضت نفس باشد: «هر چه بر نفس دشوارتر, نزد ایشان پسندیده‌تر[6] ». اختصاص به بندگی خداوند صوفی را از تسلط نفس و شیطان دور نگه می‌دارد: « چون مرد را خصوصیت بندگی حاصل آمد, نفس و شیطان را بر او دست نماند[7] ».

۲-۸. آثار

بی شک بسیاری از آثار حضرت شیخ در طول تاریخ از میان رفته است و آنچه از آثار او باقی است, همه نشان از پرمایگی, استواری لفظ، معنی و بی‌کران بودن جانب علم نزد او دارد. آنچه از مقدمه آثار او هویداست, حضرت شیخ فی البداهه به نگارش مطلب یا کتاب نمی‌پرداخت, بلکه هر کدام از آثار او

---

[1]- همان: ٦.

[2]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: مکاتبات: ۱۳.

[3]- همان:, ۱۳.

[4]- همان :۱۵.

[5]- همان: ١٦.

[6]- عبدالرحمان بن محمد: منورالقلوب، ص ۱۲۱.

[7]- همان: ۱۲۸

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بنا به سؤال و خواهش مریدانش نوشته شده‌است.[1] آنچه تاکنون در میان فهرست‌های دستنویس‌های کتابخانه‌های جهان یافت شده, آورده می‌شود. منورالقلوب کتابی است که سالیان دراز در فهرست کتابخانه‌های جهان در خمول و گمنامی بوده‌است و اکنون برای اول بار است که شناسایی و تحقیق می‌شود.

هرمان لندلت، هنگامی که کتاب ارزشمند کاشف الاسرار را تصحیح می‌نمودند, به رساله‌ای موجز در انتهای آن کتاب بر می‌خورند که توسط کاتب عنوان «رساله در روش سلوک و خلوت نشینی» به آن داده شده بود. ایشان این رساله را با همان عنوان فرعی که از آن کاتب بود (و نه از مولف کتاب) به چاپ رساندند.[2]

توفیق سبحانی و دکتر حسام‌الدین آق‌سو, درحین فهرست کردن کتاب‌های فارسی کتابخانهٔ دانشگاه استانبول, پس از *کاشف الاسرار* به کتابی با عنوان *"منورالقلوب"* برخوردند و بدون آنکه آغاز و انجام این کتاب را با *کاشف الاسرار و رسالهٔ روش سلوک و خلوت نشینی* تطبیق دهند, آن را در فهرست کتابخانه وارد نمودند. این خطا از طریق فهرست ایشان در فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی استاد منزوی نیز وارد شد, و منورالقلوب اثری تلقی شد که تا کنون شناخته شده نبود.

۲-۸-۱. کاشف‌الاسرار

کتاب با حمد و سپاس خداوند آغاز می‌شود؛[3] موضوع آغازین کتاب سؤال برادری دربارهٔ حجب نورانی و ظلمانی است[4] که حضرت شیخ اسفراینی با ایراد احادیث و آیات, به توضیح این مطلب می‌پردازد؛ پس از آن مقدمه‌ای در سیر و سلوک آورده می‌شود؛[5] و در پی آن صفت احدیت و واحدیت خداوند

---

[1]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: کاشف الاسرار، ص ۸.

[2]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: کاشف الاسرار، ص ۱۱۱-۱۵۲.

[3]- همان: ص ۱

[4]- همان: ص ۲

[5]- همان :ص ۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بیان می‌شوند؛[1] سپس درباره اخلاص و علامت تصدیق دل سخن گفته می شود؛[2] در پی این موضوع به ایمان و شرایط حصول آن؛[3] و منازلی که در «سیر فی الله» طی می‌شود، پرداخته می‌شود.[4] دربارهٔ روح و قالب؛[5] و چگونگی پدید آمدن قلب و نفس نیز در کتاب مطالبی ذکر شده‌است.[6]

حضرت شیخ سلوک محبّت را عنایتی از طرف خداوند می‌داند که بر بنده‌ای از بندگان خاص خویش افاضه می‌کند؛[7] و مخالطت با مردم ناجنس پرتو نور نیّت کاستی می‌گیرد؛[8] ایشان در یک رویای راستین, حضرت محمد مصطفی (ص) را در خواب می‌بینند و از دست مبارک ایشان به دریافت ولایت نائل می‌شوند.[9] یافت خدمت و تلقین ذکر, که از دو جانب به حضرت محمد مصطفی (ص) مسلسل بود, انعامی و اکرامی دیگر بود که به حضرت شیخ (ره) اعطا شد؛[10]

در ادامهٔ کتاب حضرت شیخ بیان می‌کند سلوک راه، بسته به میزان عشق مرید است. چنان که اشاره می‌کند چندان که سالک را عشق بیشتر, درد طلب آن حضرتش بیشتر،[11] عشق را ناری است که ارباب طریقت آن را آتش عشق گویند.[12] پس از آن پاسخ به چند پرسش و تعبیر چند خواب و رویا ذکر شده‌است که ظاهراً از کاشف الاسرار جدا هستند و رساله هایی مجزا به شمار می‌روند. پس از این امر ذکر طبقات آسمان روحانیات و ذکر طبقات زمین بشریّت[13] به میان می‌آید. در پایان کتاب (همچون جای‌جای درون آن) مناجاتی بسیار شیوا و بلیغ آمده که حسن ختامی بر این کتاب است.

---

[1]- همان: ص ۳

[2]- همان: ص ۳

[3]- همان: ص ۵

[4]- همان: ص ٦

[5]- همان: ص ۷

[6]- همان: ص ۸

[7]- همان: ص ۱۳

[8]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: کاشف الاسرار: ص ١٦

[9]- همان: ص ۱۷

[10]- همان: ص ۲۵

[11]- همان: ص ۳۸ .

[12]- همان: ص ۳۹.

[13]- همان: ص ٤١.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۸-۲. نامه ها

مکتوبات شیخ نورالدین عبدالرحمان اسفراینی و شیخ علاءالدوله سمنانی, برگزیده از مجموعه «رسائل النور فی شمائل اهل السرور.» بخش اول کتاب شامل هشت مکتوب است. قابل ذکر است نامه‌های حضرت شیخ نورالدین اسفراینی به دست حضرت شیخ علاءالدوله سمنانی گرد آوری شده که حاوی موضوعات عرفانی مثل طلب و واردات و... است. بخش دوم کتاب جواب نامه های دیگران از جمله شاگردان است.

۲-۸-۳. منوّرالقلوب

الف) عنوان کتاب

منورالقلوب (در نسخهٔ استانبول), فی کیفیه التسلیک و الاجلاس فی الخلوه(در هامش نسخه فرانسه) و رساله در خلوت (در نسخهٔ عکسی مرکز احیا).

ب) نسخه‌شناسی کتاب

الف) کتابخانه ملی فرانسه (۵, ب۱۳۲-۱۶الف Lras۱۱۱). علامت اختصاری این نسخه F است. این نسخه از لحاظ کامل بودن نسخه، افتادگی کمتر داشتن و به علت نظم صفحات, بر دیگر نسخ ارجح است. از همین رو آن را اساس قرار دادیم، با وجود آنکه نسخهٔ کتابخانهٔ استانبول قدیم‌تر به نظر می‌رسید, و برخی برتری‌ها نسبت به این نسخه داشت. این نسخه در کتابخانهٔ ملی فرانسه نگهداری می‌شود. متن آن روان و واضح است. در هر صفحه ۱۴ سطر وجود دارد و تاریخ کتابت ندارد.

ب) کتابخانهٔ دانشگاه استانبول (شماره۱۰۷۹). علامت اختصاری این نسخه در نسخه بدل‌ها I است. این نسخه در یک جلد با عنوان نسخهٔ خطی دوم در کتابخانهٔ دانشگاه استنابول نگهداری می-شود. این نسخه از لحاظ قدمت تاریخی کهن‌تر به نظر می‌رسد. در این نسخه در اکثر موارد «دال» معجم به صورت «ذال» آمده است و «چ» به صورت «ج» نوشته شده است؛ اما در پایان آن افتادگی دارد. از خصوصیات مهم این نسخه , ذکر شدن نام اصلی کتاب «منورالقلوب» است که در نسخ دیگر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وجود ندارد. همچنین عناوین فصول در این نسخه فارسی است که با نسخه های دیگر تفاوت دارد. در هر صفحهٔ آن ۱۳ سطر وجود دارد. نوشتهٔ آن واضح و روان است. تاریخ کتابت نسخه مشخص نیست؛ اما تاریخ آن به بعد از قرن نهم و دهم نمی‌رسد. برخی از کلمات تقریباً نامشخص آن، از سوی فرد یا افراد نامعلومی با جوهر و خودکار آبی و به ندرت قرمز رنگ مشخص‌تر شده است. رسم‌الخّط نسخهٔ استانبول این خصوصیات را دارد: واج «آ» به صورت «ا» ، واج «دال» به صورت «ذال»، واج «گ» به صورت «ک»، واج «چ» به صورت «ج»، «است» و حروف اضافه «به و را» اغلب چسبیده به کلمات نوشته‌شده‌است.

پ) مرکز احیای التراث قم (فیلم ۲۹۰۲). علامت اختصاری این نسخه M است. این نسخه هم تاریخ کتابت دارد وهم کامل است. شماره کتابت آن ۲۹۰۲ می‌باشد. تاریخ کتابت این نسخه ماه محرم ۱۲۷۹ است. جدید ترین نسخ کتاب «منورالقلوب» این نسخه است. میان این نسخه و نسخه فرانسه شباهت‌هایی وجود دارد که درنسخه بدل‌ها بدان اشاره شده است. این نسخه در مرکز احیای التراث قم نگهداری می‌شود. در هر صفحه ۱۵ سطر وجود دارد و متن آن به خط نستعلیق نوشته شده است. باید توجه داشت که معمولاً مذهب کاتبان در نسخه برداری تأثیر می‌گذارد. این امر در این نسخه از منورالقلوب نیز مشاهده می‌شود؛ چنان که کاتب شیعهٔ این نسخه، در برخی موارد در نسخه برداری کتاب دخل و تصرف کرده است؛ دخل و تصرف کاتب در موارد زیر کاملاً مشخص است: نسخهF و I : «و سلامه علیه»، نسخه M : «علیه و آله»

در نسخهٔF و I آمده است: «عایشه رضی الله عنها می گوید... »؛ ولی در نسخهٔ M «عایشه رضی الله عنها» حذف شده و فقط «می گوید» (س۴۹ /۷۷ : ص ۶ / ۷۷)باقی مانده است.

کاتب نسخهٔM همچنین برخی از جملات معترضه مثل «رضی الله عنهم» و «قدس الله ارواحهم» را که غالباً سنیان به کار می‌برند، حذف کرده است. کاتب همچنین احترام ویژه ای برای قرآن قائل است، به گونه ای که در همهٔ موارد "قرآن" را قبل از "حدیث" می‌آورد؛ مثلاً درنسخهٔF و I آمده است:

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ۱۰۱ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«حدیث و قرآن نمی آرند» س ۶۹؛ ولی در نسخه M " در قرآن و حدیث" نوشته شده است. رسم-الخط نسخهٔ مرکز احیاء التراث قم این خصوصیات را دارد: تکواژهای « می، به، این، ها، است، را» معمولاً چسبیده به کلمات نوشته شده‌است. در نسخه شناسی M از F در ۷۴۳، I از F ۲۳۹ و M - I - F از کتاب دکتر هرمان ۸۵۹ جا و I -M از F ۸۳۶ ، F -I از M ۶۵۹، M - F از I ۱۸۹ جا تفاوت دارد.

ج) محتوای کتاب

حضرت شیخ کتابی در هشت باب, در کیفیت سلوک جهت استفاده خاص و عام تصنیف می‌کند و به جهت تبرک از کلمات شیخ خویش حضرت رضی‌الدین علی لالا نیز در آن بهره می‌برند.[1] فصول کتاب از این قرار است:

«الفصل الاول فی فضیله الانسان»؛

«الفصل الثانی فی حقیقه خلق الانسان و المراد فیه»؛

«الفصل الثالث فی سلوک الصوفیه و قواعد مذهبهم»؛

«الفصل الرابع فی کیفیه تحصیل جمعیه القلب»؛

«الفصل الخامس فی شرایط آداب الذکر و هو مرتب علی قسمین»؛

«الفصل السادس فی فضیله من یخدم الصوفیه»؛

«الفصل السابع فی جواب المتعنّت و المنکر فیهم»؛

«الفصل الثامن فی جواب من ساله عما الفائده فی ترک الدنیا و الآخره[2] ».

---

[1]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: منورالقلوب، ص ۱۱۲.

[2]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: منور القلوب، ص ۱۱۲-۱۱۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الفصل الاول فی فضیله الانسان: پس از بیان برتری آدمی بر دیگر آفریدگان؛[1] به بیان لطف و بنده نوازی خداوند می‌پردازد؛[2] در شرایط بندگی سخنی چند بیان می‌شود.[3] الفصل الثانی فی حقیقه خلق الانسان و المراد فیه: تشریف و خلعت بر بالای تمامی آدمیان راست نمی‌آید, بلکه در حق بسیاری از آنان نیز فرموده (اولئک کالانعام بل هم اضل)؛[4] مراد از خلقت آدمی معرفت ذات و صفات خداوندی است؛[5] در پی این مطلب, آدمی به معدن آهن مثل زده می شود که چون تربیت می‌یابد به مقام آینگی می‌رسد؛[6] در این صورت است که بنده را معرفت باری‌تعالی حاصل می‌آید و چون معرفت حاصل شد پای در بادیهٔ طلب می نهد؛[7] سپس از انتهای ارادت و ابتدای ولایت سخن به میان می‌آید؛[8] و مطالب پس از آن رخ می‌نماید. الفصل الثالث فی سلوک الصوفیه و قواعد مذهبهم: در این فصل دربارهٔ آداب پرورش صوفیان صحبت به میان می آید؛[9] و اینکه اشتقاق اسم صوفی از کجاست؛[10] و آداب و روش ایشان بنا بر قانون متابعت شریعت باشد؛[11] اما سیر و سلوک ایشان مبنی بر جادهٔ طریقت مصطفوی باشد؛[12] مادام که مرید از طریقت می‌خسپد, وی را سلوک دست ندهد؛[13] اشتقاق اسم صوفی از اصحاب صفّه؛[14] در این فصل سند خرقه ایشان با سه واسطه به حضرت نجم کبری می‌رسد: «شیخ شیخ شیخ ما نجم الدین کبری از این معنی گفته است[15] ». الفصل الرابع فی کیفیه تحصیل جمعیه

---

[1]- همان: ص ۱۱۳.

[2]- همان: ص ۱۱٤.

[3]- همان: ص ۱۱٥.

[4]- ر.ک: همان, ۱۱٦.

[5]- همان: ص ۱۱٦.

[6]- همان: ص ۱۱٦-۱۱۷.

[7]- همان: ص ۱۱۷.

[8]- همان: ص ۱۱۸.

[9]- همان: ص ۱۲۰.

[10]- همان: ص ۱۲۰.

[11]- همان: ص ۱۲۰.

[12]- همان: ص ۱۲۰.

[13]- همان: ص ۱۲۱.

[14]- همان: ص ۱۲۱

[15]- اسفراینی، عبدالرحمان بن محمد: منور القلوب، ص,۱۲۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

القلب: برخورداری از خلاصهٔ دین تنها به جمعیت دل حاصل می‌شود،[1] و در بیان ذکر،[2] و اینکه ذکر "لا اله الا الله" قلاوز راهروان است؛[3] الفصل الخامس فی شرایط آداب الذکر و هو مرتب علی قسمین: در آدابی که بایستی به جای آورده شود تا فایده دهد؛[4] و مطالب پس از آن. الفصل السادس فی فضیله من یخدم الصوفیه: در این بخش بیان شده است که «مجالستهم من اخلاق الصادقین»؛[5] و سبب آفرینش، طاعت دانسته شده‌است.[6] الفصل السابع فی جواب المتعنّت و المنکر فیهم: در این فصل جواب بعضی منکران و متعنتان آمده است؛[7] و حضرت محمد مصطفی طبیبی حاذق معرفی شده اند که داروی همه دردها نزد ایشان است؛[8] فصلی هم در بیان آنکه بی شیخ راه توان رفت یا نتوان رفت؛[9] الفصل الثامن فی جواب من ساله عما الفائده فی ترک الدنیا و الآخره: در آغاز این فصل بیان شده‌است که نزدیک ارباب حقیقت و خداوندان شناخت و معرفت فرق نیست در ترک میان دنیا و آخرت؛[10] و اینکه در قیامت همه مشغول به قیامت‌اند و کسی به خویش مشغول نیست؛[11] و سابقان, مقربان حضرت الوهیت‌اند که خدا را جز از بهر او عبادت نکرده باشند؛[12]

---

[1]- همان: ص ۱۲۳.

[2]- همان: ص ۱۲۳.

[3]- همان: ص ۱۲٦.

[4]- همان: ص ۱۲۸.

[5]- همان: ص ۱۳۹.

[6]- همان: ص ۱٤۱.

[7]- همان: ص ۱٤٤.

[8]- همان: ص ۱٤٥.

[9]- همان: ص ۱٤۷.

[10]- همان: ص ۱٤۹.

[11]- همان: ص ۱٥۰.

[12]- همان: ص ۱٥۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۹. سبک نگارش اسفراینی

قرن ششم دوران انقلاب نظم و نثر بود زیرا زبان فارسی از ترکستان و خراسان به عراق رفت و سبک عراقی را در شعر و سبک فنی را در نثر به وجود آورد. بر اثر انقلاب ادبی قرن ششم نویسندگان به عبارات آراسته و مصنوع توجه بیشتری پیدا کردند.

این جریان به آنجا انجامید که سخن موجود و سلیس قدیم جای خود را به اطناب و تکلفات سخت سپرد. اما همزمان با این انقلاب ادبی نویسندگان هم بودند که ضمن دریافت تحول لغوی و لفظی از یک سو و حفظ سادگی نثر قدیم از سوی دیگر, آثاری خلق کردند که در عین سادگی و سلاست به آیات و احادیث و لغات عربی نیز آراسته بود.[۱]

اسفراینی نیز از این صوفیان است که بر خلاف سایر نویسندگان فضل فروش احاطه خود را بر لغات عربی و صنایع ادبی به رخ دیگران نمی‌کشد و بر دوش جامعه بار نمی‌کند. مظور او از نظم و نثر هدایت مردم و تشویق سلاک است. از این رو آثار ساده خود را با تمثیلات و با اشعار دل‌انگیز می آراید تا بتواند عواطف خواننده را تحریک کند و موضوع را به صورت کامل به خواننده برساند. اسفراینی از این نظر در سبک نگارشی به نجم‌الدین کبری (۶۱۸) و به مجدالدین بغدادی (۶۱۶) که در قرن هفتم می‌یستند, شباهت زیادی دارد که قبلاً نیز تأثیر این مشایخ را در تمام آثار اسفراینی اشاره کردیم. نجم‌الدین کبری و به مجدالدین بغدادی نیز در آثارشان نیز مثل اسفراینی از لغات عربی و از آیات و احادیث زیاد استفاده می‌کردند ولی به صورت ساده می‌نوشتند.[۲]

---

[۱]- خاوری, اسدالله: ذهبیه, انتشارات دانشگاه تهران, تهران, ص ۴۷۳

[۲]- همان, ص ۴۷۴ / اسفراینی, عبدالرحمان بن محمد: کاشف الاسرار، ص شانزده .

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل سوم

متن تصحیح شدهٔ رسالهٔ

منورالقلوب

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رساله در روش سلوک و خلوت نشینی

یا

«فی کیفیه التسلیک و الاجلاس فی الخلوه»

از

نورالدین اسفراینی[1]

(۱) شکر و سپاس مر خداوندی را که از غنچهٔ عبادت شکوفهٔ طاعت [را][2] بیرون آورد، و میوهٔ معرفت را به باد عنایت از وی ظاهر گردانید، و نور محبّت را در ظلمتِ نهادِ[3] بشرّیت به لطایف هدایت بنهاد،[4] و ارواح محبان[5] را لذّت اقداح شراب[6] جمال بخشانید، وتعلقّات کون را به صمصام جلال از دل[7] دوستان و محبّان برّیده گردانید، و به هم آورد میان نور و ظلمت در اطوار بشرّیت، و روشن گردانید حقیقت آن انوار[8] به دقایق طریقت، و مشرح[9] گردانید سینهٔ پاک ایشان را به ذکر و خلوت، و برکشید ایشان را از حضیض بشریت به اوج ولایت. و صد هزار درود و صلوات[10] بر خلاصهٔ مخلوقات و زبدهٔ موجودات، محمد مصطفی، علیه من الصلوات ما لایحصی،[11] و من التحیات عدد الرمل و الحصی؛ آن محمدی که براستی دعوت او همه هستی گواهی دادند، حتی الحجر و المدر، و[12] منشور رسالت به

---

[1]- بسم الله الرحمن الرحیم I : - M

[2]- را I : - M

[3]- I : نهاد ظلمت M

[4]- I: هدایت نهاد M

[5]- محبا M : محیا I

[6]- شراب I : - M

[7]- دل I : - M

[8]- انوار M : نور I

[9]- مشرح I : شرح M

[10]- صد هزار درود و صلوات M : صد هزار در روزی و صلوات I

[11]- علیه من الصلوات ما لا یحصی I : صلی الله علیه و آله و سلم علیه من الصلوات ما لا یحصی M

[12]- و I : - M (و منشور)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دست او نهادند،[1] کما قال:[2] «الأسود و الأحمر»؛ و بر اهل بیت و اصحاب او من المهاجرین و الانصار و التابعین الابرار، رضی الله عنهم بإحسان!

(۲) پیش از این به هر وقتی از اوقات جمعی دوستان دینی و برادران حقیقی ازین ضعیف التماس می‌کردند که از بهر ایشان کلمه‌ای چند از آداب صوفیه در قلم آید که اصحاب سلوک را معاونتی[3] باشد که بدان از نفس اماره خلاص یابند، ان شاءالله تعالی،[4] و خود را بر جادهٔ متابعت شریعت و طریقت بدارند، کید نفس مهوس[5] و شیطان موسوس بشناسد[6] و با این دو مکار ستیزه‌کار نیامیزند و از لذات و شهوات دنیاوی[7] بپرهیزند و از اینها پناه به حضرت رحمان و درگاه سبحان برند. این ضعیف می‌خواست که به وفای ایشان قیام نماید و بر قضیهٔ « اذ لکل ذی حق حقه » حق به مستحق رساند و تشنگان بادیهٔ طلب را شربتی چشاند، اما وقتی لایق این حال دست نمی‌داد، از بهر آنکه این ضعیف را جمعی صوفیان عالیه بودند که وجوب نفقه و کسوهٔ ایشان بر این ضعیف بود. لاجرم جمعیتی با فراغت دست نمی‌داد و فرصتی[8] درخور میسر نمی‌شد، و از اوقات و ساعات وقتی مناسب نمی‌افتاد؛ تا که باری، سبحان تعالی، این ضعیف را به نیات خیر به زیارت تربت مشایخ و طواف کعبه برانگیخت، و این[9] ضعیف با جمعی اصحاب بر آن نیت سفری بعید در پیش گرفت. و هر جای[10] می‌رسید که مقربی از مقربان حضرت باری، سبحانه تعالی،[11] مدفون همی‌یافت، به تربت او تقرب می‌نمود و شرط زیارت

---

[1]- نهادند I : دادند M

[2]- کما قال M : حتی I

[3]- معاونتی M : معاونی I

[4]- ان شا الله تعالی I : ان شا الله M

[5]- مهوس I: - M

[6]- بشناسد I : امان یابند M

[7]- شهوات دنیاوی I : شهوات دیو M

[8]- فراغت دست نمی داد و فرصتی I : فراغ و فرصتی M

[9]- و این M : پس این I

[10] - جای I : جا M

[11]- حضرت باری سبحانه تعالی I : حضرت الله تعالی M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به جای[1] می‌آورد و از روح پاک ایشان همت طلب می‌کرد؛ تا که رسید به شهر بغداد، که دارالخلافه بوده است، و در آن خطهٔ مبارک[2] بزرگان و مشایخ وطن داشته اند. پس این ضعیف بر خود لازم و واجب دانست به سر روضهٔ هر یکی از ایشان شدن و از روح مقدس ایشان به همت مدد خواستن، تا به حق اقدام وفا کرده باشد و حقوق زیارت ایشان به جای آورده باشد.[3] چون آن وظیفه به اتمام رسید، باری، سبحانه و تعالی، به برکات همت ایشان این ضعیف را توفیق داد، تا در موضعی که آن را «رباط درجه» گویند،[4] در دهم ماه شعبان سنهٔ خمس و سبعین و ستمائه، خلوتی بر قانون مشایخ طریقت، بر آن شریطه[5] که از حضرت نبوت بدین ضعیف رسیده بود، بنشست و به برکات آن[6] بزرگان و مشایخ چند کارها دست داد و بسیار فتوح‌های غیبی روی نمود و فراغتی با جمعیت حاصل آمد. پس این ضعیف به توقعات این[7] برادران حقیقی قیام نمود و این کلمه چند[8] در قلم آورد [و آن را منورالقلوب نام نهاد][9] بر هشت فصل،[10] تا خاص و عام را از آن مایده[11] فایده باشد؛ و نیز هر جایی بر سبیل تبرک از کلمات شیخ خویش، رضی المله والدین علی لا لا، قدس الله روحه العزیز، لفظاً به لفظ درج کرد. آن گاه از باری، سبحانه و تعالی،[12] در خواست تا زفان[13] قلم این ضعیف را از زلل و خلل نگاه دارد، و طالبان این کلمات را زیادتی و توقی به حضرت کرامت کند، و ذوقی و شوقی در دل بیفزاید،[14] و طلب

---

[1]- جای I : جا M

[2]- مبارک I : پاک M

[3]- گذارد I : به جای آورده بود M

[4]- گویند M : می گویند

[5]- شریطه M : شرط I

[6]- آن I : این M

[7]- توقعات این I : توقعات آن M

[8]- کلمه چند I : چند کلمه M

[9]- و آن را منورالقلوب نام نهاد I : - F : - M

[10]- بر هشت فصل تا M : مبنی بر هشت باب چنان که I

[11]- مایده : - I : M

[12]- و تعالی I : - M

[13]- زفان I : زبان M

[14] - وثوقی به حضرت کرامت کند و ذوق و شوقی در دل بیفزاید I : ترقی و ثوقی در دل بیفزاید M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این معنی در دل بجنباند، و از کلمات دین و درجات اهل یقین برخورداری تمام به[1] حاصل گرداند، و بر این[2] عاجز شکسته رحمت کند، ان شاءالله تعالی؛ و صلی الله علی محمد و آله الطیبین‌الطاهرین![3]

الفصل الاول فی فضیله الانسان؛[4]

الفصل الثانی فی حقیقه خلق الانسان و المراد فیه؛[5]

الفصل الثالث فی سلوک الصوفیه و قاعد مذهبهم؛[6]

الفصل الرابع فی کیفیه تحصیل جمعیه القلب؛[7]

الفصل الخامس فی شرائط آداب الذکر و هو مرتب علی قسمین؛[8]

الفصل السادس فی فضیله من یخدم الصو فیه؛[9]

الفصل السابع فی جواب المتعنت و المنکر فیهم؛[10]

الفصل الثامن فی جواب من ساله عما الفائده فی ترک دنیا و الآخره.[11]

---

[1]- به : I : -M

[2]- بر این I : برین M

[3]- الطیبین الطاهرین و اصحابه الذاکرین I : - M

[4]- الفصل الاول فی فضیلة الانسان M : باب الاول در فضیلت آدم و آدم زاد I

[5]- الفصل الثانی فی حقیقه خلق الانسان M : باب دوم در مقصود آفرینش در مسیت او جل و جلاله I

[6]- الفصل الثالث فی سلوک الصوفیه و مذهبهم M : باب سوم در روش صوفیان و قانون مذهب انسان I

[7]- الفصل الرابع فی کیفیة تحصیل جمعیة القلب M : باب چهارم در جمعیت در به دست آوردن I

[8]- الفصل الخامس فی شرائط آداب الذکر و هو مرتب علی فصلین M باب پنجم در شرایط آداب کشتی و کروان مرتب بر دو فضل I

[9]- الفصل السادس فی فضیلة من یخدم الصوفیه F : M : باب ششم در حق فضیلت کسی که به حق ایشان قیام نماید I

[10]- الفصل السابع فی جواب المتعنت و المنکر فیهم M : باب هفتم در جواب جمعی متعنتان و منکران I

[11]- الفصل الثامن فی جواب من سئل عنه ما الفائدة فی ترک الدنیا و الآخرة M : باب هشتم در سوال که کرده اند در طریقت ترک دنیا و آخرت کردن سبب چیست ؟ I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران مصوبهٔ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الفصل الاول فی فضیله الانسان[1]

(۳) بدان که خداوند، سبحانه[2] و تعالی، خلایق را که بیافرید بعضی را بر بعضی فضل نهاد، و آدم و آدمی‌زاد را که بیافرید، از مشتی خاک ظلمانی کثیف آفرید، و وی را بر کل مخلوقات برکشید و مشرف و مکرم حضرت خود گردانید، چنان که در کلام مجید خود بیان فرموده است، قوله تعالی: «و لقد کرمنا بنی آدم»؛ و جمعی حیوانات را بیافرید و مسخر وی گردانید، تا سبب صلاح معاش و معاد او[3] گردد و زینت و رکوب و قوت او بدیشان حاصل آید، که «فمنها رکوبهم و منها یاکلون»؛ و نیز کشتی را بیافرید و ایشان را به معرفت دقایق ملاحیت شناسا گردانید، تا در آب نیز کشتی می‌رانند و به مقصود و مطلوب دینی و دنیاوی می‌رسند، چنان که این معنی را[4] بیان می‌فرماید که: «و حملناهم فی البر و البحر»؛ و رزق ایشان که داد، پاک داد و لطیف، نه چون دیگر حیوانات، غلیظ و کثیف، چنان که[5] می‌فرماید:[6] «و رزقناهم من الطیبات»؛ و ایشان را بر بسیاری از[7] خلایق فضل نهاد،[8] که: «و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا».

(۴) زهی لطف و بنده نوازی آفریدگار، که بنده را از قطره «ماءٍ مهینٍ» بیافریند و بر سر چندین هزار خلایق بر کشد[9] و چندین احسان در حق وی به جای آرد،[10] آنگاه وی را بدان مرتبت رساند که مقرب حضرت او شود، چنان که می‌فرماید:[11] «والسابقون السابقون اولائک المقربون». بار خدایا، این چه بنده نوازی است، که از جلال پاک در حق این مشتی خاک یاد می‌کنی و به آب زلال عنایت به کرامت

---

[1]- الفصل الاول فی فضیلة الانسان M: باب اول در فضیلت آدم و آدم زاد I

[2]- سبحانه I: - M/ که I: - M

[3]- معاد او I: معاد وی M

[4]- را: - I: - M

[5]- چنان که I: - M

[6]- می‌فرماید I: فرمود M

[7]- از M: - F: - I

[8]- نهاد I: داد M

[9]- بر کشد I: برکشید M

[10]- آرد I: آورد M

[11]- می‌فرماید I: بیان فرمود M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (ر.ت.ا) (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خودشان می‌پرورانی، و به نوازش این تشریف جماعتی نحیف ضعیف را به الطاف عنایت اضافت به خود می‌کنی و بارگاه رأفت و رحمت پناگاه[1] ایشان می‌سازی، که «یا عبادی لاخوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون» و از شراب خانهٔ فضل خود شراب طهورشان می‌چشانی، که «و سقاهم ربهم شراباً طهوراً» و در زمین به خلافت خودشان می‌نشانی، که «انی جاعل فی الارض خلیفه»، و بعد از چندین هزار احسان در حق وی[2] خلعت محبت خود[3] در ایشان می‌پوشانی، که «یحبهم و یحبونه»، و چون به وفای «اوفوا بعهدی» قیام می‌نمایند، «اوف بعهدکم» در حق ایشان انعام می‌فرمایی!

(۵) زهی نهایت لطف، زهی عنایت[4] کرم! بنده عاجز مسکین چه شکر آرد، خداوندا، که لایق حضرت تو[5] و شایستهٔ خدمت تو باشد؟ ما را با همه عیبی بدیدی و خریدی! زهی کالای بر عیب! زهی لطف خریدار[6] بدین انعام و اکرام که می‌کنی[7] در حق بندهٔ خویش، آن گاه بندهٔ ضعیف را، که: «خلق الانسان ضعیفا» صفت اوست، می‌فرمایی که: «و لئن شکرتم لا زیدنکم»! چگونه، خداوندا بندهٔ عاجز شکسته شکران نعمت تو گزارد که آن شکر مستوجب شکر دیگر نشود در حق او؟ الهی، نعمت طاعت بنده از رحمت تو باشد، و گزاردن شکرشکران از توفیق هدایت تو، و علم بقصور شکر از نهایت کرامت تو! پس رفتن در میادین شکر[8] شکر تو[9] جز عجز روی ندارد، زیرا که میادین شکر شکر تو را[10] نهایت پدید[11] نیست، کما قال الشاعر[12]

---

[1]- پناگاه I: پیام گاه M

[2]- وی I: او M

[3]- خود I: خود را M

[4]- عنایت I: غایت M

[5]- تو I: - M

[6]- ما را با همه عیبی ... لطف خریدار: - I: - M

[7]- انعام و اکرام که می‌کنی I: انعام و اکرام و انعام که می کنی M

[8]- در میادین شکر M : در وادی شکر I

[9]- شکر تو M : شکر او I

[10]- میادین شکر شکر ترا M : وادی شکر او را I

[11]- پدید : M: - I

[12]- کما قال الشاعر شعر : I: - M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شعر:

اذا کان شکری نعمه الله نعمه — علی و فی أمثالها یجب الشکر

فلیس لشکر الله عندی نهایه — و ان طالت الایام و انصل العمر

بیت:[۱]

گر بر تن من زفان[۲] شود هر مویی — یک شکر تو را[۳] هزار نتوانم گفت[۴]

(۶) فی‌الجمله، چون شرط بندگی افکند، کیست[۵] آن بهتر که بنده از در عجز و شکستگی[۶] در حضرت جبار عالم می‌گریزد و خون جگر از چشم سر بر روی[۷] رخسار می‌ریزد و این مناجات می‌گوید:[۸] رحیما، کریما، به عظمت سلطنت الوهیتت و به سطوات[۹] انوار رحمتت، همچنان که ما را کسی گردانیدی، از بی‌کسی و نا کسی‌مان[۱۰] نگاه دار، و هم بدان لطف که «رایگان‌مان آفریدی، رایگان‌مان[۱۱] درپذیر»!

بیت:[۱۲]

لطفی بکنی عنایت از سر گیری — وین[۱۳] قلب و دغل که می زنم زرگیری

در مملکتت هیچ نیاید[۱] نقصـــان — گر هیچ کسی را بکســـی بر گیری

۱- بیت : I : - M

۲- زبان I : M

۳- تو را I : تو از M

۴- گفت I : کرد M

۵- کیست I: کسی است M

۶- و شکستگی I: خود و شکستگی M

۷- روی I : - M

۸- می‌گوید I : گوید M

۹- الوهیتت و به سطوات I : به سطوات و الوهیتت M

۱۰- مان M : ما I

۱۱- رایگان ما آفریدی، رایگان ما I : مان رایگان آفریدی، رایگان مان M

۱۲- بیت I : رباعیه M

۱۳- و این I : M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زیرا که طاعت‌های ما به فعل‌های معلول و از ما معطل است، و ما در حمایت رحمت تو.[۲]

بیت:[۳]

هیچ طاعت ناید از همچنان[۴] بی علتی رایگانمان آفریدی رایگانمان درپذیر[۵]

الهی،[۶] این همه تویی، ما همانیم که ما را نه نام بود و نه نشان! به فضلت، یا کریم، بر بیچارگی ما ببخشای! به قدمت، ای رحیم، که بر مسکینی ما رحمت کن! یا الهالعالمین و یا خیر الناصرین، به حق محمد و آله اجمعین![۷]

الفصل الثانی فی حقیقه خلق الانسان و المراد فیه[۸]

(۷) آری عزیزا، اگرچه این خلعت‌ها و تشریف‌ها در ایشان پوشیده است و ایشان را از کل کاینات بر گزیده و به درجات علیا رسانیده،[۹] اما هم[۱۰] در حق ایشان می‌فرماید که «أو لائک کالانعام بل هم أضل». پس از اینجا معلوم و مفهوم[۱۱] می‌شود که ایشان را از بهر کاری دیگر آفریده است، و آن معرفت ذات و صفات خداوندی است، به شرط تعبد بر قانون متابعت شریعت محمدی، صلوات الله و سلامه

۱- نیاید I : M : - F

۲- به علت‌های ماست که از ما معطل و مخلل می‌شود I : به فعل‌های معلول و یا معطل است و ما در حمایت رحمت تو M

۳- بیت M : - I

۴- از ما همچنین I : M

۵- ما را درپذیری I : رایگانمان درپذیر: M

۶- الهی پروردگارا ، کریما رحیما کا چنان که ما را I : - F : M

۷- یا ارحم الراحمن M : - F : - I

۸- الفصل الثانی فی حقیقهٔ خلق الانسان و المراد فیه M : باب دوم در مقصود آفرینش و مشیت او جل جلاله I

۹- اگر چه این خعلت‌ها و تشریف‌ها در ایشان پوشیده است و ایشان را از کل کاینات برگزیده و به درجات علیا رسانیده M : اگر چه به انواع تشریفها ایشان را ارزانی فرموده است. برگزیده از کل کاینات‌شان به درجهٔ علیا رسانید I

۱۰- هم : I : - M

۱۱- معلوم و مفهوم I : مفهوم و معلوم M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علیه،[1] چنان که در کلام مجید خود[2] بیان می‌کند که «و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون»، ای: لیعرفون. پس معلوم و محقق می‌شود[3] که از این عبادت طاعتی می‌خواهد که معرفت باری، سبحانه تعالی،[4] در ضمن آن حاصل آید. و دلیل دیگر آنکه داود علیه السلام، بر[5] حضرت سوال می‌کرد[6] که «یارب، لما ذا خلقت الخلق؟» جواب چنان می‌آید[7] که «یا داود، کنت کنزاً مخفیاً، فأحببت ان أعرف، فخلقت الخلق لأعرف» و فی روایه اخری «فاردت أن اعرف». پس از اینجا دانستیم که واسطهٔ ارادت محبت بوده است، و واسطه خلقت بنی‌آدم ارادت؛[8] و مقصود از این هر دو معرفت است، و معرفت حقیقی جز از انسان درست نیاید. زیرا که نفس انسان بود که وی را به حمل[9] اعباء[10] بار امانت معرفت[11] کرامت فرمود و وی را بر کل کاینات برگزید[12] و ممتاز گردانید، که «انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض[13]» الی قوله تعالی[14] « و حملها الانسان»، از آنکه در آفرینش نفس انسان بود که باری، سبحانه[15] و تعالی، بید قدرت و صنیع حکمت وی را آینهٔ[16] جمال نمای حضرت الوهیت[17] گردانید. لاجرم چون نفس انسانی تربیت می‌یابد و به کمال مرتبهٔ خود می‌رسد، جملگی صفات الهی وی را مشاهده و معاینه می‌شود، و بدان واسطه بشناخت و یافت حق، عز اسمه، می‌رسد، و حقیقت این

---

[1] – و سلامه علیه I : علیه و آله M

[2] – در کلام مجید خود I : – M

[3]– معلوم و محقق می‌شود I : معلوم می‌شود و محقق است M

[4]– تعالی I : – M

[5] – بر I : از M

[6] – می‌کرد I : کرد M

[7] – چنان می‌آید I : آمد M

[8]– واسطهٔ ارادت محبت بوده است و واسطهٔ خلقت بنی‌آدم ارادت I : واسطهٔ ارادت M

[9] – تحمل I : تحمل M

[10] – اعباء M : – I

[11] – معرفت I : – M

[12] – برگزید و M : – I

[13] – والجبال M : – F : – I

[14]– قوله تعالی I : – M

[15]– سبحانه و I : – M

[16]– که I : – F : – M

[17]– بود I : – F : – M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کلمهٔ نبوی و گفتهٔ مصطفوی[1] که «من عرف نفسه فقد عرف ربه» وی را دست می‌دهد و بر وی روشن می‌شود.

(۸) پس در تقدیر نفس انسان بر مثال کانی است[2] که از وی آهن می‌گیرند، چنان که در کلمات شیخ عبدالله انصاری می‌آید، قدس الله روحه العزیز:[3] «آه آه، از تفاوت راه، دو آهن است[4] از یک گاه،[5] یکی نعل ستور[6] آمد و دیگر آینهٔ شاه!». لابد ابتدا آهن[7] را که از کان بیرون آورند،[8] وی بدان محل[9] نباشد که از وی آینه سازند،

بلکه وی را به لطایف صنیعه[10] پرورش گوناگون می‌دهند، و به دست چندی[11] از استادان گذر می‌کند، تا آینه می‌شود.[12] نفس انسانی بر مثال[13] معدنی است[14] که از وی آهن گیرند و آینه سازند، و ذهب و فضه بیرون آرند، که[15] «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضه»؛ اما چنان که[16] هر آهنی را جوهری دیگر[17] است، چون تربیت می‌یابد و[18] به مقام آینگی می‌رسد، مناسب آن صفت که در[19] جوهر اوست

---

[1]- صلی الله علیه و آله M: - F: - I

[2]- کانیست I: کانی است M

[3]- العزیز: - I: - M

[4]- آهنست: I: آهن است M

[5]- گاه M: کان I

[6]- ستور I: استر M

[7]- در آهن M: - F: I

[8]- آورند I: آرند M

[9]- وی بدان محل I: و آن درجه M

[10]- حیل I: صنمع M

[11]- چندی از I: جمعی M

[12]- بس I: - F - M

[13]- بر مثال M: یعنی که I

[14]- است M: آهنیت I

[15]- آهن گیرند و آینه سازند و ذهب و فضه بیرون آرند که F: فضه نیز +M: آینه می سازند که I

[16]- اما چنان که M: شک نیست که I

[17]- دیگر I: - M

[18]- و I: - M

[19]- در M: - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

[1]جمال را باز می‌نماید، نفس انسان نیز مناسب جوهری که در جبلت او مر کون است،[2] صفات ذات باری، سبحانه[3] و تعالی، در وی[4] پرتو می‌زند.

بیت:

نظاره کنان روی خوبت چون در نگرند از کران‌ها

در آینه نقش خویش بینند زینست[5] تفاوت نشان‌ها

اینجا[6] بنده را معرفت باری، عز اسمه، حاصل آید، و بشناسد که وی را از بهر چه آفریدند، و در خلقت[7] نقوش و نفوس آدم و آدمی‌زاد مطلوب و مقصود چه بوده‌است و وی را از کتم عدم به صحرای وجود آوردن سبب چیست، و یا جماعتی مقربان حظیرهٔ قدس را، که زبان[8] طعن[9] به انکار «أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء» برگشودند و سر به[10] جیب مفاخرت بر آوردند، ادب ایشان به گوشمال «إنی أعلم ما لا تعلمون» چرا بود، یا خود[11] در پیش آدم صفی‌شان مستغفر به استغفار خطاب «أسجدوا لآدم» چرا کردند.

(۹) چون معرفت این معانی در وجود انسانی جمع شود، مردوار پای در بادیهٔ طلب[12] نهد، و مرغ همت را در هوای «المرء یطیر بهمته کالطیر بجناحیه[13]» پرواز دهد، و اسب هدایت را در میدان هویت او،

---

[1]- و M : - F : - I

[2]- جمال را باز می‌نماید ، نفس انسان نیز مناسب جوهر که در جبلت او مرکون است M : - I

[3]- سبحانه و I : - M

[4]- وی I : او M

[5]- زینست M : اینست I

[6]- بس I : - M – F / اینجا M : آنجا I

[7]- خلقت I : خلعت M

[8]- زبان I : به زبان M

[9]- طعن M : - I

[10]- سر به I : سر از M

[11]- خود I : - M

[12]- طلب M : وصال یاد I

[13]- یطیر I : - F : M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جل جلاله، اندازد و می‌دواند، چنان که سر به جنات عدن و نعیم هشت بهشت فرو نیارد و به کلی روی از غیر حق بگرداند، و عاشق وار این[1] غزل می‌سراید

بیت:[2]

صنما ما ز ره دور و دراز آمده‌ایم به سر کوی تو با درد و نیاز آمده‌ایم

آن گاه کشتی شریعت را در بحر طریقت اندازد و شراع عبودیت بر قانون متابعت[3] محبوب، علیه الصلوه و التحیه،[4] برکشد و بر موافقت این حدیث که «إن لربکم فی أیام دهرکم نفحات ألا فتعرضوا لها» خود را تسلیم باد الطاف حضرت ربوبیت او کند، جل جلاله، بر سبیل آنکه دل را متوجه حضرت الوهیت[5] او، جل جلاله،[6] می‌دارد، به شرط تعبد «الاحسان أن تعبد الله کأنک تراه»، یعنی به هیچ حال در این مقام نظر باطن را از حضرت معبود نگرداند و دیدهٔ بصیرت را از غیر او، جل جلاله[7]، بردوزد، و از سر درد و[8] نیاز با خدای بنده نواز این راز می‌گوید

بیت:

دانی که مرا یار چه گفتست[9] امروز جز ما به کس اندر منگر دیده بدوز

و از سید الطایفه جنید پرسیدند،- قدس الله روحه العزیز[10]- در این معنی که[11] استاد تو در مراقبت معبود که بوده‌است؟ گفت: گربه! گفتند: [سبحان الله][12] شیخا، این چگونه باشد؟ گفت: وقتی گربه را

---

[1]- این I : - M

[2]- بیت M : شعر I

[3]- متابعت I : - M

[4]- و سلام M : - F : I

[5]- الوهیت I : ربوبیت M

[6]- جل جلاله I : عز شانه M

[7]- جل جلاله I : عز شانه M

[8]- از سر درد و M : در بیابان I

[9]- چه گفته است M : گفتست : I

[10]- جنید پرسیدند قدس الله روحه العزیز I : جنید قدس الله سره پرسیدند که M

[11]- در این معنی که I : - M

[12]- سبحان الله M : - F : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دیدم بر سر[1] سوراخ موشی نشسته، و چنان همت بر آن گماشته که موی بر اعضای او نمی‌جنبید. به تعجب در او[2] نگاه می‌کردم. ناگاه به سرم ندا آمد که ای دون همت! من در مقصود تو کمتر از موشی نیستم،[3] تو نیز در طلب من کم[4] از گربه مباش! از آن وقت باز من در مراقبت افتادم.

(۱۰) آری عزیزا، همهٔ طالبان را این یک رمز که نموده است، تمام باشد. پس هر که امروز به غیر [از][5] او التفات کند و روی از او بگرداند، فردا مستحق این حرمان و مستوجب این خذلان شود که «و[6] من أعرض عن ذکری فإن له معیشه ضنکاً و نحشره یوم القیامه أعمی» چنان که گفته‌اند.

بیت:[7]

ای قبلهٔ هر که مقبل آمد کویت　　روی دل جمله بختیاران سویت[8]

امروز کسی کز تو برگرداند روی　　فردا به کدام دیده بیند رویت

(۱۱) القصه، مرید را در این مقام انتهای ارادت و ابتدای ولایت حاصل آید. اما اینجا[9] حال باشگونه[10] شود، و افسردگی[11] هر چه تمام‌تر پدید آید، تا همچنان که پیش از این خود را در مقام وجد [و][12] طلب و شوق و ذوق[13] یافته باشد و جمعیتی با حضور دل داشته و توجیهی به حضرت دیده و با[14] خود

۱- سر I : در M

۲- در او M : درو I

۳- کمتر از موشی نیستم I : از موشی کمتر نیستم M

۴- کم I : کمتر M

۵- از M : - F : I

۶- و I : - M

۷- بیت I : رباعیه M

۸- ای قبله هر که مقبل آمد کویت　　روی دل جمله بختیاران سویت F : در و جان M : - I

۹- اینجا I : آنجا M

۱۰- باشگونه I : باژگونه M

۱۱- افسردگی I : افسرده گی M

۱۲- و F : - I : - M

۱۳- شوق و ذوق M : ذوق و شوق I

۱۴- با F : I : بر M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران مرتبط (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گمان برده که این از صلوه و صوم[۱] او یا از سجود و رکوع او و یا[۲] از ذکر و فکر او حاصل آمده است،[۳] و بدان سبب مرغ هستی او در عالم ناز[۴] به پرواز آمده باشد و سر به انانیت «أنا خیر منه» برآورده و خود را از جمله واصلان حضرت ربوبیت او شمرده و گمان برده که جایی رسیده است،[۵] و نرسیده باشد،[۶] تا چون خود را در مقام افسردگی و بی‌ذوقی و شوقی[۷] یابد، بشناسد که وی هیچ نبوده است، و طاعت و عبادت او در میزان[۸] اشتیاق وزنی نداشته است، بلکه آن همه از غلبات شرر[۹] آتش محبت الوهیت بوده است، که در ضمن تجلی ارادت به وی رسانیده‌اند، تا[۱۰] وی را طلب ارادت آن حضرت پدید آمده است،[۱۱] و بدان سبب نام وی در جریدهٔ مریدان ثبت افتاده. و این همه از غایت لطف و بنده نوازی او باشد، تا بنده را از قشر هستی او خلاص دهد و به مقام نیستی آرد.[۱۲] [و چندان که در این مقام بدان حضرت نزدیک‌تر باشد، خود را در تو بیند].[۱۳] و چندان که جد و جهد بیش نماید، در خود خلل و زلل بیش یابد و به کلی اختیار از دست او بیفتد، تا با خود گمان برد [مگر][۱۴] که مردود و مطرود[۱۵] آن حضرت شده است.[۱۶]

---

[۱]- صلوه و صوم I : صوم و صلوهٔ M

[۲]- و یا I : و — F : — M (واو ندارند F : M یا دارند)

[۳]- آمده است I : شده M

[۴]- ناز I : راز M

[۵]- رسیده است I : است — M (است ندارد M)

[۶]- و غرض از این حال آن باشد که M : F و — I

[۷]- شوقی F : I : بی شوقی M

[۸]- میزان F : I : زمین M

[۹]- شرر F : I : شور M

[۱۰]- تا F : I : که M

[۱۱]- آمده است F : I : شده M

[۱۲]- آرد F : I : در آورد M

[۱۳]- در این مقام بدان حضرت نزدیک‌تر باشد ، خود را در تو بیند I : — F M

[۱۴]- مگر I : M : — F

[۱۵]- مردود و مطرود I F : مطرود و مردود M

[۱۶]- شده است I F : شده M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران مصوبهٔ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پس مرید[1] اینجا چوگان جهد از بازوی رجولیت بیندازد و گوی ارادات در میدان مشیت او، جل جلاله، بگذارد، و این نوحه آغاز کند.

بیت:[2]

دی ما و می عیش خوش و روی نگار　　امروز غم و غربتی و فرقت یار

ای گردش ایام تو را هر دو یکیست　　جان بر سر امروز نهم دی باز آر

(۱۲) آری[3] عزیزان،[4] این آن مقام باشد که مرد به عمل ثقلین از این[5] نتوانند[6] گذشت، و به قوت و شجاعت این گون نحو[7] نتوانند برد، مگر از سر نیاز در حضرت بی‌نیاز نفس اشتیاق برکشد[8] و این[9] بیت می‌گوید[10]

بیت:[11]

تدبیر دل خسته زارم که کند　　جز لطف نکو[12] چاره کارم که کند

بی یاد تو در ملک جهانم خوش نیست　　جز یاد تو با وصل تو یارم که کند

و فریاد کنان سر بر سر[13] آستان اشتیاق یار می‌کوبد،[14] تا ناگاه جذبه از جذبات حضرت الوهیت درآید و بنده را به یک طرفه العین از مقام بعد به مقام قرب رساند. و « جذبه من جذبات الحق توازی

---

[1]- مرید I F : از M

[2]- بیت F : شعر I : رباعیه M

[3] - آری I : ای M

[4]- عزیزان I : عزیز M

[5]- از این I : در M

[6]- نتوانند I : نتواند M

[7]- گون نحو I : کوبکو نتواند برد M

[8]- بر کشد : M : برگمار کند I

[9]- دو M : - I

[10]- می‌گوید : I : گوید M

[11]- بیت I : رباعیه M

[12]- نکو : I : تو خود M

[13]- سر : - I : - M

[14]- می کوبد I : کوبد M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عمل الثقلین» بدین[1] معنی باشد، یعنی به عمل ثقلین بدین مقام نتوان رسید.[2] آن گاه عاشق به معشوق رسیده این بیت می‌گوید:

بیت:[3]

باد آمد و بوی زلف جانان آورد و آن عشق کهن ناشده ما نو کرد

بیت:

ای باد تو بوی آشنایی داری زنهار به گرد هیچ بیگانه مگرد

و صلی الله علی محمد و آله اجمعین![4]

الفصل الثالث فی سلوک الصوفیه و قواعد مذهبهم[5]

(۱۳) آمدیم به آداب پرورش[6] صوفیان و سیر و سلوک ایشان و قانون مذهب ایشان، که بر چه نسق و نهج[7] باشد، و یا[8] خود اسم صوفی بر ایشان حمل کردن و ایشان را صوفی گفتن مشتق[9] از کجا است، و تقریب[10] و تکریم[11] و تفضیل[12] ایشان به حضرت، عز اسمه، از کجا افتاده است، و یا سیمرغ[13] روح ایشان از کدام آشیان[14] پریده است.

---

[1]- بدین I : تا به M

[2]- نتوان رسید I : نتوانند رسیدن M

[3]- بیت I : رباعیه M

[4]- و صحبه الاکرمین + I : و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و صبحه و سلم تسلیماً کثیرًا M

[5]- الفصل الثالث فی سلوک الصوفیه و قواعد مذهبهم M : باب سیم در روش صوفیان و قانون مذهب ایشان I

[6]- و روش I : M

[7]- چه نسق و نهج I : نهج M

[8]- و یا I : و با M

[9]- مشتق I : – M

[10]- تقریب I : تقرب M

[11]- و تکریم I : و تفضیل M

[12]- و تفضیل I : و تکریم M

[13]- سیمرغ M : مرغ I

[14]- آشیان I : آشیانه M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۱۴) بدان که آداب و روش ایشان بنابر قانون متابعت شریعت باشد و گزاردن نوافل، تا بدان سبب به خلعت محبت الوهیت و مرتبت خاصان حضرت نبوت پیوندند و مستحق این[۱] تشریف و تکریم گردند که مصطفی، علیه السلام،[۲] می‌فرماید، حکایه عن الله، سبحانه و تعالی:[۳] «لایزال العبد یتقرب الی بالنوافل حتی أحبه، فاذا أحببته کنت له سمعاً و بصراً و لساناً و یداً، بی یسمع و بی یبصر و بی ینطق و بی یبطش»؛ و نمازها به اول وقت به جماعت[۴] بگزارند، که «أول الوقت رضوان الله».

(۱۵) اما سیر و سلوک ایشان مبنی بر جادهٔ طریقت مصطفوی باشد، و طریقت سر شریعت است، تا به متابعت شریعت[۵] ظاهر نفس خود را در صلاح و سداد می‌دارند، و به متابعت طریقت باطن خود را اصلاح می‌کنند، زیرا که سیر و سلوک طریقت باطنی و سری است، تا مادام که مرید از طریقت می-خسپد،[۶] وی را سلوک دست ندهد و باطن وی رنگ[۷] صلاح نپذیرد، اما چون بر طریق[۸] راست بایستد، زود بود که باطنش صفت صلاحیت گیرد، و در این راه از جمله عاشقان حق شود، و او[۹]، جل جلاه، ظاهر و باطن او[۱۰] را از کدورت معصیت پاک گرداند، تا در این مقام از نهاد وی این آواز بر آید که بیت:[۱۱]

عشقست مرا پاک تر از آب زلال وین[۱۲] باختن عشق مرا هست[۱۳] حلال

عشق دگران بگردد از حال به حال عشق من و معشوق مرا نیست زوال

---

[۱]- این I : آن M

[۲]- علیه السلام I : صلوات الله علیه و آله M

[۳]- تعالی I : - M

[۴]- جماعت I : - M

[۵]- تا به متابعت شریعت I : - M

[۶]- زیرا که ... می خسبد F : I : - M

[۷]- رنگ M : دیگر I

[۸]- طریق I : طریقت M

[۹]- واو I : و حق M

[۱۰]- او I : وی M

[۱۱]- شعر I : رباعیه M

[۱۲]- وین I : و این M

[۱۳]- هست I : گشت M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و آنگاه سینهٔ وی را به آفتاب معرفت محبت خود مشروح و روشن گرداند، چنانکه در حق مصطفی، علیه السلام،[1] می‌فرماید: «ألم نشرح لک صدرک و وضعنا عنک وزرک». اکنون اعتقاد مذهب ما آن است که وی را وزری نبود که از وی بر می‌بایست داشت؛ پس این معنی بر چه باشد؟ این معنی بر آن باشد[2] که یا محمد، سینهٔ ترا منشرح گردانیدیم به محبت و معرفت، و دل ترا پاک گردانیدیم از غیر خود به نور نبوت!

(۱۶) اما قانون مذهب ایشان جمع کردن باشد میان مذاهب مختلفه بر سبیل احتیاط، تا هر چه[3] میان مذاهب مختلفه به تقوی نزدیک‌تر و[4] بر نفس[5] دشوارتر بود، آن اختیار کنند، و به یکی از ائمه و مجتهدان مایل و مخصوص نشوند، و طلب رخصت نکنند و شهوات نفس نجویند، زیرا که[6] رخصت-جویی کمال طلب نبود، بلکه همتهای ایشان مقصور باشد بر مخالفت نفس؛ و هر چه بر نفس دشوارتر، نزدیک ایشان پسندیده‌تر.

(۱۷) اما اسم صوفی مشتق از آنجا است که جماعتی بودند از اصحاب مصطفی، علیه السلام،[7] که در صفه مسجد قبا نشستندی و به هیچ کار از کارها به معنی اکتساب مشغول نبودندی، الا به ذکر باری، سبحانه و تعالی،[8] و جز به[9] وضو ساختن و نماز گزاردن بر نخاستندی، و چند کس را از[10] ایشان[11]

---

[1]- علیه السلام I : صلی الله علیه و آله M

[2]- این معنی بر آن باشد I : بر آن معنی باشد M

[3]- بر سبیل احتیاط تا هرچه I : - M

[4]- و آنچه M : - I F

[5]- نفس I : - M

[6]- زیرا که I : زیرا که زیرا که M

[7]- علیه السلام F : + که با سینهای صافی بجمع I : صلی علیه و آله و سلم M

[8]- و تعالی I : - M

[9]- جهت M : - I F

[10]- را از I : - را M (را ندارد)

[11]- را یک M : - را I F (را ندارد)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.
از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)

یک نعلین بودی، و همه جام‌های صوف پوشیدندی. و مشرف‌ترین[1] اصحاب، بعد از چهاریار، ایشان بودندی، و به حضرت نبوت عزیزتر از ایشان کسی[2] نبود، و بسیار بودی که مصطفی، علیه‌السلام،[3] از ایشان به همت مدد خواستی؛ و ایشان را بدان اصحاب صفه گفتندی. دوم آنکه اسم صوفی[4] از صوف گرفته‌اند، که بیشتر ایشان صوف‌پوش باشند. اما باید که صوف از سر صفا پوشند، نه بر[5] سر هوی، و معنی آن از خود طلب کنند؛ به صاد: قدم صدق[6] و صفا از خود طلب کنند، و به واو: وصلت به حضرت خداوند از خود طلب کنند، و به فای: فراغت از غیر خداوند از خود طلب کنند، تا اسم تصوف بر ایشان مجاز نشود.

(۱۸) اما تکریم و تفضیل[7] ایشان به حضرت عزت از اینجا است که ظاهر خود را به تقوی از مناهی و قیام[8] به امور الهی آراسته و پاک دارند، و دل را،[9] که خزینهٔ اسرار پادشاهی[10] است، از غیر حق بپردازند، و نفس را از ظلمت طبیعت به صیقل ذکر بزدایند، تا خود را به حضرت باری،[11] تعالی و تقدس، مشرف و مکرم گردانند، چنان که می‌فرماید: «إن أکرمکم عندالله أتقاکم».

(۱۹) اما مرغ روح ایشان از آشیان لطف باری، سبحانه و تعالی[12]، پریده است، یعنی رشاشه نور هدایت در وی به کمال افتاده است، که «ثم رش علیهم من نوره فمن أصابه ذاک النور فقد اهتدی». لاجرم[13] نور هدایت ایشان را دلالت کرده است و از قفس بشریت خلاص داده و به آشیان ولایت رسانیده.

---

[1]- مشرف‌ترین M : تشریف ترین I

[2]- کس F : - M I

[3]- علیه السلام I : صلی علیه و آله و سلم M

[4]- صوفی را M : را - I F

[5]- بر I : از M

[6]- صدق I : - M

[7]- تکریم و تفضیل I : تفضیل و تکریم M

[8]- مناهی و قیام M : نواهی I

[9]- آراسته و پاک دارند و دل را I : آراسته دارند و پاک دل را M

[10]- پادشاهی I : پادشاه M

[11]- باری M : ایزد I

[12]- سبحانه و (ندارد) - I : - تعالی - M

[13]- نور هدایت در وی ... لاجرم I : - M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۲۰) پس هر که خواهد که در این راه کسی شود و به درگاه اله بار یابد و از ذوق مشارب مردان و شرب[۱] مقامات ایشان[۲]خبر یابد، باید که آستین همت از دنیای[۳] دنی[۴] برنوردد و به چشم حقارت و خسارت در وی نگاه کند، و دامن خدمت چست بر میان جان بندد، و مردوار سر از جیب مفاخرت بر کشد، و عاشق وار[۵] پای بر سر[۶] نفس نهد، و به عیاری دست برآرد و هرچه از هوی و شهوات[۷] در او جمع شده است از او بستاند، و به گوشهٔ چشم همت به دنیا و عقبی باز ننگرد، و دست بر دنیا افشاند و پشت به عقبی آرد و روی به مولی نهد؛ و اگر هزار تیر بلا بر جان وی زنند، از سر آن کوی برنخیزد و روی بنگرداند،[۸] چنان که گفته اند

بیت:[۹]

ای مردم[۱۰] هوی[۱۱] و ای جوان مردان هوی[۱۲] مردی بکنی نگاه داری سر کوی[۱۳]

گر تیر آید چنان که بشکافد موی زنهار ز یار خود نگردانی[۱۴] روی

(۲۱) شیخ شیخ شیخ ما، [شیخ][۱۵] نجم‌الدین کبری، قدس الله روحه العزیز، از این معنی گفته است: هر که حیات ابد طمع دارد، باید که به چهار مرگ معجل پیش از مرگ مؤجل[۱۶] بمیرد: فقر دایم و

---

[۱]- شرب M: سر I

[۲]- مقربان I : M

[۳]- دنیای M: دنیا I

[۴]- دنی M: چیست I

[۵]- سر از جیب مفاخرت بر کشد و عاشق وار I : – M

[۶]- بر سر I : سر – M (سر ندارد)

[۷]- شهوات I : شهوت M

[۸]- بنگرداند I : نگرداند M

[۹]- شعر I : رباعیه M

[۱۰]- مردم M: مردان I

[۱۱]- هوی M : هو I

[۱۲]- هوی M : هو I

[۱۳]- کوی M : سرکو I

[۱۴]- نگردانی M : مگردان I

[۱۵]- شیخ M : – I F

[۱۶]- مؤجل I : – M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

صبر دایم و جوع دایم و از جامع رعونت دور بودن، چنان که در خبر آمده[1] است: «جوعوا بطونکم و عطشوا أکبادکم و غروا أجسادکم، حتی تری الله قلوبکم عیاناً فی الدنیا»؛ و نیز در خبر آمده[2] است: «أوحی الله الی عیسی: تجوع ترانی تجرد تصل إل». و سید الطایفه جنید، قدس الله روحه العزیز،[3] اصحاب خویش را گفتی : چهار چیز از من قبول کنید، و هر چه از من طمع دارید، استاده‌ام: کم خوردن و کم گفتن و کم رفتن و کم خفتن. والله الموفق.[4]

الفصل الرابع فی کیفیه تحصیل جمعیه القلب[5]

(۲۲) هر که خواهد که از خلاصهٔ دین برخوردار شود، باید که روی به جمعیت دل آرد و هر چه آن[6] شاغل دل وی باشد از خود دور کند، و روی به کار آرد بدان که [دائم][7] کلمه لا اله الا الله را به هیبت و تعظیم می‌گوید، که حق[8] تعالی علم اولین و آخرین در ضمن این کلمه نهاده است،

چنان که[9] می‌گوید.[10]

بیت:[11]

آن آوردی چو حق بیاد آوردی　　ور نه به مثل به دست باد آوردی

ظلمی که بکرده به جان و دل خویش　　فارغ بنشین کان همه داد آوردی

---

[1]- آمده I : - M

[2]- آمده I : - M

[3]- قدس الله روحه العزیز I : - M

[4]- و الله الموفق M : + و سمعین I

[5]- باب چهارم در جمعیت دل به دست آوردن I : الفصل الرابع فی تحصیل کیفیهٔ الطلب M

[6]- آن I : - M

[7]- دائم I : - M F

[8]- حق I : سبحانه و M

[9]- چنان که I : - M

[10]- می‌گوید I : - M

[11]- بیت I : رباعیه M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خصوصاً که این ذکر را به نزدیک[1] باری،[2] تعالی و تقدس،[3]منزلتی عظیم است، و از اینجا است که ایزد،[4] سبحانه و تعالی، چندین جای در قرآن مجید به ذکر[5] فرموده است،[6] چنان که[7] می‌گوید: «فاذکرونی أذکرکم»، و جایی دیگر می‌گوید:[8] «یا أیها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً»، و جایی دیگر می‌گوید:[9] «فاذکرا الله عند المشعر الحرام» و جایی دیگر می‌گوید[10]: «فاذکرا الله کذکرکم آباءکم أو أشد ذکراً»، و جایی دیگر می‌فرماید:[11] «فاذکرا الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبکم[12]» و جایی دیگر می‌گوید:[13] « الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم[14] ». این[15] دلیل است که بنده[16] در هیچ حال به هیچ سخن[17] مشغول نشود که آن نه ذکر باری، سبحانه و تعالی،[18] باشد، زیرا که آدمی از این سه[19] حال بیرون نتواند بود، و در این سه حال وی را به ذکر می‌فرماید. و از ابن عباس، رضی الله عنه،[20] سؤال کرده‌اند در معنی این آیه که «قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم[21]»، جواب داده است که یعنی

---

[1]- نزدیک I : نزد M

[2]- باری I : حق M

[3]- و تقدس I : - M

[4]- ایزد I : بار M

[5]- به ذکر I : - به M

[6]- فرموده است I : - است M

[7]- چنان که I : جای M

[8]- و جایی دیگر می‌گوید I : - M

[9]- می‌گوید I : گفته M

[10]- می‌گوید I : گفته M

[11]- می‌فرماید I : گفته M

[12]- فاذکر الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبکم I : الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم M

[13]- و جایی دیگر می‌گوید M : - I

[14]- فاذکر الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبکم M : - I ۱۸- آیت I : M F

[15]- آیت I : این M

[16]- که بنده M : بر آن که خلق I

[17]- سخن I : چیز M

[18]- سبحانه (سبحانه ندارد) M : باشد سبحانه و تعالی I

[19]- سه M : - I

[20]- رضی الله عنه I : - M

[21]- جنوبهم M : جنوبکمI

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در بر و بحر[1] و غنا و فقر و بیماری و تندرستی ذاکر باشند. و هم از او سؤال کرده اند در معنی این آیه که[2] «و لذکر الله اکبر»، جواب گفته است که این را دو معنی است: یکی آنکه ذکر خدای شما را بزرگ‌تر از آن[3] که ذکر شما خدای را، و دیگر آنکه ذکر خدای تعالی بزرگ‌تر از همه عبادت‌ها[4] که جز ذکر است.

(۲۳) و نیز نیکوترین و پاکیزه‌ترین و ستوده‌ترین همه عمل‌ها ذکر باری است،[5] تعالی و تقدس،[6] و شکی نیست که رفیع‌ترین درجات و شریف‌ترین مقامات به بزرگ‌ترین عمل‌ها به دست آید،

چنان که شاعر[7] می‌گوید[8]

بیت[9] :

از یاد جلال[10] مرد مطلق خیزد　　بنگر که ز نور حق چه رونق خیزد

این باطن مردان چه عجایب بحریست　　چون موج زند ازو[11] « انا الحق » خیزد

لابل[12] ذکر حق[13] تعالی به از زر و سیم نفقه کردن و بهتر از غزا کردن و بهتر از مقام شهادت یافتن، به دلیل این حدیث که[14] مصطفی، صلوات الله و سلامه علیه،[15] فرموده است:[16] «ألا أنبئکم بخیر

---

[1]- بر و بحر I : بحر و بر M

[2]- آیه که I : آیه کریمه M

[3]- آن I : این M

[4]- عبادت‌ها I : است + M

[5]- است I : - M

[6]- و تقدس I : است M

[7]- شاعر I : - M

[8]- می‌گوید I : گفته اند M

[9]- بیت I : رباعیه M

[10]- جلال I : خدای M

[11]- زند ازو I : در اندازد M

[12]- و بل که I : لابد M

[13]- خدای I M

[14]- که M : - I

[15]- صلوات الله و سلامه علیه I : صلی الله علیه و آله M

[16]- که I : - M / فرموده است I : فرموده M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

أعمالکم و أزکاها عند ملیککم و أرفعها فی درجاتکم خیرً لکم من إعطاء الذهب و الورق و من[1] أن تلقوا عدوکم فتضربوا أعناقهم و یضربوا أعناقکم. قیل: و ما ذاک یا رسول الله؟ قال: ذکر الله». ذکر مطلقاً شریف‌ترین و با فایده‌ترین همه عمل‌ها[2]است، به حکم این آیت[3] قرآن و حدیث مصطفی، صلوات الله و سلامه علیه[4]. اگر چه اذکار[5] بسیار[6] و بی نهایت است،[7] اما[8] افضل آن[9] کلمه لااله الاالله است، به دلیل این[10] حدیث که «أفضل الذکر لااله الاالله».

(۲۴) آری عزیزا،[11] کلمه لااله الاالله را خاصیتی است که سبزهٔ طاعت را در باغ هدایت بار[12] عنایت برویاند، که «لا اله الا الله ینبت الایمان فی القلب کما ینبت الماء البقله» و از درخت طاعت گل معرفت و محبت در دل عاشقان و ذاکران بشکفاند، چنان که شیخ نجم‌الدین رازی می‌گوید

بیت:

باش تا بر گل دلت آید	شب نم لااله الاالله
صد هزاران گلت ش	یک نم لااله الاالله
هر دمت عیسی دگر زای	مریم لااله الاالله
ملک روح را شود مسجود	آدم لااله الاالله

---

[1]- من F: - I M

[2]- عمل ها ذکر است M: - I F

[3]- آیت I: آیه M

[4]- مصطفی صلوات الله و سلامه علیه F: - سلامه I: - M (کلا ندارد)

[5]- اذکار I: ذکر M

[6]- بسیار I: است + M

[7]- نهایت است I: است – M

[8]- اما M: - I

[9]- آن I: این M

[10]- این I: - M

[11]- عزیزا I: عزیز M

[12]- بار I: بآب M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران مصوبهٔ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و بیشتر اختیار بالغان و عاشقان و کاملان[۱] راه حق این ذکر بوده است، و جمله بر این طریق بوده‌اند، و به گفتن این کلمه موانع از پیش ایشان رفع افتاده است،[۲] و بر[۳] مداومت این ذکر به حضرت، عزاسمه، رسیده‌اند، و بدین ذکر راه دل ایشان به حضرت خداوند، سبحانه و[۴] تعالی، گشاده[۵] است؛ چنان که در کلمات خویش شیخ ما، قطب‌الاولیاء رضی‌الدین علی لالا، قدس الله روحه العزیز، آورده است،[۶] که این ذکری است که بندگان را از هستی ایشان خلاص دهد و به حق رساند، که به حقیقت مقصدالاقصی است، و نهایت مقامات اولیا است،[۷] و غایت غایت‌ها است،[۸] و شریف‌ترین کرامت‌ها است.[۹] این آن مقام است[۱۰] که عبارت‌ها را باد ببرد[۱۱] و اشارت‌ها را بسوزد. زبان از گفتن گنگ شود [و]،[۱۲] چشم از دیدن کور گردد [و]،[۱۳] گوش از شنیدن کرماند [و].[۱۴] عقل سلطان‌وش در پای این عقبه از پای درآید، قلاوز راه پی گم کند، همای تیزپر[۱۵] وهم در اثیر علو رفعت این هوا بسوزد، شاهباز معرفت را در این عالم پرواز نماند، علم به جهل به دل شود، معرفت به انکار! این حکایت است که گفته‌اند: [۱۶]قلم اینجا[۱۷] رسید، سر بشکست!

---

[۱]- عاشقان و کاملان I : کاملان و عاشقان M

[۲]- افتاده است I : شده M

[۳]- بر I : به M

[۴]- سبحانه و I : - M

[۵]- و گشته I : - M F

[۶]- در کلمات خویش شیخ ما ... آورده است I : شیخ ما رضی الدین علی لا لا قدس الله روحه در کلمات خویش آورده است M

[۷]- است I : - M

[۸]- است I : - M

[۹]- است I : - M

[۱۰]- است I : - M

[۱۱]- ببرد I : می برد M

[۱۲]- و M : - I

[۱۳]- و M : - I

[۱۴]- و M : - I

[۱۵]- پر و بال M : - I

[۱۶]-آن M : - I

[۱۷]- اینجا I : آنجا M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۲۵) با سر شوم! ابجد از دست نتوان داد. ذکر لااله الاالله قلاوز راه‌روان است، بدرقهٔ راه طالبان است، حامی خلقان است، حصن خایفان است،[۱] حافظ مال توانگران است، سرمایهٔ درویشان است، مرهم جراحت دردمندان است، گسندهٔ[۲] عاشقان است مؤنس مشتاقان است،[۳] دوای درد دل مسکینان است، زنجیر شیفتگان است، شربت مجروحان است، هم‌نفس بی‌دلان است،[۴] آتش دل دیوانگان است، عطر مجلس انس است، شراب شوق است، چراغ کلبهٔ بیچارگان است، سماع حلقهٔ محنت زدگان است، هم خانهٔ مستمندان است، هم نشین هیچ[۵] کسان است، دوست بی‌نامان است، یار بی نشانان است، کام بی کامان است، مراد بی مرادان است، جاذب عطاها است، دافع بلاها است، مصقلهٔ دل‌ها است، جلای جان‌ها است، غارت کنندهٔ عقل است، به باد بردهنده[۶] تمیزی است، آتش در زنندهٔ حس است، به آب اندازندهٔ وهم است، باطل کننده خیال است، خانه برانداز فهم و عقل و علم[۷] است!

(۲۶) چون سرّ این کلمه بر دلی تجلی کند، آتش در مملکت حس زند، سلطنت عقل را به باد بردهد، آیهٔ «لاتبقی و لاتذر» در ولایت صاحب خویش بر غیر خود[۸] خواند.

بیت:[۹]

زحمت غوغای شهر[۱۰] بیش نه بینی　　چون علم پادشا به شهر درآید

۱- خایفان I F: خاینان M

۲- گسنده F: کشنده M I

۳- مشتاقان I F: عاشقان M

۴- شربت مجروحانست و هم نفس بی دلانست I F: - M

۵- هیچ I F: بی M

۶- بردهنده I F: دهند M

۷- عقل و علم I F: علم و عقل M

۸- خود I F: - M

۹- بیت F: شعر I: - M

۱۰- شهر I F: به شهر M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چنان که خداوند،[1] جل جلاله،[2] می فرماید:[3] «قل جاء الحق و زهق الباطل».

(۲۷) آری عزیزا،[4] این آن[5] کلمه است که مرید را حاجی[6] کند و به حق رساند؛ و از اینجا است که بزرگان دین گفته اند، قدس الله ارواحهم،[7] که هیچ‌کس به هیچ عبادت به حق نرسد[8] الا به مداومت ذکر حق، جل و جلاله؛[9] و این اختصاص که ذکر راست هیچ عبادت دیگر را نیست، چنان که از مشایخ طریقت، رضی الله عنهم،[10] به ما رسیده است که «الذکر طریق الحق، ما سلک المریدون طریقاً أصح و أوضح[11] من طریق الذکر[12] ».

(۲۸) و نیز باری، سبحانه و تعالی،[13] این ذکر را به هیچ وقتی موقوف نکرد و به هیچ شرطی مشروط نگردانید چنان که عبادت‌های دیگر را، بل که فرمود: به هر حال و بهر جای و به هر صفت[14] که باشید، ذاکر من باشید، تا من ذاکر شما باشم، که «فاذکرون أذکرکم» و[15] به شرف مجالست[16] مشرف گردانم، که «أنا جلیس من ذکرنی» و با تو باشم چون تو ذاکر من باشی، که «أنا مع عبدی الذاکر حین

---

[1]- خداوند I : حق M

[2]- جل و جلاله I : سبحانه و تعالی M

[3]- می‌فرماید I : فرمود M

[4]- عزیزا I : عزیز M

[5]- آن I : این M

[6]- حاجی M : حاجت I

[7]- قدس الله ارواحهم I : - M

[8]- نرسد I : نرسید M

[9]- جل و جلاله I : تعالی M

[10]- رضی الله عنهم I : - M

[11]- طریقاً M : أصح و اوضح I

[12]- و لایصل الی الله احد الا بدقام الذکر I : - F M

[13]- و تعالی I : - M

[14]- هر صفت I : به هر صورت M

[15]- نیز M : - I F

[16]- مجالست I : ملازمت M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ذکرنی»،[1] و چندان شرف[2] و منزلت کرامت کنم[3] که[4] هم‌نشینان[5] تو[6] بدبخت نباشند، که «هم[7] القوم لایشقی جلیسهم».

(۲۹) پس بنده ذاکر مذکور و محبوب حق است.[8] از اینجا لازم آید که دوست او دوست حق[9] باشد، و دشمن او دشمن داشتهٔ حضرت حق باشد. پس جهد باید کرد تا بنده ذاکر را[10] به دوستی گیرد و دوستی خود را در دل او بنشاند، و تا تواند، در مجالست او ملازمت نماید، تا از شقاوت و بدبختی[11] خلاص یابد.

(۳۰) و شرح فواید این کلمه بسیار است، و این کتاب را تحمل آن نباشد.[12]

بیت:[13]

کعبه را جامه کردن از هوس است　　یاء «بیتی» جمال کعبه بس است

بلکه حرف‌ها سیاه شود و[14] این به آخر نرسد؛ زیرا که در ضمن کلمه لا اله الا الله سرّی تعبیه است که کوه‌های با عظمت از هیبت این حالت[15] از پای درآید[16] و ذره ذره شود، چنان که فرموده است،[17]

---

[1]- محب تو باشم و تو محبوب من باشی I : - M F
[2]- شرف I : - M
[3]- کرامت کنم I : دهم که راست کنم M
[4]- که I : - M
[5]- هم نشینان I : هم نشینانی M
[6]- تو I : برای تو که M
[7]- بهم I : - M F
[8]- است I : تعالی M
[9]- حق I : او M
[10]- را I : - M
[11]- و بدبختی I : - M
[12]- و این کتاب را تحمل آن نباشد I : و بی‌شمار و این کتاب محل آن نیست M
[13]- شعر I : - M
[14]- حرف‌ها سیاه شود و I : اگر بیاض عالم سیاه کنند M
[15]- حالت I : - M
[16]- در آیند I M
[17]- فرموده است I : فرموده M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آن‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«للجبل[1] جعله دکاً»، و آسمان از هیبت آن بشکافد و زمین از هول آن شق شود،[2] بل که عرش و کرسی را تحمل آن نباشد، مگر دل بندهٔ مؤمن را، که خداوند، سبحانه و تعالی، وی را چندان[3] حد و حصر و شوکت و قوت داده است که او این معنی تحمل می‌تواند کرد، چنان که موسی، علیه‌السلام، مناجات می‌کرد، گفت:[4] خداوندا[5] تو را کجا طلب کنم؟ به گوش وی رسید که «لایسعنی أرضی و لاسمائی ولکن یسعنی قلب عبدی المؤمن». و الله الهادی الی[6] الصواب، و صلی الله علی محمد و آله أجمعین.[7]

الفصل الخامس فی شرایط آداب الذکر و هو مرتب علی قسمین[8]

(۳۱) اما شرایط و آداب این کلمه[9] به جای باید[10] آورد تا فایده دهد؛ زیرا که اگر کسی هزار سال عمر یابد و در این مدت عمر زبان خود را از گفتن این کلمه در نگذارد، هرگز به دل نرسد و حقیقت این کلمه در باطن او قرار نگیرد و متمکن نشود؛ و تا مرد به اطمینان دل نرسد، که «ألا بذکرالله تطمئن القلوب»، از نفس خلاص نتواند یافت و به مقام دلی نتواند رسید،[11] چنانه[12] مشایخ طریقت گفته‌اند: «الاطمینان صفهٔ[13] القلب». و از این معنی است که خداوند تعالی نفس را مطمئنه می خواند، که وی از مقام نفسی به مقام دلی رسیده است، و به صیقل ذکر زدوده شده، و در پرتو نور دل[14] ظلمت

---

[1]- للجبل I : - M

[2]- شوق شود I : منشوق گردد M

[3]- چندان I : - M

[4]- می‌گفت M I

[5]- خداوندا I : بار خدایا M

[6]- طریق M : - I F

[7]- آله و صحبه الی یوم الحسنات I : آله صحبه اجمعین M

[8]- پنجم در شرایط آداب گفتن این کلمه I : فصلین M

[9]- را M : - I F

[10]- جای باید I : باید به جا M

[11]- رسید M : رسانید I

[12]- که M : - I F

[13]- صفهٔ I : صفت M

[14]- زدوده شده و در پرتو نور دل I : - M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

طبیعت از او محو شده، و به[1] حقیقت ایمان و به حقایق عرفان رسیده، و بر اوامر و نواهی فرمان الهی به ظاهر و باطن آرام گرفته، تا بدان مقام رسیده که خداوند تعالی او را به صفات دلی[2] یاد می‌کند، قوله تعالی: «یا أیها النفس المطمئنه ارجعی إلی ربک راضیه مرضیه»، و در زمرهٔ خاصان حضرت خودش[3] می‌نشاند، که «فادخلی فی عبادی» و به دعوت سرای خودش می‌خواند، که[4] «و ادخلی جنتی».

(۳۲) پس چون مرد را خصوصیت بندگی حاصل آمد، نفس و شیطان را بر او دست نماند، چنان که می‌فرماید: «إن عبادی لیس لک علیهم سلطان». دلیلی دیگر که آن ملعون می‌ستیهد بر قول خداوند، عزاسمه[5]، قسم یاد می‌کند: به غیر خاصان حضرت تو بر[6] همه راه گم کنم! چنان که خداوند از آن خبر می‌دهد: «قال فبعزتک لأغوینهم أجمعین إلا عبادک منهم المخلصین». و گفته‌اند: و عباد الرحمن هم[7] الذین عبروا مهالک النفس و وصلوا إلی حضره القلب و أنسوا من جانب طوره ناراً. اما اگر شرط گفتن این کلمه به جای آرد، به اندک روزگار خداوند، سبحانه و تعالی[8]، او را گشایشی کرامت کند، و سینه او را به نور این کلمه منشرح و منور گرداند، و او را به درجات اعلای[9] مغفرت خود برساند، وفقری که مصطفی، علیه السلام،[10] بدان فقر[11] فخر می‌کند، که «الفقر فخری»، بر او تمام گرداند، و او را به پادشاهی بهشت بنشاند و مملکت باقی را بدو مفوض گرداند.[12]

---

[1]- به I : - M

[2]- دلی I : ذاتی M

[3]- خویش M I

[4]- که I : آنکه M

[5]- می‌ستیزد M : برقول خداوند نمی‌ستیزد بلکه I

[6]- بر I : من M

[7]- هم I : - M

[8]- و تعالی I : - M

[9]- اعلای M: علو I

[10]- علیه السلام I : صلی الله علیه و آله M

[11]- فقر I : - M

[12]- چنان که گفته اند I : - M F

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بیت:[1]

مقام سلطنت درویش دارد　　که آن سلطان فراغت پیش دارد

شنیدی قصه ملک سلیمان　　از آن صد ملک یک درویش دارد

(۳۳) آری[2] عزیزا، درویش نه آن است که وی را[3] در دنیا خرده نباشد و به ظاهر حال عریان باشد؛ آن را گدای گرسنه برهنه گویند. بل که درویش آن باشد که به باطن از غیر حق عریان باشد، گرسنه سبحان باشد، تشنهٔ رحمان باشد، عاشق یزدان باشد،[4] به دوست نگران باشد؛ نه نه،[5] درویشی از خود بیرون آمدن است و در نیستی قدم زدن.[6]

بیت:[7]

فقر در نیستی قدم زدن است　　بر سر کوی غم علم زدن است

هر چه میراث آدم و حواست　　در ره فقر جمله کم زدن است

شیخ ابوالحسن خرقانی[8] را پرسیدند که درویشی چیست؟ [به زبان][9] خرقانی گفت: آن که تو [توی]![10]

---

[1]- بیت M: شعر I

[2]- آری I: ولی M

[3]- وی را I: او را M

[4]- گرسنه سبحان باشد ، تشنه رحمان باشد ، عاشق یزدان باشد I: - M

[5]- نی نی M I

[6]- چنان که حریف سخنی گفته اند I: - M F

[7]- رباعیه M: - I

[8]- علیه الرحمه M: - I F

[9]- I : زبان M

[10]- نوی M: توی I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۳۴) اما شرایط و آداب گفتن[۱] این کلمه هشت است: اول آن است که دایم بر وضو باشد، که آن را به[۲] نزدیک[۳] خداوند تعالی منزلتی عظیم است، و مداومت کنندگان را[۴] بر وضو «مردان»[۵] می‌گوید[۶] و به تشریف محبتشان مشرف می‌گرداند و می‌فرماید،[۷] عز و جل: «فیه رجال یحبون أن یتطهروا و الله یحب المطهرین». و وضو سلاح مؤمن است، که «الوضوء سلاح المؤمن»، و وضو نظافت است، که «الدین النظافه»، و شستن آلودگی از چهره روح پاکی است، که «قد أفلح من زکاها و قد خاب من دساها»، و خود را به حیات حقیقی مزین گردانیدن، که «و جعلنا من الماء کل شیء حی[۸] »، و نور بر نور افزودن است، که «الوضوء علی[۹] الوضوء نور علی نور»، و نقش ایمان بر خود کشیدن، که «لایحافظ علی الوضوء الا المؤمن»، و خود را رافع درجات گردانیدن، که «إسباغ[۱۰] الوضوء فی الشبوات[۱۱]»، و شطر ایمان در خود درست کردن است، که «الطهور شطر الایمان»، و خود را در میان[۱۲] سابقان جای دادن است، که «و منهم سابق بالخیرات»؛ و گفته‌اند سابق آن باشد که پیش از آنکه بانگ نماز برآید بر طهارت باشد ظاهراً.

(۳۵) اما طهارت دو است: طهارت ظاهر و طهارت باطن، تا همچنان که به طهارت ظاهر[۱۳] ظاهر خود را پاک می دارد، به طهارت باطن باطن خود را پاک دارد، و طهارت باطن شرط دوم است. و آن آن

۱- گفتن I : - M

۲- به I : - M

۳- نزدیک I : نزد M

۴- (کنندگان) را I : - M

۵- را I : - M F

۶- می‌گوید I : می‌گویند M

۷- که M : - I F

۸- و خود را به حیات حقیقی مزین گردانیدن که « و جعلنا من الماء کل شیء حی » F : است + M : - I

۹- علی I : زان M

۱۰- اسباغ I : سباغ M

۱۱- شیرات I : اسیران M

۱۲- میان I : رتبه M

۱۳- ظاهر I : - M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است که در وقت ذکر گفتن دل را به غیر حق مشغول[1] ندارد[2] و به هیچ نوع، کایناً ما کان، هیچ خاطر را[3] از نیک و بد به دل راه ندهد، که آن بر مثال حدثی باشد در باطن. چون نظر به غیر او باز افتد، باید که از آن استغفار کند و باز دل را به حق تسلیم کند و به ذکر مشغول شود؛ و بداند که سخت‌ترین روشی از روش روندگان، و دشوارترین مجاهده از مجاهدهٔ سالکان، و صعب ترین کاری از کار طالبان، و با فایده ترین عملی[4] از عمل[5] سایران، طهارت باطن نگاه داشتن است، که عوام صوفیان آن را «نفی خاطر» گویند، و مقصود و مطلوب از همه مجاهدت‌ها و ریاضت‌ها آن است، تا ویرا این طهارت حاصل آید، که حصول این طهارت نهایت ریاضت‌هاست، چنان که شیخ ابوسعید بوالخیر می‌گوید،[6] قدس الله روحه العزیز،[7] که «نهایه الریاضه أن تجد مع الله قلبک».

(۳۶) سیم[8] آنکه بیشتر ایام خاموش باشد بیرون خلوت، اما در خلوت باید که[9] جز به ذکر لب نجنباند، تا زبان معنی در جنبش آید، و سخنی که مصلحت دین نباشد نگوید، چنان که مصطفی، صلوات الله علیه،[10] فرموده است:[11] «من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر، فلیقل خیراً و لیصمت». و نیز خاموشی مقام نجات است، چنانکه گفت: «من صمت نجا[12] »، و نیز از دوزخ نجات یافتن است، چنان که فرمود: «و هل یکب الناس علی مناخر هم فی النار إلا حصائد ألسنتهم»، و نیز قهر نفس است، که نفس هرزه

---

[1]- مشغول I : شغول M

[2]- ندارد I : نکنند M

[3]- را I : - M

[4]- عملی M: علمی I

[5]- عمل M: علم I

[6]- می‌گوید I : قدس الله روحه العزیز M

[7]- قدس الله روحه العزیز I : می‌گوید M

[8]- سیم I : سوم M

[9]- باید که I : - M

[10]- صلوات الله علیه I : صلی الله علیه و آله و سلم M

[11]- فرموده است I : فرموده M

[12]- نجا I : بخر M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

لا[1]ست، و نیز تا در این[2] حکمت‌ها گشاده شود که رسول[3] فرموده[4] است:[5] «إذا رأیتم الرجل طویل الصمت فاجلسوا الیه فإنه یلقن الحکمه ».

(۳۷) چهارم خلوت دایم و عزلت از خلق، تا سلامت یابد[6] چنان که گفته است: «من اعتزل سلم»، یعنی سلامت از نظر به شهوات و رفتن به حرام و گفتن حرام[7] و شنیدن حرام، و سگ نفس را در بند کردن. این همه در خلوت حاصل آید. چون حواس پنج‌گانه ظاهر از کار فرو بسته شد، حواس پنج‌گانه باطن در کار آید و درهای غیب بر مرد گشاده شود. و نیز مرد[8] را جمعیت دل دست ندهد تا آن‌گاه که خلوت نگیرد، زیرا که مصطفی، علیه‌السلام،[9] با کمال نبوت اول خلوت و عزلت طلب می‌کرد، چنان که عایشه، رضی الله عنها،[10] می‌گوید: «حبب إلیه الخلاء حتی یتحنث[11] إلی جبل الحراء أسبوعاً و أسبوعین»، و فی روایه « شهراً[12] » نیز آمده است. پس چون او را، که از آنجا پاک آمده بود[13]، و به دام نفس اماره نیفتاده بود، و از او جور و جفا کسی[14] نکشیده، و عهد باری را نشکسته[15]، و دل را به زنگار طبیعت نداده[16]، از خلوت چاره نبود،

---

[1]- لا I : در M

[2]- ابواب I : در M

[3]- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم M : - I

[4]- فرموده I : فرموده M

[5]- علیه الصلوة و السلام I : - M F

[6]- یابد I : باشد M

[7]- گرفتن حرام M : - I

[8]- مرد I : او M

[9]- علیه السلام I : صلی الله علیه و آله و سلم M

[10]- عایشه رضی الله عنها I : - M

[11]- حتی ینحنث M : - I

[12]- شهراً I : شهرین M

[13]- بود F : - M I

[14]- کسی F : - M I

[15]- و عهد باری را نشکسته I : و دل را به زنگار طبیعت نداده M

[16]- و دل را به زنگار طبیعت نداده I : و عهد باری را نشکسته M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران مصوبهٔ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن کسی که در مقام[1] نفس اماره[2] چندین سال[3] گام نهاده باشد، و موافقت هوی و شهوت کرده، و نفس را در تجبر و تکبر[4] و تفاخر[5] پرورانیده، و سر به جیب موافقت مراد[6] برآورده، و کرام‌الکاتبین از او نفور شده، به روح مصطفی [صلی الله علیه و آله][7] از او رنج‌ها رسیده، دل را به زنگار طبیعت داده، میان خویش و حق پیمان برهم شکسته _ هیهات هیهات لما توعدون!

بیت :

پیمان شکنا بر سر پیمانت نمی‌بینم[8] طغرای وفا بر سر فرمانت نمی‌بینم[9]

چگونه این چنین کس را که وی[10] از راه فساد به راه صلاح آمده[11] باشد به خلوت حاجت نباشد؟ نه نه،[12] هیچ کس را از[13] مبدأ حالت که این شوق و ذوق در دل بجنبد از خلوت و عزلت گزیر نباشد، زیرا که بیخ تفرقه از دل بر کنده نشود مگر به خلوت و عزلت. و در خلوت اکتساب امان یافتن است از صعوبت روز قیامت در ظل حق، چنان که می‌فرماید: «سبعه یظلهم الله فی ظله یوم لاظل الا ظله». یکی از ایشان آن است که گفت: «و رجل ذکر الله خالیا ففاضت عیناه»، و خلوتی را [در خلوت][14] بیشتر چنین افتد. و نیز شیخ نجم‌الدین کبری، قدس الله روحه العزیز، در «رساله السائر » آورده است

---

[1]- در مقام I : چندین سال M

[2]- نفس اماره I : در مقام M

[3]- چندین سال I : نفس اماره M

[4]- تکبر I : تفاخر M

[5]- تفاخر I : تکبر M

[6]- مراد I : او M

[7]- صلی الله علیه و آله M : - I F

[8]- نمی‌بینم I : نه بینم M

[9]- نمی‌بینم I : نه بینم M

[10]- وی I : - M

[11]- آمده I : نیامده M

[12]- نه نه M : نی نی I

[13]- را از I : در M

[14]- در خلوت I : - M F

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

که «مرید در خلوت ذکر می‌گوید تا[1] نقوش دنیا و معاملت اهل دنیا از[2] آینهٔ[3] دل زدوده[4] گردد،[5] و چون روی دل از نقوش دنیا صافی شد، نقوش آخرت در وی پرتو زند، و چون صافی‌تر شود، حق‌تعالی در او پرتو زند از راه عکس، و چون صافی‌تر شود و صقالت تمام یابد، وحدانیت باری تعالی در او پرتو زند، چنان که عقل و جان[6] و هوش[7] ببرد؛ آن گاه معرفت حاصل شود و مرد اهل تجلی شود».

(۳۸) پنجم صوم است، که آن[8] را نیز به حضرت باری، عزاسمه، فضیلت بسیار است، بلکه به حق مخصوص است، که «الصوم لی و أنا أجزی به». و نیز در ضمن آن صبر است، و جزای صابری بی نهایت است، که «إنما یوفی الصابرون أجرهم بغیر حساب». و نیز نفس را مخالف بودن است، که «و نهی النفس عن الهوی». دیگر چون مرد گرسنه شود، سبل[9] ضلالت از پیش او برخیزد و پیهی[10] که در چشم دل باشد بگدازد، تا در عالم غیب نگرد و عالم ملکوت را معین بیند. مشایخ طریقت، رضوان الله علیهم اجمعین،[11] چنین گفته اند که «مرید را چندان باید کوشید که به مقدار سوراخ سوزنی چشم به عالم غیب در افتد». و نیز مصطفی، صلوات الله و سلامه علیه،[12] فرموده است[13] که «شیطان در تن آدمی روان است چون خون در رگ، راه گذر وی بسته نشود مگر به گرسنگی». و نیز سپر به دست آوردن است از نفس و شیطان، که «الصوم جنه».

---

[1]- تا I : اما M

[2]- (دنیا) از I : (دنیا) که M

[3]- از آینه I : - M

[4]- است M : - I F

[5]- گردد I : شود M

[6]- جان I : هوش M

[7]- هوش I : جان M

[8]- آن I : روزه M

[9]- سبل I : سیل M

[10]- پیهی I : پهی M

[11]- اجمعین I : - M

[12]- صلوات الله و علیه و سلم I : صلوات الله علیه و آله M

[13]- فرموده است I : فرموده M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۳۹) ششم رضا و تسلیم، و این[۱] دری از درهای بزرگ است به حضرت عزت[۲]، چنان که رسول، علیه السلام،[۳] گفته است:[۴] «الرضا بالقضاء باب الله الأعظم». و نیز آورده اند که بر اول لوح محفوظ این نوشته است که[۵] «بسم الله الرحمن الرحیم، لا اله الا أنا، من لم یرض به قضائی و لم یصبر علی بلائی و لم یشکر علی نعمائی، فلیخرج من أرضی و سمائی و لیطلب رباً سوائی !» و از شیخ سیف‌الدین باخرزی، قدس الله روحه العزیز،[۶] در این معنی منقول است که در وقت سخنی گفتن چون این کلمات را یاد کردی آن گاه بگفتی. بیت:[۷]

جانا نه من سبوس و بندانه[۸] من کاری نکنی برون شو از خانه من

یعنی «فلیخرج من أرضی و سمائی». و شیخ نجم الدین کبری گفته است: «چون رضا و تسلیم قوت گیرد و به کمال رسد، تجلی روان شود، و از آن معرفت زاید، و از معرفت محبت و مودت زاید، [و از[۹] مودت محو و اثبات و فنا و بقا زاید]،[۱۰] و از بقا و فنا یقین[۱۱] و تمکین[۱۲] زاید، و شکوک[۱۳] نفسانی به یکبار برخیزد».

(۴۰) هفتم شیخی کامل راه رفته دیده ور طلب کند که طریق ذکر و خلوت او پیوسته به مصطفی باشد، صلوات الله علیه،[۱۴] و صحبت او متصل باشد بدان حضرت، تا اقتدارا بشاید، زیرا که مجذوبان و

---

[۱]- هم M : - I F

[۲]- به حضرت عزت I : - M

[۳]- علیه السلام I : صلی الله علیه و آله و سلم M

[۴]- که M : - I F

[۵]- که I : - M

[۶]- قدس الله روحه العزیز I : قدس سره M

[۷]- بیت I : - M

[۸]- بندانه I : بیدانه M

[۹]- محبت و M I : - F

[۱۰]- محو و اثبات و فنا و بقا زاید I : بقا و فنا زاید M

[۱۱]- یقین I : تمکین M

[۱۲]- تمکین I : یقین M

[۱۳]- شکوک : سلوک I M

[۱۴]- صلوات الله علیه I : صلوات و سلامه علیه و آله M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زهاد بسیارند، اما بدیشان[1] اقتدا نشاید کرد، که این راه را علامت‌هاست. کسی باید به دلالت پیری راه رفته معتبر، که سیر و سلوک کرده باشد و بر علامات راه واقف گشته و هر علامتی از علامات راه [را][2] بشناخته، تا مرید را دلیل تواند بود. اگرچه مجذوب هم رسیده بود، اما مثال او چون مثال کسی باشد که او را در کژاویه[3] به حج برند، چون بر علامات راه وقوف نیافته باشد، اقتداء[4] حاج را نشاید؛ اما مردی که پای در راه بادیه نهاده باشد و به کرات به قدم صدق رفته و آمده و یک‌یک علامت[5] از علامات راه بشناخته، پس اگر چنین کسی[6] دلیل دیگری باشد، شاید که وی را در بیم هلاک نیندازد و به مقصود و مطلوب[7] رساند.[8] و مشایخ طریقت، رضوان [الله][9] علیهم اجمعین، همچنین بادیهٔ نفس و عقبات هوی[10] قطع کرده‌اند، و کید نفس بشناخته و با شیطان ملعون پنجه‌ها زده و بر مکاید این دو مکار ستیزه‌کار وقوف تمام یافته، [و در سیر و سلوک علامات راه بشناخته و به کعبه جلال ذوالجلال رسیده]،[11] تا اگر کسی را قصد این کعبه باشد، امیر[12] حاج او باشند،[13] و هر چه او در این راه بدان محتاج باشد، به غم خوارگی او قیام نمایند،[14] و وی را دلالت می‌کنند[15] تا به کعبه این معبود با کمال و به مسجد اقصی وصال [رسانند].[16] پس فرق چند باشد میان حاجی که به قدم صدق بادیه خون-

---

[1]- بدیشان I : بایشان M

[2]- را M : - I F

[3]- کژاویه I : کجاوه M

[4]- اقتداء I : افتدای M

[5]- علامت I : - M

[6]- کسی I : کس M

[7]- و مطلوب I : - M

[8]- رساند M: برساند I

[9]- الله I M :- F

[10]- هوی I : راه را M

[11]- و در سیر و سلوک علامات راه بشناخته و به کعبه جلال ذوالجلال رسیده I : - M F

[12]- امیر M: میر I

[13]- باشند I : باشد M

[14]- نمایند I : نماید M

[15]- می کنند I : می کند M

[16]- رسانند I : - M F

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آن‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خوار قطع کند و میان آنکه بر اشتر و کژاویه[1] به حج رود،[2] اگر چه هر دو حاجی باشند، اما این مرد به هر قدمی ده نیکویی حاصل دارد با چندین مجاهده و مخالفت نفس، و آن دیگر از آن بی‌حاصل[3] و نابهره.[4] پس میان مشایخ طریقت و ابدال همچنین[5] فرق باشد، چنان که شیخ شرف[6]الدین ادکانی[7] را، رحمه الله علیه،[8] پرسیدند از حال ابدال و مشایخ طریقت، گفت: این جوانمردان دیگر باشند و یکی را از ایشان چندان مرتبت و منزلت باشد[9] به حضرت ذوالجلال که از آن هفت و هفتاد را نباشد!

(۴۱) شرط هشتم دوام ذکر لااله الاالله است، چنان که حق‌تعالی می‌فرماید که «الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم». اشارت[10] به دوام ذکر است، و جایی دیگر می‌فرماید: «فإذا قضیتم الصلوه فاذکروا الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبکم». می‌باید که در همه احوال به دل و زبان ذاکر باشد، مگر در وقت قضاء حاجت انسانی که به دل ذکر گوید[11] نه به زبان، باقی در همه[12] احوال به دل و زبان ذکر با هیبت و تعظیم می‌گوید[13] با نفی و اثبات. و صلی الله علی النبی محمد و آله اجمعین![14]

القسم الاول[15] در بیان مقامات ایشان[16]

---

[1]- کژاویه I : کجاوه M

[2]- رود I : - M

[3]- بی‌حاصل I : - M

[4]- بی‌بهره M I

[5]- همچنین M : همچنان I

[6]- شرف I : فخر M

[7]- ادکاری M : ادکامی I

[8]- علیه I : - M / را M : - I F

[9]- و منزلت باشد I : - M / باشد M : - I F

[10]- اشاره M : - I

[11]- ذکر کند M : - I

[12]- در همه F : - M : - I

[13]- تعظیم گوید M : - I

[14]- و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و الحمد الله رب العالمین M : - I

[15]- قسم اول M : - I

[16]- شرط هشتم ... القسم الاول در بیان مقامات ایشان M : I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران با (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۴۲) آری عزیزا، زهاد و عباد و نیکو مردان را به پیش این مردان چه محل باشد؟ که «حسنات الأبرار سیئات المقربین».

بیت:

از کمال حال ایشان بی‌خبر باشد [فلک][1]

وز سکوت و نطق ایشان بی‌اثر[2] باشد ملک

مردان[3] باشند در میان ایشان که در متابعت[4] سید رسل به یک دم زدن از فلک و ملک در گذشته باشند و به کونین و عالمین باز ننگرسته، بل که قدم بر «قاب قوسین» نهاده و به سر «أوأدنی» رسیده و به عمل ثقلین سر فرو نیاورده، که «نفس من أنفاس المشتاقین خیر من عباده الثقلین».

بیت[5] :

خلقان جهان به جملگی بشتابید تا قافلهٔ سوختگان دریابید

ای اهل مناجات که در محرابید صد قافله بگذشت و شما در خوابید

طنطنه و طمطراق این مردان فردای قیامت دمار از نهاد دوزخ برآرد، که «جز یا مؤمن فإن نورک قد أطفا لهبی!» بلکه ایشان قومی باشند که به توفیق هدایت پای از طینت بشریت برکشیده باشند و به علو همت بارگاه بر بالای هفت دوزخ و بالای هشت بهشت زده، و قدم ارادت در بارگاه حضرت الوهیت نهاده و به غیر او التفات نکرده.

(۴۳) آری عزیزا، هر کس حال این جوانمردان نداند، که ایشان چه مرغان‌اند؟ ایشان عاشقان رحمان-اند، مشتاقان سبحان‌اند، مستان یزدان‌اند، آتش درزنندهٔ جسم و جان‌اند، قلندروشان[6] حضرت الهاند،

---

[1]- فلک M I : -F

[2]- بی‌اثر I : بی‌خبر M

[3]- مردان M: مرد I

[4]- متابعت I : مبایعت M

[5]- بیت I : رباعیه M

[6]- قلندروشان I : قلندران M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران با (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دیوانگان بی‌گناه‌اند، شوریدگان پادشاه‌اند! این دیوانگان را عجب حالی است، نه نه،[1] که این عاقلان را عجب کمالی است! شراب عشق از خمخانهٔ «ألست» به تلقین ذکر مشایخ در کام جان ایشان ریخته اند و[2] گرد نیاز[3] بر رخسار ایشان[4] بیخته، که[5] «رب[6] أشعث[7] أغبر ذی طمرین[8]».

[بیت] [9]

ایشان دارند دل من ایشان دارند　　ایشان که سر زلف پریشان دارند!

عجب واقعه‌ای است حال این جوانمردان، که هیچ‌کس را به غیر ایشان[10] [چشم][11] بر سر حال ایشان نیفتاده است و ایشان را چنان که ایشان‌اند بندانسته[12] و بر طاعت و معصیتشان[13] وقوف نیافته! آه آه، از خزینهٔ اسرار پادشاه، که با این مشتی خاک بر درگاه چه کارها دارد!

(۴۴) عزیزا، در احوال و اعمالشان[14] نگر، تا سر حالشان بینی[15]، که طاعتشان همه گناه، و معصیت ایشان[16] بی‌گناه، نه نه،[17] که طاعتشان همه معصیت، و معصیتشان همه طاعت، گفتارشان همه کردار،

---

[1]- نه نه M: نی نی I

[2]- شراب عشق ... ریخته اند و I: - M

[3]- گرد نیاز I: - M / از حضرت بی نیاز I: - M F

[4]- بر رخسار ایشان I: - M

[5]- بیخته که I: - M

[6]- رب I: - M

[7]- أشعر I: - M

[8]- أغبر ذی طمرین I: - M

[9]- بیت M I: - F

[10]- به غیر ایشان I: - M

[11]- چشم M I: - F

[12]- بندانسته I: ندانسته M

[13]- معصیتشان I: معصیت ایشان M

[14]- اعمالشان I: اعمال ایشان M

[15]- بینی I: ببینی M

[16]- معصیت ایشان I: معصیتشان M

[17]- نه نه M: نی نی I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کردارشان همه گفتارا غایبان حاضرند، حاضران غایب اند، پادشاهان کهنه پوش‌اند، کهنه پوشان نو فروش‌اند .

بیت :

پادشاهانیم و ما را ملک نیست زین[1] سبب لاف از گدایی می‌زنیم

«سکوتٌ نظّارٌ غُیّبٌ حضّارٌ ملوک تحت[2] أطمار[3]». سکندر[4] وجودشان تشنهٔ آب حیات گشته، خضر معنیشان به آب حیات پیوسته. عجب حالی[5] دارند،[6] و در حال خویش کمالی دارند. ایشان‌اند که بر قصر هدایت سبحانی و بر منظر عنایت ربّانی عروسان خلوت خانهٔ شاه‌اند، شاهدان بارگاه اله‌اند، که «أولیاء الله عرائس الله». لاجرم بر جمال با کمالشان قباب عزّت برافکنده است و در حرم‌سرای حضرت خود بنشانده، تا از غبار نظر اغیار پوشیده مانند، که «أولیائی تحت قبابی لایعرفهم سوائی[7]».

بیت :

آنچ[8] از غمِ او به جان رسیده‌ست مرا من دانم و او که آفریده‌ست مرا

قسم دوم در بیان فضیلت دل عزیز ایشان بدست آوردن

(۴۵) فرّخ آن صاحب دولتی که به حقّ خدمت این چنین قومی قیام نماید و دل عزیز ایشان را به دست آرد،[9] چنان که گفته‌اند: «نماز کار پیر زنان است، دلی به دست آر که کار آن است!» و این سخن را دو معنی است. معنی اوّل: یا نفس خود را به صفات دلی موصوف کن، تا نام تو در جریدهٔ اولیا

---

[1]- زین I : ز این M

[2]- سکوت نظار غیب حصار ملوک تحت M: - I

[3]- اظهار M : - I

[4]- سکندر I : اسکندر M

[5]- عجب حالی I : حالی عجب M

[6]- دارند I : - M

[7]- سوائی I : غیری M

[8]- آنچ I : آنچه M

[9]- آرد I : آورد M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران با (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ثبت افتد، که کار آن است ! و یا آن کسی را[1] که خود را به دان مقام رسانیده است[2] خدمت کن و حرمت او نگاه دار و به هر نوع که باشد خود را بر فتراک دل[3] او بند، تا دلی بدست آورده باشی، که مشایخ طریقت چنین گفته اند که «هر کی را[4] دلی قبول کند، مقبول حقّ شود، و هر کی را،[5] والعیاذ بالله، دلی رد کند، مردود حق شود». و هر کسی را[6] دل اثبات نتوان کرد، چنان که م‌گوید،[7] جل‌جلاله: «إِن فی ذلک لذکری لمن کان له قلبٌ [8]». از اینجا معلوم می‌شود که دل را حقیقتی دیگر است که هر کسی به سرّ آن نرسد، چنان که گفته‌اند.

بیت:[9]

دل یکی منظر است ربّانی	خانهٔ دیو را چه دل خوانی
آنچه دل نام کرده‌ای به مجاز[10]	رو به پیش سگان کوی انداز
آن بوَّد دل که وقت پیچاپیچ	جز خدا اندرو[11] نیابی هیچ

(۴۶) و بزرگان گفته اند: «مرد را چهار چیز بباید تا دل این طایفه او را قبول کند: یا خدمتی شایسته، یا نعمتی بایسته، یا ریاضتی بر قانون، یا صدایی[12] چو نالهٔ ارغنون»، تا به هر وقتی زمزمه می‌کند و وقت بر ایشان خوش می‌کند، که بدان سبب دل‌های ایشان او را قبول کند. چون مقبول[13] دلها گشت،

---

[1]- (کسی) را I : - M

[2]- است I : باشد M

[3]- دل I : - M

[4]- هرکی را I : هر که او را M

[5]- کی را I : که او را M

[6]- را I : - M

[7]- می‌گوید I : می‌فرماید M

[8]- او القی السمع و هو شهید M : - I F

[9]- بیت M : شعر I

[10]- به مجاز M : ابنی مجاز I

[11]- اندرو I : اندر او M

[12]- صدایی I : ناله ای M

[13]- مقبول I : قبول M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گو بست[1] به مسند ولایت ایشان باز ده و خود را تسلیم دل ایشان کن، چنان که شیخ ابو سعید بوالخیر، قدس الله روحه العزیز، وقتی اصحاب را می‌گفت: «فردای قیامت اگر بر شما سؤال کنند که شما کیانید، زنهار به جواب مشغول می‌شوید، که کار بر شما به زیان آید! گفتند: شیخا، چه می‌گوییم؟ گفت: بگویید که ما را در دنیا مهتران بودند که حال ما ایشان می‌دانند. چون به ما حواله شود، کار شما بر[2] آید !» چنان که این ضعیت در این معنی می‌گوید.

بیت:[3]

آشفته بر آن رخان زیبات منم　　آغشته به خون دل ز سودات منم

با این همه اعتماد بر لطف تو زانک　　خاک سگ هندوان «لالات» منم

(۴۷) و نیز مصطفی، صلوات الله و سلامه علیه،[4] توانگران اصحاب را گفتی: امروز خود را بر فتراک دل فقیران امت من بندید،[5] که ایشان را کارهای معظم در پیش است، که «فقراء أمتی ملوک اهل الجنه»، تا فردا، که روز بازار ایشان باشد و کوس دولت ایشان به عرصات[6] قیامت فرو کوبند و چهار بالش ایشان در فردوس اعلی بگسترانند، شما را محروم نگذارند، که[7] «اتّخذوا الایادی عند الفقراء فإنّهم أصحاب الدوله یوم القیامه!»،[8] خصوصاً بر فتراک[9] عاشقانی که طالب حق باشند و ایشان را سیری و سلوکی باشد بر قانون شریعت و طریقت، و عبوری و عروجی در سلک حقیقت، که پیغامبران مرسل را به خدمت ایشان می‌فرماید، چنان که به داود، علیه السلام، وحی می‌کند:[10] «إذا رأیت لی ظالباً فکن له خادماً!» خاصّه آن فقیرانی که بامداد و شبانگاه به ذکر خدای‌تعالی مشغول باشند، که به مصطفی، علیه

---

[1]- بست I : - پشت M

[2]- بر I : از M

[3]- بیت I : - M

[4]- صلوات الله و سلامه علیه I : صلوات الله علیه و آله و سلم M

[5]- بندید I : بر بندید M

[6]- عرصات I : عرصه M

[7]- که F : - M I

[8]- « اتخذوا ... یوم القیامه M : - I

[9]- فتراک I : - M

[10]- وحی می‌کند I : می‌فرماید M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

السلام،[1] خطاب می‌کند [که][2] «واصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه[3]»، و جای دیگر می‌فرماید: «و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی». پس هر که خواهد که نفس عزیز ایشان دریابد و همت عالی ایشان به روزگار خود مصروف گرداند و خود را بر فتراک دل ایشان بندد و در طاعت ایشان شرکت یابد، باید که به خدمت ایشان به هر نوع قیام نماید.

(۴۸) اما زنهار، غلط مکن و گمان مبر که طاعت ایشان چون طاعت عباد و نیک[4] مردان باشد، که دو رکعت نماز ایشان بر حضرت بی‌نیاز دوست داشته[5] تر از طاعتی که همه متعبدان بگزارند تا قیامت، چنانکه مصطفی، علیه‌السلام،[6] می فرماید: «رکعتان من رجل زاهد قلبه مع الله أحب إلی الله تعالی[7] من عباده المتعبدین إلی آخر الدهر[8] سرمداً». هیهات، که گفت و گوی کار ایشان و افشای سرّ ایشان و اسرار ایشان در زمین و آسمان نمی‌گنجد! و شیخ ابوالحسن خرقانی شیخ ابوسعید بوالخیر را می‌گفت: «یا اباسعید، سخنهایی دارم که اگر بگویم در زمین و آسمان نگنجد. خداوند، سبحانه و تعالی،[9] تو را از بهر آن آورد تا به تو[10] [هو][11] گویم؟» و آن بود که شیخ ابوسعید سه روز در خرقان بود که هیچ سخن نگفت، و می‌گفت: «ما را از بهر استماع آورده اند». پس چگونه میسر می‌شود که این بیچاره آن را بر جزوی چند معدود نقش کند، زیرا که [12]حال[13] و کمال ایشان را آخری پیدا نیست، و تجلی جلال

---

[1]- علیه السلام I : صلی الله علیه و آله M

[2]- که M : - I

[3]- یریدون وجهه M : - I

[4]- نیک M: نیکو I

[5]- است M : - I

[6]- علیه‌السلام I: صلی الله علیه و آله M

[7]- تعالی I : - M

[8]- آخرالدهر I : یوم القیمه آخر M

[9]- و تعالی I : - M

[10]- به تو I : به دل تو M

[11]- هو I : - M

[12]- وقت I : - M

[13]- کمال M: -I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ایشان را نهایتی پدید نیست! [زیرا که][1] رحمانی صفت شده‌اند و به ملک جاودانی رسیده، بلکه معبود و مقصود پیوسته، چنان که در این معنی گفته اند.

بیت :

اعضای وجود من همه دوست گرفت نامی‌ست زمن بر من و باقی همه اوست

و اشارت «الصوفی غیر مخلوق» را عبارت از اینجاست.

(۴۹) اما بعد از این ختم کنیم، پیش از آنکه قدم در افشای سرّ ربوبیت نهاده شود و سخن به بیان لم و لا طریقت درافتد و خود را در معرض ارتکاب این [معنی][2] یابد[3] که «إفشاء سر الربوبیه[4] کفر عرفها[5] من عرفها و جهلها من جهلها[6]»، زیرا که ایمان اکثر خلق امروز در این طریق نیک ضعیف است،[7] بلکه بیشتر[8] بزرگان را در این طریق هیچ اعتقاد نیست. و نیز منکرند اهل طریقت را و وقایع ایشان را و کشف حقایق را، به سبب آنکه بنای این طریقت بر ترک دنیاست، و بزرگان این زمانه را برگ این نیست، و اعتقاد و ارادت بیشتر ائمه و علمای این عصر در این معنی ضعیف افتاده است.

بیت[9] :

مردمان منکرند علمی را که ز تقصیر خود ندانندش[10]

گرچه ایمان محض باشد آن چون ندانند کفر خوانندش[11]

---

[1]- زیرا که I : - M

[2]- معنی I : - M

[3]- نیداخت M : - I

[4]- الربوبیه M : ربوبیه I

[5]- عرفها I : عرف M

[6]- جهلها I : جهل M

[7]- افتاده M : - I F

[8]- بیشتر I : پیش تر M

[9]- بیت F : - M I

[10]- مردمان... ندانندش F : - M I

[11]- گرچه ... خوانندش F : - M I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آن‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اگر ذکر واقعه کرده اید، گمان برند که این از بهر نمایش رعونت خویش است، اما نه چنان باشد، بل که از بهر زیادتی وثوق طالبان و عاشقان باشد، تا دردشان بر درد، و شوق بر شوق، و تشنگی بر تشنگی بیفزاید.

بیت :

من چون ریگم غم تو چون آب خورم هر چند همی بیش خورم تشنه ترم

الفصل السادس فی فضیله من یخدم الصوفیه[1]

(۵۰) باید که خداوندان دولت و مکنت را چون چشم بر سر[2] حال ایشان افتد، جان در قدم ایشان نثار کنند و محبت ایشان را در دل خود جای دهند و خود را باوصاف و اخلاق انبیا مخصوص گردانند، چنان که مصطفی[3] می‌فرماید،[4] علیه الصلوه و التحیه:[5] «حب المساکین و الفقراء من أخلاق المرسلین»، و [همچنان][6] بهر وقت به مجالست [و خیر نیت و به خدمت][7] ایشان ملازمت نمایند،[8] تا خود را به اخلاق صدیقان آراسته باشند، که «و مجالستهم من أخلاق الصادقین»، و دل عزیز خود را از ظلمت و کدورت[9] اخلاق اهل نفاق پاک گردانند، که[10] «و الفرار منهم من أخلاق المنافقین»، و به معاونت در مصلحت ایشان[11] قیام نمایند، که «تعاونوا علی‌البر و التقوی» [و لاتعاونوا علی‌الاثم والعدوان][12]. پس هر جد و جهد که ممکن شود[13] در حق ایشان به جای آرند، تا خود را در ولایت

---

[1]- الفصل السادس فی فضیله من یخدم الصوفیه M : باب ششم در فضل کسی که در حقی ایشان قیام نماید I

[2]- طالب M : - I F

[3]- علیه السلام I : - M F

[4]- می‌فرماید I : صلی الله علیه و آله M

[5]- علیه الصلوة و التحیه I : می‌فرماید M

[6]- همچنان M : - I

[7]- و خیر نیت و به خدمت M : - I

[8]- نماید I : نمایند M

[9]- و M : - I(کدورت و اخلاق)

[10]- که I : - M

[11]- البته I : - M

[12]- تعاونوا علی الاثم و لعدن I : - M

[13]- ممکن شود I : ممکن باشد M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ایشان شرکت اندازند، که ولایت ایشان ولایتی عجب است، که «إن ملوک الجنه کل أشعث أغبر، إذ [ا][1] استأذنوا لم یؤذن لهم و إن خطبوا النساء لم ینکحوا و إذا قالوا لم ینصب[2] لقولهم. لو قسم نور[3] واحد منهم بین أهل الأرض لو سعهم»، و تا توانند[4] در یاری دادن بندگان خدای‌تعالی کوشند[5] به چیزی که بدان محتاج باشند، تا اعانت حق‌تعالی بدان حاصل آید، که «إن الله تعالی فی عون العبد مادام العبد فی عون أخیه المسلم»، و بر امید روایی حاجت خویش از خداوند، جل و علا[6]، به برآوردن[7] حاجت ایشان بشتابند، که «لا یزال[8] فی حاجه العبد مادام العبد فی حاجه أخیه المسلم». و آن به غالب سه چیز است، یا لقمه باشد، که مدد قوت ایشان کند، تا از عهده آنچه ایشان را فرموده اند بیرون توانند آمد، که معاملات[9] دینی مبنی بر قوام قالب و قوت مرکب نفس است، و قوام قالب مبنی در آکله و شاربه، چنان که مشایخ طریقت، رضوان الله علیهم،[10] گفته اند: «أشبع الزنجی و کده»، و نیز مصطفی، علیه‌السلام،[11] چنین می‌فرماید: «لو لا الخبز ما صلینا و ما صمنا»؛ و یا خرقه بود، که عورت ایشان[12] بپوشد و دفع سرما و گرمای مفرط کند؛ و یا خانه، که ضرر برف و باران از ایشان باز دارد و ایشان در آنجا[13] از ایذای حیوانات و مردمان ناجنس خلاص یابند، تا به دلی فارغ به عبادت خدای تعالی[14] پردازند [لا صلوة الا بحضور القلب, که در حدیثی دیگر][15] آمده است که حق‌تعالی در نمازی ننگرد که

---

[1]- ۱ M: - F

[2]- ینصب I: تنصب M

[3]- نورا M: - I F

[4]- توانند M: توانند I

[5]- کوشند M: کوشید I

[6]- جل و علا M: تعالی I

[7]- به برآوردن I: بیرون آوردن M

[8]- لایزال الله I M

[9]- معاملات I: معامله M

[10]- رضوان الله علیهم F: علیهم - I: - M

[11]- علیه‌السلام I: صلی الله علیه و آله و سلم M

[12]- را M: - I

[13]- در آنجا I: - M

[14]- تعالی I: - M

[15]- « لا صلوة الا بحصور القلب و در حدیثی دیگر آمده است I: - M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دل در آن نماز حاضر نباشد، و نیز روایت است که مصطفی، علیه‌السلام[1]، گفته است: «از نماز هر کسی آن مقدار نویسند که دل در وی[2] حاضر باشد»، و نیز آمده است که جواب ذکری که از سر غفلت گوید لعنت است، و نیز روایت است که «من قال لااله الاالله غافلاً قلبه عن الله فخصمه الله».

(۵۱) و تا طالب فارغ نبود[3] از هر چه در راه دین بدان محتاج است، جمعیت صورت نبندد. و هر که اسباب معاش بندگان خدای‌تعالی در طلب او نگاه دارد و مهیا کند، به عبادت ایشان مثاب بود، اگرچه آن کس در حیات نباشد. و از اینجا گفته اند که «هیچ چیز ورای خدمت نیست». و اهل بصیرت را، چون نظر بر این معانی افتاد، خانقاه‌ها ساختند و وقف‌ها کردند، و هرچه طالبان خدای‌تعالی را بدان محتاج دیدند، قیام نمودند، زیرا که هر که در یاری دادن جماعتی باشد، به مزد طاعت ایشان ثواب یابد، چنان که مصطفی، علیه الصلوه و التحیه[4] ، می‌فرماید: «و للخادم أجر من یخدمه». همچنان که گفتیم، مزد و ثواب ایشان را نهایت پدید نیست. که یک نفس از انفاس[5] ایشان و یک تسبیح در صحیفهٔ اعمال ایشان زیادت از اعمال ثقلین می‌افتد. پس این چنین کس که معاون ایشان باشد، به آنچه[6] ما[7] گفتیم صاحب دولت دنیا و عقبی باشد، زیرا که به دنیا زراعت عقبی می‌توان کرد، که[8] «الدنیا مزرعه الآخره».

(۵۲) و اگر نه سبب زیادتی بندگان بودی که در ساعه[9] دنیا طاعتی کنند، که «الدنیا ساعه فاجعلها طاعه»، خداوند، سبحانه و تعالی،[10]هرگز ایشان را به دنیا نفرستادی، بلکه مؤمنان را در صفات لطف

---

[1]- علیه السلام I : صلی الله علیه و آله و سلم M

[2]- دل در وی M : در نماز گذر در آن نماز I

[3]- نبود I : نشود M

[4]- علیه الصلوهٔ و التحیه I : علیه و آله و الصلوهٔ و سلام M

[5]- از انفاس I : – M

[6]- به آنچه M : بدانچه I

[7]- ما F : – M I

[8]- که I : – M

[9]- ساعهٔ I : ساعت M

[10]- تعالی I : – M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌پرورانیدی و مقهوران را در صفات قهر می‌داشتی، چنان که شیخ عبدالرحمن اکاف از پیر خویش علی مؤذن، قدس الله روحهما،[1] روایت می‌کند، که او از عالم ارواح خبر می‌داد، تا آنجا که می‌گفت: «در آن وقت که خداوند، سبحانه و تعالی، خواست که روح مرا به عالم اجساد فرستد، ملایکه تأسف می‌خوردند و می‌گفتند: دریغا، این چنین خلقی را از مقام قرب به خاکدان دنیا می‌فرستد؟ باری، سبحانه و تعالی، با[2] ایشان خطاب میکرد که شما غلط کرده‌اید و نمی‌دانید که چه می‌گویید، که ما وی را جایی می‌فرستیم که چون آنجا کوزه آب به دست عاجزه دهد یا از پای در افتاده[3] را دست گیرد، او را[4] بهتر باشد از آنکه صد هزار سال اینجا بسبوحی و قدوسی ما بایستد![5]

(۵۳) و از این شیخ علی مؤذن عجب روایتهایی است که مثل آن از هیچ‌کس دیگر نیامده است، چنان که روزی از طفولیت خود خبر می‌داد و از[6] مشکلی که وی را[7] در حالت ولادت شده بود: بر مادر سؤال می‌کرد که در آن ساعت که من به خاکدان[8] دنیا آمدم و در [این][9] منزل زمین قرار گرفتم، آوازی هایل شنیدم که هرگز دیگر مثل آن نشنیدم. آن آواز چه بود و از کجا آمد؟ مادرش او را حکایت کرد[10] که در آن وقت خادمهٔ جامهٔ پدرت نشسته[11] بود، و در طشت خوانی[12] بر بام برده و بر لب سرسرای

---

[1]- در این معنی M I : - F

[2]- به M : با I

[3]- در افتاده I : افتاده M

[4]- او را I : - M

[5]- بایستد M : باشد I

[6]- و از I : و آن M

[7]- وی را I : - M

[8]- خاکدان I : خاک M

[9]- این M : - I

[10]- کرد I : گفت M

[11]- نشسته I : شسته M

[12]- خوانی I : خوان M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نهاده تا خشک کند، و باغچگکی که متصل سرای است پدرت در آنجا بود. چون خادمه بشنید که پسری تولد کرد، خواست که به تعجیل خبر به پدرت رساند، پایش به طشت باز آمد،[۱] طشت از بام[۲] در میان سرای[۳] افتاد؛ آواز هایل از آنجا بود.

(۵۴) القصه، تا خداوندان دولت[۴] و مکنت[۵] را صورت نبندد که این نوع سخن‌های این ضعیف[۶] از بهر تجرع[۷] دنیایی وحیلهٔ گداست! نه نه،[۸] که سعادت دو جهانی ایشان و[۹] یافت[۱۰] رضای رحمن است، تا از آن جمله نباشند که این خطاب در حق ایشان است،[۱۱] «الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم». و این ضعیف را نیت «التعظیم لامرالله و الشفقه علی خلق الله» است اندر این، تا باشد[۱۲] که این ندا به گوش جان هیچ‌کس نرسد[۱۳] از امت احمد، و تا به تعذیب «یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورم[۱۴] هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون» گرفتار نشوند، و نصیب خویش از دنیا فراموش نکنند، چنان که می‌فرماید، عز و جل:[۱۵] «و لا تنس نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن الله الیک و لا تبغ الفساد فی الارض».

۱- و M: -I

۲- در افتاد و I: - M

۳- بر زمین I: - M

۴- دولت IF: مکنت M

۵- و مکنت FI: و دولت M

۶- را I: - MF

۷- تجرع IF: تجوع M

۸- نه نه MF: نی نی I

۹- و IF: - M

۱۰- دریافت M: یافت IF

۱۱- ایشانست IF: ایشان است M / که M: - IF

۱۲- است اندر این ، تا باشد IF: و چنین M

۱۳- نرسد IF: نرسیده M

۱۴- ظهورم IF: ظهور هم M

۱۵- عزوجل IF: - M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایرانیا (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پس[۱] این ضعیف را در این خطاب رحمانی[۲] و اشارت[۳] سبحانی دو معنی[۴] فرا[۵] خاطر می‌آید: یکی آنکه نصیب خویش[۶] از دنیا بشناسد که کرباس[۷] پاره از دنیا و دو گز و نیم زمین بیش بد[۸] و نخواهد رسید، و دیگر همه[۹] آن است که ضایع ماند و به لب گور[۱۰] از او باز گردد، چنان که مصطفی، علیه‌السلام،[۱۱] فرموده است که «سه چیز با[۱۲] بنده به لب گور آید، دو[۱۳] باز گردد و یکی با وی در خاک شود. گفتند[۱۴] سه[۱۵] کدام باشد[۱۶] یا رسول الله؟ گفت: مال و فرزندان[۱۷] و حسنات؛ حسنات با وی بماند و دیگران از وی[۱۸] باز گردند». دیگر آن است که نصیب تو از دنیا آن است که نزدیک حق فرستی بدان که[۱۹] در راه خدای [تعالی][۲۰] بذل کنی، که[۲۱] آن تو را بر حضرت[۲۲] حق باقی است،[۲۳] و هر چه از بهر هوای نفس بگذاری، بر تو فانی است، چنان که در قرآن مجید از آن خبر می‌دهد: «ما عندکم ینفد و

۱- پس I F : - M
۲- رحمانی M F : کریم I
۳- ازلی I : - M F
۴- سبحانی دو معنی M F : قدیم لایزالی I
۵- فرا I F : به M
۶- خویش I F : خود M
۷- کر بس I F : گر پس M
۸- بدو F : به او M : - I
۹- همه M F : - I
۱۰- به لب گور M F : - I
۱۱- علیه السلام I F : صلی الله علیه و آله و سلم M
۱۲- با I F : آن است M
۱۳- دو I : - M
۱۴- آن M : - I F
۱۵- چیز M : - I F
۱۶- باشد I : است M
۱۷- فرزندان I : فرزند M
۱۸- از وی I : - M
۱۹- بدانکه I : بدانچه M
۲۰- تعالی I : - M F
۲۱- که I : و M
۲۲- تو را بر حضرت I : باقی است M
۲۳- حق باقی است I : در حضرت حق M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران با (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ما عندالله باق»، تا آن باقی را از حضرت او[1] یکی به هفتصد و مضاعف آن بازستانی،[2] چنان که می فرماید: «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبه و الله یضاعف لمن یشاء».

(۵۵) نه نه،[3] عقل بر باید گماشت و دنیای فانی را بذل باید کرد و بر دولت[4] [و][5] نعمت[6] او دل نباید نهاد، چنانکه گفته اند:

[بیت]:[7]

عاقل بچه اومید درین[8] شوم سرای — بر دولت او دل نهد از بهر خدای

چون راست که خواهد که نشیند از پای — گیرد اجلش دست که بالا بنمای

زیرا که دنیای غدار مکار مردار هیچ نیرزد، «الدنیا جیفه و طالبها کلاب»، چه این[9] دنیای غدار مکار گذاشتی[10] و از وی گذشتنی است. افسوس باشد که عاقل مملکت آخرت[11] ابدی[12] به دنیای فانی منغص[13] مکدر بفروشد! هیهات، خداوندان نعمت را عهد شکنی[14] نباید کرد، و به وفای «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه» قیام باید نمود[15] و این بیع را فسخ نباید کرد، که بهتر

---

[1]- او I : - M

[2]- بازستانی I : بازستاند M

[3]- نه نه M : نی نی I

[4]- دولت I : نعمت M

[5]- F : و I M

[6]- نعمت I : دولت M

[7]- بیت I : - M

[8]- درین I : در این M

[9]- چه این I : پس این M

[10]- گذاشتن I M

[11]- آخرت I : - M

[12]- را I : - M

[13]- منغص M : معقر I

[14]- عهد شکنی M : عهد شکستی I

[15]- نمود I : کرد M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در پهنهٔ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

از این فروشنده نتوان یافت و خوب‌تر از این متاع نتوان خرید، و دنیا[1] و هرچه در دنیاست از بهر چنین متاعی نثار باید کرد و باک نباید داشت!

بیت:[2]

دنیا چه بود نثار[3] دنیا چه بود — وین[4] مایه ز یادگار دنیا چه بود

دریاب شها مملکت عقبی را — روزی دو سه روزگار دنیا چه بود

[اندر عجبم ز می فروشان کیشان — به زین که فروشند چه خواهند خرید؟][5]

نه نه،[6] مردوار پای بر طارم اعلی باید زد و جنه الماوی به دست[7] فرو باید گرفت، تا همچنان که امروز کوس دولت ایشان بر بسیط زمین فرو کوفته‌اند، فردا به عرصات قیامت فرو کوبند و زین دولت ایشان را بر براق همت ایشان بندند، تا چنان که خواهند در بهشت می‌خرامند و به ذوقی تمام نعمت جنات نعم می‌چشند و با حوران دلربای بر قصرهای بهشت می نشینند، که «حور مقصورات فی الخیام[8]».

شعر:[9]

سلام علی دار ام الکواعب — بتان سیه چشم عنبر ذوائب

رسوم قصور دیار عوالی — چو در صدر[10] منشور توقیع صاحب[11]

---

[1]- دنیا I : آن M

[2]- بیت I : رباعیه M

[3]- نثار I : - M

[4]- وین I : و این M

[5]- اندر عجبم ز می فروشان کیشان به زین که فروشند چه خواهند خرید ؟ (بیت دوم ندارد) I/- M

[6]- نه نه M : نی نی I

[7]- به دست I : - M

[8]- اللهم ارذقنا بجمیع المومنین الموحدین I : - M

[9]- شعر I : - M

[10]- صدر I : صد M

[11]- سلام علی ... توقیع صاحب M : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الفصل السابع فی جواب المتعنت و المنکر فیهم[1]

(۵۶) در جواب جمعی منکران و متعنتان که[2] بر این ضعیف تیغ انکار می‌کشند[3] و اصحاب طریقت و اهل خلوت را منکر می‌باشند[4] و بر موز سخن‌های رنگین می‌گویند و به کلی سربدان[5] هوا برآورده‌اند که امروز خلوت نمی‌باید داشت؛ و این سخن را دلیلی روشن از حدیث[6] و قرآن[7] نمی‌آرند،[8] و در مجادله و مخاصمت[9] مرده می‌کوشند. و این ضعیف را سر مجادله ایشان نیست، زیرا که این سخن از مجاهده جسته‌اند،[10] نه از مجادله. عجب واقعه‌ای است، خدای را تبدیل[11] و تغییر[12] نه، طالب را تلبیس[13] و تزویر[14] نه، راهی راست جاده[15] کوفته نارفتن را[16] سبب چیست؟ و این مباینت[17] از کجا افتاده‌است؟[18] نه نه،[19] راه را می باید رفت، تا نروی نرسی، چنان که یکی از مشایخ می‌گوید که[20]

---

[1]- الفصل السابع فی جواب المتعنت و المنکر فیهم M : باب هفتم در جواب جمعی منکران و متعنتان I

[2]- در جواب جمعی منکران و متعنتان که M : - I

[3]- می کشند I : برکشند M

[4]- منکر می باشند I : منکرند M

[5]- سربدان I : سربذان M

[6]- حدیث I : قرآن M

[7]- و قرآن I : و حدیث M

[8]- نمی‌آرند I : نمی‌آورند M

[9]- محاربه M I / صد M : ده I : - F

[10]- جسته اند I :جسته ام M

[11]- تبدیل I : تغییر M

[12]- و تغییر I : و تبدیلی M

[13]- تلبیس I : تزویر M

[14]- و تزویر I : و تلبیس M

[15]- جاده I : جاده ها M

[16]- را I : - M

[17]- مباینت I : مباینه M

[18]- افتاده است I : افتاده M

[19]- نه نه M : نی نی I

[20]- نه هر که I : نه M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایرانیا (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«هر کس که ندوید[1] گور نگرفت،[2] اما گور آن کس گرفت که بدوید». و شیخ اوحد کرمانی در این معنی می‌گوید.

بیت:[3]

ناکرده دمی آنچه ترا فرمودند	خواهی که چنان شوی که مردان بودند
تو راه نرفته از آن ننمودند	ورنه که زد این در که درش نگشودند

(۵۷) اما آنچه می‌گویند که خانقاه دارشفا است، و اهل خانقاه بیماران‌اند که مرض ایشان انواع است، و لابد هر یکی را دارو به نوعی دیگر باید داد، پس طبیب باید که مرض و علت هر یک بشناسد تا تدبیر معالجهٔ او[4] بر قانون تواند کرد، مقبول و معقول[5] می‌گویند. اما ما[6] می‌بینیم مر[7] اهل خانقاه را که جماعتی بیماران‌اند بر تقدیر، ایشان را مرضی که افتاده[8] است، و علتی که مستدعی مرافعت به طبیب است، از دل افتاده، که «فیطمع الذی فی قلبه مرض[9]». پس از آنجا معلوم می‌شود که روی به صلاح دل می‌باید آورد و تا غایت[10] امکان در اصلاح[11] او[12] کوشید، تا چون دل به صلاح باز آید، که امیر و رئیس اعضا است، لابد همه اعضا و جوارح انقیاد و متابعت او کنند در صلاح، کما قال النبی،[13] صلی الله

---

[1]- ندوید I : بدوید M

[2]- نگرفت I : گرفت M

[3]- بیت I : رباعیه M

[4]- او I : - M

[5]- مقبول و معقول I : معقول و مقبول M

[6]- ما I : - M

[7]- مر I : - M

[8]- افتاده است M I

[9]- فی قلوبهم مرض M I

[10]- از M : - I

[11]- اصلاح M : صلاح I

[12]- باید M : - I

[13]- النبی M : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علیه و سلم:[1] «ان فی جسد ابن آدم لمضغه اذا صلحت صلح بها سائر الجسد و اذا فسدت فسد بها سائر الجسد، الا و هی القلب». و دیگر آنکه دل پادشاه است و جملگی اعضا و جوارح مأمور اویند،[2] لابد چون پادشاه راه[3] مایل به صلاح یابند،[4] متابعت و موافقت او کنند در صلاح، و اگر فساد یابند همچنین، کما قال النبی، علیه السلام:[5] «الناس علی دین ملوکهم».

(۵۸) پس ما را باری‌تعالی و تقدس، طبیبی حاذق و استادی کامل فرستاد، مشرف به تشریف «و ما ینطق عن الهوی»، و مکرم بتکریم «او ادنی»، و ممکن در بارگاه «فاوحی الی عبده ما اوحی»، و منشور نسخت[6] ادویه «و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین» به دست او داد، تا هر که خواهد که آینهٔ دل را از زنگ طبیعت پاک گرداند و مرض و علت او را معالجت کند، در داروخانه «و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین» بکوبد و تمسک به سنت سیدالمرسلین کند، که «من یطلع الرسول فقد اطاع الله» و اقتدا به صحابه و تابعین نماید، تا راه راست و جاده مستقیم به دست دولت او[7] دهند،[8] که[9] «بایهم اقتدیتم اهتدیتم»، و[10] در مقام اکرام «فقد استمسک بالعروه الوثقی» فرود آرند[11] و در چهار بالش «لا انفصام لها» بنشانند. پس مصقله که صفحهٔ آینهٔ دل را از زنگ غفلت و طبیعت زدود و پاک گرداند، ذکر باری است،[12] تعالی و تقدس،[13] کما قال، علیه‌السلام:[14] «ان لکل شیء صقاله و صقاله

---

[1]- و سلم I : و آله M

[2]- او اند I : اویند M

[3]- راه I : - M

[4]- یابند I : باشد M

[5]- علیه السلام I : ص M

[6]- نسخت I : نسخه M

[7]- دولت او F : - M I

[8]- آرد M I

[9]- که I : تا M

[10]- بایهم اقتدیتم اهتدیتم و I : - M

[11]- فرود آرند M : راه یابد I

[12]- است I : - M

[13]- و تقدس I : است M

[14]- علیه‌السلام I : علیه الصلوة و سلام M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

القلوب ذکر الله»، و جائی دیگر می فرماید: «لا اله الا الله ینبت الایمان فی القلب[1] کما ینبت الماء البقله». و نص قرآن نیز بدان ناطق است:[2] «الا بذکر الله تطمئن القلوب».

(۵۹) پس مرید راه طریقت و طالب حق به حقیقت باید که به گوش دل و جان و عقل و هوش بشنود و ممتثل امر «و کونوا مع الصادقین» گردد، که به حقیقت ذاکر آن است[3]که [راست گویی][4] هیچ راست نگوید راست تر از ذکر خداوند، سبحانه و تعالی. و سید کاینات را نیز فرمان است که «فاعرض عمن تولی عن ذکرنا». پس هر که در طریقت مصطفی[5] خواهد که سلوک نماید، او را در این تنبیه است که هجران و عزلت از که می‌باید کرد و الفت و صحبت با که می‌باید داشت. پس طالب این معنی[6] باید که در هر حال و هر جای و در هر صفت که بود، بداند که ذکر خدای‌تعالی بزرگ‌ترین همه عبادت‌هاست، کما قال الله تعالی: «و لذکر الله اکبر». و ابن عباس، رضی الله عنه،[7] در تفسیر این آیه[8] چنین گفته است که «ایه ذکر الله اکبر من کل عباده سواه». و مصطفی، علیه‌السلام،[9] نیز تعیین فرمود[10] که از ذکر[11] کدام فاضل‌تر[12].و هر که بهترین[13] کارها[14] و فاضل‌ترین[15] عبادت‌ها از حضرت سید کاینات، علیه الصلوه و التحیه،[16] طلب نکند،

---

[1]- فی القلب I : - M

[2]- که M : - I

[3]- ذاکر آن است M : ذاکریست I

[4]- راست گویی I M : - F

[5]- صلی الله علیه و آله و سلم M : - I/ را M : - I

[6]- معنی I : حدیث M

[7]- عنه I : عنهما M

[8]- آیه I : ای M

[9]- علیه السلام I : صلی الله علیه و آله M

[10]- فرمود M : فرموده است I

[11]- ذکر M : ذکرها

[12]- فاضلتر I : فاضلتر است M

[13]- بهترین I : بهتر M

[14]- کارها I : و فاضلتر M

[15]- و فاضلترین I : کارها M

[16]- علیه الصلوة و التحیه I : - M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

راه غلط کرده[1] باشد. پس هر که خواهد که در دین خدای‌تعالی کسی شود و به خلعت محبت آراسته گردد، نظر متابعت بر گفت و کرد او[2] دارد، تا از مقام محبت دور نیفتد، کما قال الله تعالی:[3] «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله»، و عشق در وی کمال گیرد، حکایه عن الله تعالی: «اذا کان الغالب ذکری علی عبدی عشقنی و عشقته».[4] پس طالب کمال باید که کمر جد و جهد بر میان جان بندد و آناء اللیل و اطراف النهار روی دل متوجه حضرت خدای‌تعالی دارد، تا به مقصود کلی خود بازرسد، کما قیل: «من طلب شیئاً وجد، وجد»، و به زفان[5] جان و دل پیوسته به هیبت و تعظیم[6] ذکر می‌گوید،[7] چنان که هفت اندام او[8] از گفتن ذکر متأثر و متلذذ می‌شود،[9] و هیچ خاطر را، کایناً ما کان،[10] بدو راه باز ندهد، البته همه را نفی می‌کند،[11] و چندان ذکر خدای‌تعالی[12] بگوید که[13] هفت اندام او با او در ذکر آید،[14] تا موی و ناخن،[15] و فقک الله لهذا العمل و جمیع الطالبین و اهل السبیل و جمیع المؤمنین! و الله الهادی.

---

[1]- کرده I : ذکر M

[2]- او I : - M

[3]- تعالی I : - M

[4]- و عشق در وی کمال ... عشقی و عشقنه » F : - M I

[5]- به زبان M I

[6]- هیبت و تعظیم I : تعظیم و هیبت M

[7]- می گوید I : گوید M

[8]- او I : وی M

[9]- می شود I F : شود M

[10]- کان I : من کان M

[11]- می کند I : کند M

[12]- خدای تعالی F : - I M

[13]- که I : - M

[14]- در ذکر آید I : با موی و ناخن M

[15]- تا موی و ناخن I : در ذکر در آورد M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل در جواب سؤالی که بی شیخ راه توان رفت یا نتوان رفت

(۶۰) و العیاذ بالله تا آن کیست که نفی شیخ می‌کند و از روی جهل می‌گوید که بی‌استادی و پیشوایی قطع این راه توان کرد! که مشایخ طریقت چنین گفته‌اند: «من لیس له شیخ فشیخه الشیطان». اما بباید دانست که مر طالب را احتیاج به شیخ از دو وجه است: یکی در تعلم آداب و شرایط آن به ظاهر، چنان که به عنعنه[۱] از مصطفی، صلوات الله و سلامه علیه؛[۲] منقول است الی[۳] یومنا هذا، بدان شریطه[۴] که هیچ[۵] زیادت و نقصان را[۶] به دو راه ندهد، که «لانزد و لاتنقص» را با شرایط آن روان کرده‌اند. وجه دیگر وقوف بر وقایعی[۷] که می‌افتد، تا[۸] پیش شیخ می‌آرد و شیخ در آن معنی اشارتی می‌کند، تا غایتی که تمییز تواند کرد میان نفس و شیطان. بعد از آن طالب را به فایده صورتی حاجت نیفتد از شیخ، اما به محبت شیخ و ارادت وی محتاج باشد، تا از راه معنی فایده تواند گرفت. پس اینجا تفاوت نکند اگر شیخ در حال حیات باشد یا در حال ممات، که بعد از این طالب فایده از باطن شیخ گیرد، و شیخ از راه معنی به حقیقت زنده است، که «اولیاء الله لا یموتون». و مرید ممیز را در این حالت در بحر طلب بیش خوف غرقه شدن نباشد، الا ما شاء الله، زیرا که سباحت عبور او را شناخت و تمییز مخاوف و مهالک استظهاری تمام است.

بیت:

بچهٔ بط اگرچه دینه بود　　آب دریاش تا بسینه بود

۱- عنعنه I : عنعن M

۲- صلوات الله و سلامه علیه I : ص- M

۳- الی M: تا الی M

۴- بدان شریطه I : - M

۵- هیچ I : - M

۶- را I : - M

۷- وقایعی I : وقایع M

۸- تا I : با M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۶۱) و معهذا که روندگان باشند که شیطان برونی پیرامن ایشان نتواند گشت. دلیل بر آنکه این ضعیف به اول وهلت[۱] و مبدأ حالت که به خدمت شیخ‌الشیوخ قطب‌الاولیاء، دلیل طالبان راه خدای،[۲]سبحانه و تعالی، شیخ احمد جورپانی پیوست و به اشارت[۳] او احرام خلوت بربست، نخست شب که این ضعیف را ذکر تلقین کرد، چون[۴] این ضعیف پای در خلوت خانه نهاد، در کنج خلوت خانه شخصی ظلمانی را دید[۵] ایستاده؛ این ضعیف به وی[۶] التفات نکرد، چنان که شیخ فرموده بود، شرط جلوس به جای آورد و[۷] روی فرا[۸] حق کرد، و زبان گشود[۹] و اول بار که بگفت «لا اله الا الله»، آن شخص فریادی شدید برکشید و خود را بر گوشه چپ خلوت خانه زد، چنان که دیوار خلوت خانه بشکافت به معاینه، و برقی از او[۱۰] باز جست، و فریادی عظیم شدید از او برآمد،[۱۱] و باز دیوار فراهم آمد؛ و از آن وقت باز هرگز بگرد این ضعیف نتواند گشت ـ اما با این شیطان درونی، که «اعدی اعدائک[۱۲] نفسک التی بین جنبیک» است، امروز مدتی[۱۳] شد که روی به محاربه «رجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر» آورده است و به اشارت[۱۴] «موتوا قبل ان تموتوا» به مقاتله او برخاسته، و هنوز خلاص و نجات تمامی روی ننموده است، و انصاف او در انقیاد مستحکم ناگشته،

۱- وصلت M : - I

۲- حق M

۳- اشاره M : - I

۴- را ذکر تلقین کرد چون F : - I M

۵- دیدم M

۶- وی را M - I

۷- و F : - I M

۸- به M - I

۹- بگشاد M : - I

۱۰- از او F : - I M

۱۱- و فریادی عظیم شدید از او بر آمد F : - I M

۱۲- اعدا عدوک M : - I

۱۳- مدتی F : - I M

۱۴- اشاره M : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران با (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چنان که شیخ‌المشایخ[1] نجم‌الدین کبری فرموده است،[2] قدس الله روحه العزیز.[3]

بیت:[4]

گبریست درین تنم که پنهانی نیست　　بر داشتن سرش بآسانی نیست

ایمانش هزار بار تلقین کردم　　این کافر را سر مسلمانی نیست

(۶۲) عجب تا خود[5] سایل را از این سؤال مقصود و مطلوب چیست؟ نه نه، هر چند به نزدیک اولوالالباب پسندیده و نیکو نیاید، بهتر آن بود که از آن دور باشد! زیرا که هر که در این معنی با ما[6] به دعوی بیرون آید، ما وی را از اول این طریق سؤال کنیم؛ اگر جوابی شافی یابیم، وی را انتها[7] مسلم داریم و سر بر خط فرمان او نهیم، و اگر نه، تعنت بی‌فایده را انصاف ندهیم؛ زیرا که ما را در این راه بسی سؤالات است، و از آن سؤالات یکی این است:[8] که رونده از روندگان این راه ذکر می‌گوید، ناگاه فنایی ظاهر شود، اما در آن فنا در وجود خویش هنوز بقیهٔ حیاتی می‌بیند، ناگه نور ذکر بر دل او عکس انداخت و وجود رونده را این بار ظاهراً و باطناً به کلی فانی کرد، الا دو چیز را، که یکی از آن پاره گوشت[9] به مقدار دو سیر بیش یا کم،[10] دوم حس که بدان گوشت پاره می‌نگریست، و هر دم در ظاهر آن گوشت پاره اسلام روی می‌داد،[11] در معنی وی کفر صریح پیدا می‌شد، و هرگاه که در ظاهر وی اسلام کم می‌شد، معنی را مسلمان می‌یافت. اکنون تا فنای اول چیست [و دوم از کجا است و آن

---

[1]- المشایخ F : - I M

[2]- قدس الله روحه العزیز M

[3]- فرموده است M

[4]- رباعیه M : - I

[5]- خود F : - I M

[6]- با ما F : - I M

[7]- اینها M : - I

[8]- آن است M : - I

[9]- که M : - I

[10]- است M : - I

[11]- و M : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ... (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گوشت پاره ای در وجود از کدام عضو است و آن اسلام چیست؟] ،[1] و آن کفر چه بوده؟،[2] سؤال دوم: شیطان را بچه باز شناسیم؟ سؤال سیم: تبدیل و تغییر نفس بر چند صفت می‌گردد؟ سؤال چهارم: اهتزاز ذکر در وجود چگونه باشد؟ این بود سؤالات که بعضی را ذکر کرده آمد.[3] و آنچه مکتوب افتاد، نه به جهت امتحان و دعوی گفته آمد،[4] بل [که][5] بر تحقیق و طلب بیان و معنی ذکر کرده شد، تا بر روی روزگار و تقلب لیل و نهار مبتدیان را استظهاری گردد و رغبتی درافزاید، و نیز مجیب[6] را از شرح جواب ثوابی حاصل آید، و عنایت ابدی و سعادت سرمدی روی نماید، و رضای حق مدخر ماند،[7] و الله اعلم!

بیت:[8]

تا نشناسی که ما ازین جا مانیم — پوشیده مرقعان بی سامانیم

ما نیک بدیم و نیک بی‌درمانیم — لیکن بد و نیک خویشتن را دانیم

الفصل الثامن فی جواب من سأله عما الفائده فی ترک الدنیا و الآخره

(۶۳) چنان که سؤال می‌کند که نزدیک ارباب حقیقت و خداوندان شناخت و معرفت فرق نیست در ترک میان دنیا و آخرت، بلکه این هر دو [را][9] متروک می‌دانند، و عجب آنکه آخرت از دنیا مهیا[10] و روشن[11] است، و وعده و وعید کل مخلوقات به وی است، و ایشان در ترک هر دو را یکی می‌دانستند

---

[1]- [و دوم از کجاست و آن گوشت پاره ای در وجود از کدام عضو است و آن اسلام چیست ؟] M : -I

[2]- بود M : - I

[3]- کرده اند M : - I

[4]- و آنچه مکتوب ... گفته آمد F : - M I

[5]- بلی M : - I

[6]- محیب M : - I

[7]- یابد M : - I

[8]- رباعیه M : - I

[9]- را M : - I

[10]- مهیاتر M : I

[11]- روشن‌تر M : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چگونه باشد؟ جواب: پس بدان، آن را[1] که ما مجمل به اسم آخرت یاد می‌کنیم، خداوند، سبحانه و تعالی، آن را به تقسیم و تفصیل یاد می‌کند:[2] «لا اقسم بیوم القیامه»، و جایی دیگر به اسم آخرت می‌خواند، که «فمنکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخره»، و جایی دیگر عاقبت آن را عقبی می‌خواند، چنان که گفت «اکلها دائم و ظلها تلک عقبی الذین اتقوا و عقبی الکافرین النار». پس اول و اوسط[3] و آخر آن از این سه بیرون نیست، و این جمله را آخرت می‌خوانند، و غیب غیب غیب نیز می‌گویند. و این جمله که یاد کرده شد، محدث و مخلوق آمدند،[4] و مخلوق غیر خالق باشد. چون غیریت لازم شد، در ترک هر دو را برابر داشتند؛ بلکه ایشان چنان می‌گویند: به نزدیک ما این آخرت هم از دنیا است. وآنچه می‌گویند بادله و براهین می‌گوید: بنا بر آنکه مصطفی، صلوات الله علیه،[5] از نفخ[6] صور و طامه کبری[7] شرح می گفت که «خلق قیامت همه عور و برهنه و گرسنه و تشنه باشند. عایشه، رضی الله عنها،[8] سؤال کرد[9]: یا رسول الله، زنان همه برهنه باشند ؟ گفت: آری یا عایشه، اما در آن وقت مرد نداند که مرد است و زن نشناسد[10] که وی[11] زن است». یعنی همه مشغول قیامت باشند که هیچ کس را از احوال خود پروای کس نباشد. پس بر این دلیل وقت حساب و عبور[12] بر[13] صراط هم مشغولی به غیر حق باشد،[14] یعنی خلق قیامت مشغول باشند تا افعال و احوال و حرکات و سکنات

---

[1]- آن را F : - M I
[2]- که M : - I
[3]- وسط M : - I
[4]- است M : - I
[5]- و آله و سلم M : - I
[6]- نفخه M : - I
[7]- الکبری M : - I
[8]- رضی الله عنها F : - M : - I
[9]- گفت M : - I
[10]- نشناسد I : نداند M
[11]- وی I : - M
[12]- صور M : - I
[13]- و M : - I
[14]- باشند M : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران مصوبهٔ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ایشان بر موافقت امور الهی و رضای پادشاهی می‌افتد یا نه. دیگر، عقبی که عاقبت کار کافران و مسلمانان است، و مراد از آن بهشت و دوزخ است، که آن را غیب غیب می‌گویند، و کار خلایق و مأوای ایشان از این بیرون نیست، آنها را که مؤمنان و[۱] مسلمانان‌اند، مأوی بهشت آمد، چنان که خداوند[۲] تعالی در کلام مجید خود می‌فرماید، که «و نهی النفس عن الهوی فان الجنه هی الماوی»، و آن را وعده به[۳] حور و قصور و غلمان و ولدان و کوشک و ایوان می‌دهد. لابد چون خداوند این همه وعدها به غیر خود داد، معلوم می‌شود که خیرات و طاعات ایشان مر خداوند را، جل‌جلاله، خاص نبوده است. لاجرم خداوند تعالی[۴] ایشان را به مراد و مقصود و مطلوب ایشان رسانید و به غیر خود مشغول[۵] گردانید. پس بهشت نیز به حقیقت[۶] دنیا آمد، به دلیل حدیث[۷] مصطفی، علیه الصلوه و السلام، که[۸] «الدنیا ما شغلک عن الله». و آنها که کافران و منافقان‌اند، مأوای ایشان دوزخ آمد، چنان که حق،[۹] سبحانه و تعالی،[۱۰] از حال ایشان خبر می‌دهد، که «و آثر الحیوه الدنیا فان الجحیم هی المأوی». پس گوئیا مراد از اسم دنیا هم در دنیا نزدیکی جستن بوده است به دوزخ،[۱۱] یعنی هر که بر گزید هوا را بر خدا، و حیوه[۱۲] او به نعمت و حرمت و یا به حشمت و مفاخرت باشد. او[۱۳] نزدیک باشد به دوزخ، و این دوزخ از آخرت بیرون نیست. پس اینجا دنیا را در آخرت بدین معنی محل پیدا شد. و الله اعلم!

---

[۱]- مومنان و F: - I M

[۲]- خدای M: - I

[۳]- به F: - I M

[۴]- سبحانه و M: - I

[۵]- خوش دل M: - I

[۶]- به حقیقت نیز M: - I

[۷]- قول M: - I

[۸]- صلی الله علیه و آله M: - I

[۹]- خداوند M: - I

[۱۰]- و تعالی F: - I M

[۱۱]- مراد از اسم دنیا دوری جستن بوده است از خدا و نزدیک شدن به دوزخ (پر از « اسم دنیا » عبادت « هم در دنیا » نوشته شده که توسط کاتب خط خورده است M: - I

[۱۲]- به حیات M: - I

[۱۳]- او F: - I M

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ابلاغیهٔ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۶۴) سؤال: اکنون کیان‌اند که از این دو فریق بیرون اند؟ لابد اگر از[۱] اهل بهشت نباشند، از اهل دوزخ باشند، و اگر از اهل دوزخ نباشند، از اهل بهشت باشند؟ جواب: بدان که خداوند، سبحانه و تعالی، چنین می‌فرماید: «فاصحاب المیمنه ما اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه ما اصحاب المشئمه و السابقون السابقون اولئک المقربون». اهل تحقیق چنین گفته اند که اصحاب میمنه اهل بهشت باشند و اصحاب مشامه اهل دوزخ، و السابقون مقربان حضرت الوهیت که در دنیا خدا را،[۲] عز و علا،[۳] جز از بهر او عبادت نکرده باشند[۴] و به گوشهٔ چشم صورت و معنی به غیر او باز ننگریسته و به بهشت و دوزخ التفات نکرده و سه طلاق بر گوشهٔ چادر دنیا و آخرت بسته، تا لاجرم خداوند، سبحانه و تعالی[۵]، مر ایشان را در بارگاه حضرت عزت خود بار می‌دهد و مقرب حضرت الوهیت می‌گرداند و به هیچ خلق و مخلوق مشغول نمی‌کند.[۶] و در حق ایشان این تشریف می‌فرماید که «ألا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون»، یعنی مر ایشان را [۷]خوف[۸] دوزخ نیست[۹] و[۱۰] اندوه آنکه به بهشت[۱۱] مخلوقشان مشغول[۱۲] کند.

---

[۱]- از F : - I M
[۲]- خداوند M : - I
[۳]- جل عز و علا را M : - I
[۴]- نکرده اند M : - I
[۵]- و تعالی F : - I M
[۶]- خود را M : - I
[۷]- نه M : - I
[۸]- نه حزن M : - I
[۹]- باشد M : - I
[۱۰]- نه M : - I
[۱۱]- که M : - I
[۱۲]- است مشغول M : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بیت[1] :

در عشق توام چو پای در سنگ آید　　صحرای جهان بر دل ما تنگ آید

در دوزخ اگر وصل تو در چنگ آید　　ما را از همه بهشتیان[2] ننگ آید

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین الطیبین![3]

---

[1]- رباعیه M : - I

[2]- ز بهشتیان همه M : - I

[3]- الطاهرین M : - I

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل چهارم

نتایج

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اسفراینی در خانواده‌های اهل تصوف چشم به دنیا گشود و این یکی از دلایل گرایش او به تصوف بوده است. آموزش‌های اولیهٔ تصوف را در دوره جوانی نزد خانوادهٔ خود آخوخت. آشنایی با افرادی مثل پورحسن تأثیر زیادی بر گرایش اسفراینی به تصوف داشت. ارتباط وی با صوفیان بزرگ دورهٔ خود، مثل جورپانی و علی لالا هم موخب تکمیل آموزه‌های عرفانی او شد. دوستان اسفراینی با شناخت هر چه بیشتر وی خواستار به مکتوب کردن اندیشه‌ها و صحبت‌های او شدند؛ از جمله کتاب‌هایی اسفراینی به خواهش دوستانش نگاشت، کتاب " فی کیفیه التسلیک و الاجلاس فی الخلوه" است. فرقهٔ کبرویه با حضور وی در بغداد گسترش زیاد پیدا کرد به طوری که این شهر یکی از مراکز مهم کبرویه شد.

در اندیشه‌های اسفراینی نشانه‌هایی از افکار نوافلاطونی که در اسلام با نام اندیشه‌های عرفانی اسلامی مشهور است, دیده نمی‌شود. وی به ذکر اعتقادی راسخ دارد و آن را وسیله‌ای ضروری برای دستیابی به عالم کشف و شهود می‌داند؛ ذکری که همراه با عشق و درد و سوز باشد تا روح وروان عارف را مؤثر افتد. این گونه افکار وی تأثیر زیادی بر افرادی مثل علاءالدوله سمنانی داشته است.

به منظور در این پژوهش ما از سه نسخه استانبولی, فرانسوی و مرکز احیای ایران استفاده کرده-ایم.

نسخهٔ فرانسه نسبت به دو نسخهٔ دیگر به دلایل زیر کامل‌تر به نظر می‌رسد:

۱. متن آن کاملتر است و افتادگی کمتری دارد؛

۲. نظم صفحات آن بیشتر است؛

۳. نسخه استانبول دارای نقایصی دارد؛ مثلاً چند صفحهٔ آخر آن افتاده است و به نظر می‌رسد که برخی کلمات آن دستکاری و یا توسط اشخاصی احیاء شده‌است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴. نسخه مرکز احیای ایران هم به علت جدیدتر بودن آن نمی‌تواند بر نسخهٔ فرانسه ترجیح داده شود. بنابراین, نسخه فرانسهٔ را به عنوان نسخهٔ اصلی انتخاب کردیم.

در نسخه بدل‌ها موارد اختلاف جزئی وجود دارد. در نسخهٔ فرانسه و ایران تمام عناوین فصل‌ها به صورت عربی ذکر شده‌است؛ ولی عناوین نسخه استانبول تا حد زیادی فارسی است. در نسخهٔ ایران نیز شیعه بودن کاتب تا حدودی بر روند املایی نسخه مؤثر بوده‌است. مثلاً در جاهایی صفات اشخاص بزرگ مثل, رضی‌الله عنه را حذف کرده ویا تغییر داده‌است.

توفیق سبحانی و حسام‌الدین آق سو, هنگام فهرست کردن کتاب‌های فارسی کتابخانهٔ دانشگاه استانبول, پس از کاشف‌الاسرار به کتابی با عنوان **"منورالقلوب"** برخوردند و بدون آنکه آغاز و انجام این کتاب را با کاشف‌الاسرار و رسالهٔ روش سلوک و خلوت نشینی تطبیق دهند, آن را در فهرست کتابخانه وارد نمودند. این خطا از طریق فهرست ایشان در فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی استاد منزوی نیز وارد شد و منورالقلوب اثری تلقی شد که تا کنون شناخته شده نبود.

ما در این تحقیق متوجه شدیم که کتابی را که استادان فوق "منور القلوب" نام نهاده‌اند، در اصل ترکیبی از " کاشف‌الاسرار " و "منورالقلوب" است. این افراد بدون اینکه قسمت اول کتاب را با مجموعهٔ "کاشف‌الاسرار " مقایسه کنند, فقط با دیدن کلمهٔ «منور القلوب » در قسمت‌های میانی نسخه خطی استانبول، آن را به همین نام نهاده‌اند.

ما با تطبیق این نسخه با کتاب هرمان لندلت متوجه شدیم که این استادان به نامگذاری این نسخه توجه زیادی نکرده‌اند.

هرمان هم با در دست داشتن نسخهٔ فرانسه که کلمهٔ «منور القلوب» هم در آن وجود ندارد، کل مجموعهٔ «کاشف الاسرار» نام نهاد و بخش "منورالقلوب " را با نام « رساله در روش سلوک و خلوت نشینی» یا «فی کیفیه التسلیک و الاجلاس فی الخلوه» از نورالدین اسفراینی ثبت کرد که به نظر می‌رسد این نامگذاری نتیجهٔ تفکر شخصی هرمان است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران مصوبهٔ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ضمناً استاد منزوی نیز در فهرستوارۀ کتاب‌های فارسی نسخۀ استانبول را بـا نـام «منـور القلـوب» ضبط کرده است که باید اصلاح شود. بنابراین, این مجموعۀ خطی «کاشف الاسرار» و «منورالقلوب» با هم با دو نام متفاوت، منورالقلوب در کتابخانه استانبول و فهرستوارۀ دکتر منزوی و با نام کاشف‌الاسرار در کتاب آقای هرمان دیده می‌شود.

در فصل سوم، متن اصلی کتاب «منوالقلوب» که با مقایسۀ سـه نـسخه فرانـسۀ, اسـتانبول و مرکـز احیای ایران استخراج شده، به صورت تصحیح آورده شده است که ما آن را به عنوان متن اصلی کتاب «منور القلوب» ارائه داده‌ایم. در فصل چهارم هم تفاوت نسخه بدل‌ها به صورت مجموعه با ذکر شمارۀ سطر آنها جمع آوری شده است.

تفاوت بین نسخ در زیر نشان داده می‌شود.

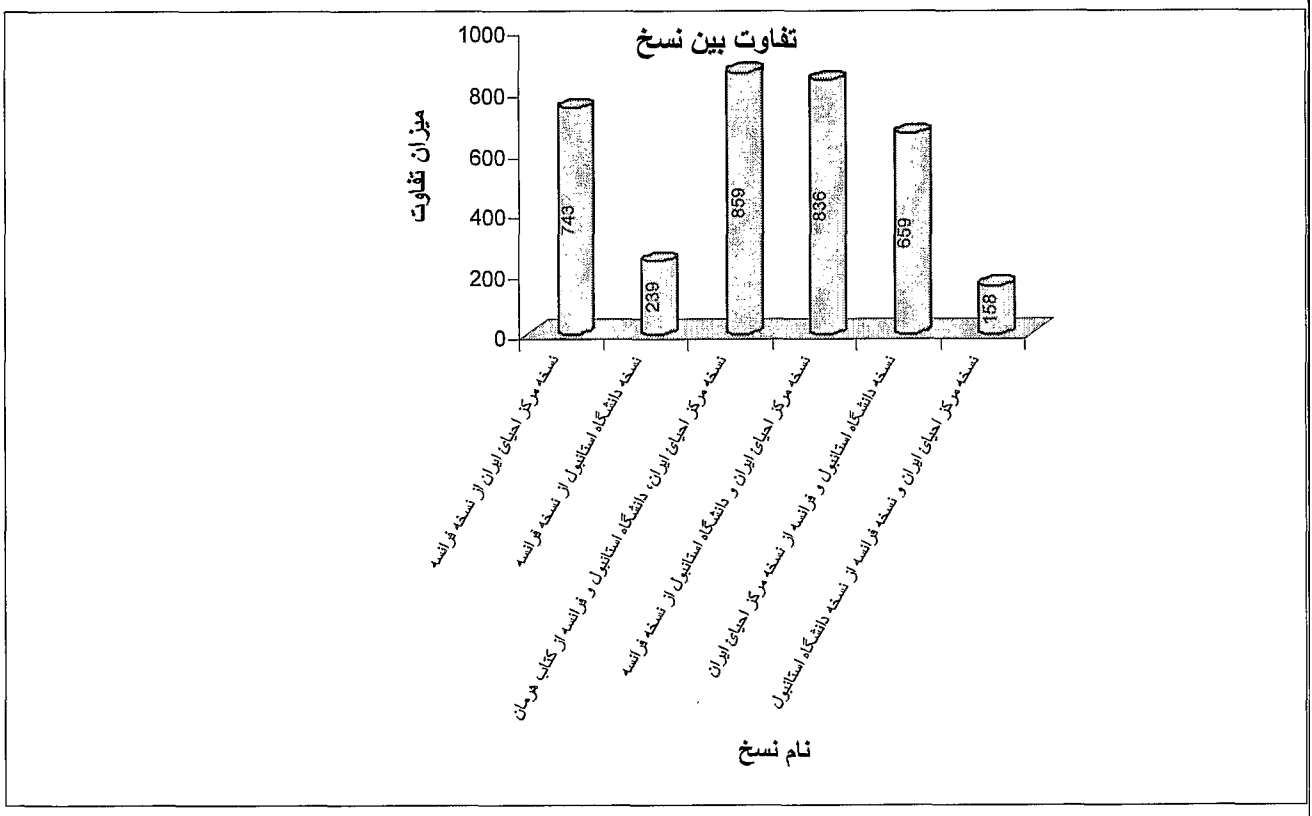

دسترسی به این مدرک بر پایۀ آیین‌نامۀ ثبت و اشاعۀ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارۀ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایۀ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تعلیقات

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ۹۸ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۳۸ / ۸ ابن عباس: عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف مکنی به ابوالعباس، مولد او مکهٔ مکرمه، به شعب ابی‌طالب آنگاه که مسلین و بنی‌هاشم بدانجا محصور بودند (سه سال پیش از هجرت). مادرش لبابه بنت حارث و حارث پسر عم رسول اکرم (ص) است. هنگام رحلت آن حضرت کودکی سیزده ساله بود. احادیث بسیار بدو نسبت کنند. در زمان خلافت امیرالمؤمین علی (ع) با آن حضرت به عراق رفت و در جنگ صفین حاضر بود. پس از شهادت علی(ع) از عراق به طائف هجرت کرد و تا زمان مرگ (۶۸ ه.ق) بدانجا ببود. خلفای عباسی از نسل او باشند(لغت نامه دهخدا).

۴۶ / ۱۳ ابوالحسن‌خرقانی: نام وی علی بن جعفر است. انتساب شیخ ابوالحسن در تصوف به سلطان العارفین ، شیخ ابویذید بسطامی است. و تربیت ایشان در سلوک از روحانیت شیخ ابویذید است. ولادت شیخ ابوالحسن بعد از وفات شیخ ابویذید به مدتی است و شیخ ابوالحسن شب شنبه، عاشورای سنهٔ خمس و عشرین و اربعمائه از دنیا رفته است.(نفحات الانس/ ۳۰۳)

۴۸ / ۶ ابوسعید ابن ابی‌الخیر: ابوسعید فضل الله بن ابی‌الخیر معروف بوسعید میهنه و پیر میهنه. اولین شیخ بزرگ صوفی است که سما و قول و غزل را در خراسان در بین صوفیه رواج داد. تاریخ ولادت درست در دست نیست. وفات وی در میهنه روی داد. بین ابیورد و سرخس، در چهارم شعبان سال ۴۴۰ و مدت عمرش هزار ماه تمام بود یعنی هشتاد و یک سال و چهار ماه و بدین‌گونه ولادتش در ماه محرم ۳۵۷ واقع شده است (اسرار التوحید، ۱۵و ۳۵۶).

۵۸ / ۱۶۰ اتّخذوا الایادی عند الفقراء فإنّهم أصحاب الدوله یوم القیامه! : « محمد (ص) به پیشگاه درویشان راه یابید که آنان دولتمندان روز رستاخیزند.» (کاشف الاسرار ، ۱۲۷ ؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۶)

۷۴ / ۸ احمد جورپانی: شیخ جمال‌الدین احمد جورپانی (جورفانی) (متوفی ۶۶۹/۶۶۷) از اصحاب شیخ رضی‌الدین علی لالا و یکی از استادان عبدالرحمن اسفراینی و یکی از مشایخ بزرگ کبرویه است. شیخ رکن‌الدین علاءالدوله گفته است که: « شیخ احمد عجب مردی ذاکر بوده است. مرتبه‌ای عالی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دارد. من در غیب مرتبهٔ سلوک او را مناسب یافتم با شیخ ابوالحسن خرقانی و از آن شیخ رضی‌الدین علی‌لالا را با سلطان بایزید.» (نفحات الانس، ۴۳۹ ؛ کاشف الاسرار ، پانزده)

۱۹ / ۸ ادّ لکل ذی حقّ حقهّ : «حقّ هر حقداری را به وی باز گردانید» (مرصاد العباد،۱۴؛ کاشف الاسرار، ۱۱۱؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی،۲۰).

۵۹ / ۳ إذا رأیت لی طالباً فکن له خادماً: « (حدیث قدسی) « به داود (ع) خطاب کردند: » هر کجا یکی از طالبان ما را دیدی پس خدمتگزار او باش» (روح، ۳۳۵ و۷ و ۶ ؛کاشف الاسرار ۱۳۸).

۴۸ / ۱۳ إذا رأیتم الرجل طویل الصمت فاجلسوا الیه فإنّه یلقّن الحکمه: « محمد (ص) چون مردی بینی که سکوتش طولانی است، با او مجالست کن، که او حکمت آموزاند» (سائر، ۳۱۸ ؛ کاشف ،۱۳۱؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۹).

۷۲ / ۹ اذاکان الغالب ذکری علی عبدی عشقنی و عشقته: (حدیث قدسی) «چون یاد من بر بنده‌ام غالب گردد، او بر من عاشق شود و من نیز بدو.» (کاشف الاسرار، ۱۰۰،۱۴۶؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۴).

۶۳ / ۳ از نماز هر کسی آن مقدار نویسد که دل در وی حاضر باشد: (کاشف الاسرار، ۱۴۰).

۴۷ / ۹ إسباغ الوضوء فی الشبوات : « کمال وضو در هنگام بامداد خنک است» (سائر، ۳۱۴ ؛کاشف،۱۳۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۴۰).

۶۲ / ۱۱ أشبع الزنجیّ وکدّه: ؟ (کاشف الاسرار، ۱۴۰).

۷۱ / ۶ اصحابی کالنجوم، بایهم اقتدیهم اهتدیهم: «محمد (ص) اصحاب من چون ستارگانند، به هر یک اقتدا کنید» (کنوز الحقائق، ۱۳ به نقل از احادیث مثنوی، ۱۹؛ کشف‌الخفا ۱۳۲/۱؛ المبسوط ۱۶/ ۸۳؛ المغنی ۵۳۵/۳ ؛ کاشف الاسرار ،۱۴۵؛ تعرف، ۵۵۶؛ تمهید،۲۸، ۲۰۱؛ تصفیه، ۴۰؛ مقامات،۹؛ مرصاد العباد، ۲۵۳؛ فیه مافیه ،۱۲۹؛ سلطان ولد،۴۶؛ مشارق، ۵۳۵؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۲) مولانا جلال‌الدین نیز در مثنوی بارها به این حدیث اشاره کرده‌است (۱، ب ۳۶۵۶):

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران، در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گفت پیغمبر که اصحابی نجوم　　رهروان را شمع و شیطان را رجوم

۷۴/ ۱۴ أعدی أعدائک نفسک... : «محمد (ص) دشمن ترین دشمنان تو، نفس توست در میان دو پهلوی تو.» (کاشف‌الاسرار ، ۱۴۸ ؛ کشف‌الاسرار، ۲۶۰؛ تمهید،۱۴؛ تصفیه،۵۵،۱۸۸؛ صوفیه، ۵۴، ۱۱۷؛ مرصاد، ۱۷۳؛ مناهج،۱۴۶،۳۵۹؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۷)

۶۰/ ۹ أفشاء سرّالربوبیّه کفر : «افشای راز خداوندی کفر است. هر کس آن را شناخت شناخته است و هر کس نشناخت، نشناخته است.» (کاشف الاسرار، ۱۳۹؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۶۲).

۴۰/ ۴ افضل الذکر لااله‌الاالله : «محمد (ص) بهترین ذکر لااله‌الاالله است و بهترین دعا الحمد لله.» (کاشف، ۱۲۵؛ سائر،۳۳۱؛ مناهج، ۸۳ ؛ محمد ناصر الدین الالبانی، سلسله الاحادیث الصحیحه، ۴۸۴؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۶۳).

۵/۷۷ اکلها دائم و ظلها تلک عقبی الذین اتقوا و عقبی الکافرین النار: از اوصاف بهشت که به اهل تقوا وعده فرموده شده، این است که نهرهای آب در باغ‌هایش جاری است، میوه‌ها و سایه‌هایش دائمی است؛ این سرانجام پرهیزکاران است و سرانجام کافران، سوختن در آتش جهنم می‌باشد. (رعد، ۳۵)

۳۹/ ۱۰ ألا أنبئکم بخیرأعمالکم وأزکاها عند ملیککم و...: «محمد (ص) آیا به شما از نیکوترین، پاکترین و برترین اعمالتان در پیشگاه خدا خبر دهم؟ از عملی که برتر از بخشش زر وسیم و رویارو شدن با دشمن، جهاد با آنان و شهادت به دست آنان است. گفتند: ای پیامبر خدا آن چیست؟ گفت: یاد خدا» (کاشف‌الاسرار، ۱۲۵؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۶۸).

۱/۴۵ الا بذکر الله تطمئن القلوب: [هدایت یافتگان] کسانی هستند که ایمان آورده و نیز دلهاشان با یاد خداوند آرامش و اطمینان می‌یابد. [ای مردم] بدانید و آگاه باشید که دلها تنها با توجه مدام به ذکر و یاد خداوند [در نیّت و عمل] آرامش می‌یابند. (رعد، ۲۸)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲۸ / ۱۳ الاحسان ان تعبد الله کأنّک تراه: «محمد (ص) احسان آن است که خدای را چنان عبادت کنی که گویی او را می بینی، و اگر تو او را نتوانی ببینی او تو را می بیند.» (رتبه،۶۲،۵۵،۵۴،۵۳؛ مرصاد،۴۴۵،۳۰۵،۲۹۹؛ مشارق،۴۸۲،۴۸۰،۴۷۹؛ مناهج،۱۸۴؛ مناقب،۸۰۲؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۳)

۴۵ / ۲ الاطمینان صفه‌القلب: «آرامش صفت دل است. »(کاشف‌الاسرار، ۱۲۸؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۵)

۱۰/۷۹ ألا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون: آگاه باشید که به اولیاءالله نه بیمی می‌رسد و نه اندوهگین شوند. (یونس، ۶۲)

۶۵ / ۶ التعظیم لأمرالله والشفقه علی خلق الله: «این ضعیف [عبدالرحمان اسفراینی] را نیت الله است. نیت این ضعیف بزرگداشت فرمان خداوند و مهربانی بر خلق خداست.» (کاشف، ۱۴۲،۲۹؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۹۳)

۶۷/ ۶ الدنیا جیفه و طلبها کلاب: ؟ (کاشف الاسرار، ۱۴۳)

۶۴/ ۱ الدنیا ساعه فاجعلها طاعهً : «دنیا ساعتی بیش نیست آن را به طاعت حق بگذران.» (کاشف، ۱۴۱؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۴۵)

۶/۷۸ الدنیا ماشغلک عن‌الله: «محمد (ص) دنیا آن است که تو را از خدا باز دارد.» (کاشف...:۱۵۱: فرهنگ مأثورات متون عرفانی/ ۲۴۷)

۶۳ / ۱۴ الدنیا مزرعه‌الآخره: «محمد (ص) دنیا کشتزار آخرت است آن چنان که می‌کارید می-درویدید.» احتمالاً این کلام مثل سائر بوده و بعدها به عنوان حدیث نبوی شهرت یافته است. (عوالی اللئالی، ۲۷/۱ و نیز: احیاءالعلوم، ۱۴/۴؛ کنوزالحقائق، ۶۴ به نقل از احادیث مثنوی، ۱۱۲؛ کشفالخفا، ۱ / ۴۱۲؛ همچنین نک: مکتوبات، ۹۴؛ معارف سلطان ولد، ۶ ؛ فیه مافیه، ۴۸؛ مجالس سبعه، ۱۱۵؛ کاشف‌الاسرار،۱۴۱؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۴۷)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴۷/ ۵ الدین النظافه: «محمد (ص) دین پاکیزگی است.» (کاشف، ۱۳۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۴۸)

۱/۴۳ الذکر طریق الحقّ... : ؟ (کاشف‌الاسرار، ۱۲۷)

۵/۶۵ الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم: ای کسانی که ایمان آورده‌اند! بسیاری از علمای یهودی و کشیشان مسیحی اموال مردم را بنا حق می‌خورند و [نیز] مردم را از راه خدا باز می‌دارند. [ای پیامبر] کسانی را که از زر و سیم، گنجینه‌ها فراهم می‌آورند و در راه خدا صرف نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارت ده. (توبه، ۳۴)

۵/۳۸ الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم: [خردمندان] همان کسان هستند که [در همه حاتها] ایستاده، نشسته و به پهلو آرامیده به ذکر خداوند مشغولند و در بارهٔ آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند [و می‌گویند]: «آفریدگار_پروردگارا، این هستی عظیم را به باطل نیافریده‌ای، ذات اقدست جز به حق اقدام نمی‌فرماید، پس [به لطف و کرمت] ما را از عذاب آتش جهنم مصون بدار!» (آل عمران، ۱۹۱)

۵۱/ ۱۱ الرضا بالقضاء باب الله الأعظم: «محمد(ص) رضا به قضا در بزرگ خداست.» (کاشف، ۱۳۳؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۶۰).

۶۶/ ۵ الصوفی غیر مخلوق: ؟ (کاشف‌الاسرار ۱۳۹).

۹/۵۱ الصوم جنه: «محمد (ص) روزه سپر است یعنی حجاب است از هر چه غیر خداست.» (کاشف، ۱۳۳؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۰۳).

۵۱/ ۲ الصوم لی وأنا أجزی به: «محمد (ص) روزه مرا است و پاداش روزه من هستم.» (کاشف، ۱۳۲؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۰۴).

۴۷/ ۹ الطهور شطرُ الایمان: «پاکی یک نیمهٔ ایمان است.» (کاشف، ۱۳۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۱۲).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱/۴۶ الفقر فخری: [و به افتخار] حدیثی است از پیامبر اسلام و عارفان در معنی فقر در این کلام سخنها گفته‌اند و روایات و حدیثهای بسیار در این مسئله آمده است. فقر محمدی که در این حدیث آمده نیاز به حق و بی نیازی از خلق است. (تذکره الاولیاء ، ۱۳۷).

۶/۲۸ المرء یطیر بهمته کالطیر بجناحیه: «مرد با همتش پرواز کند، چنان که پرنده با دو بالش» (کاشف، ۱۱۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۴۸۴).

۶/۲۲ الم نخلقکم من ماءٍ مهینٍ: سپس نطفه را در قرارگاه امن رحم مادر ها قرار دادیم (المرسلالت، ۲۰).

۷/۳۴ ألم نشرح لک صدرک و وضعنا عنک وزرک: [ای پیامبر] آیا ما سینه‌ی تو را برای [درک معارف الهی و] تحمل رنجهای رسالت وسعت نبخشیدیم؟ و بار سنگین رسالت را [با ارسال امدادهای غیبی و وزارت علی علیهالسلام] از پشت تو برنداشتیم؟ (الشرح ، ۱ الی ۲).

۸/۳۰ أنا خیر منه: خداوند فرمود: «[ای ابلیس] چه چیزی مانع از اطاعت امر الهی و احتزاز تو از تعظیم شد؟» [ابلیس] گفت: «من از آدم بهترم، زیرا مرا از [جنس] آتش و او را از خاک آفریدی.» (اعراف، ۱۲).

۳ /۲۷ الناس معادن کمعادن الذهب و الفضه: «محمد (ص) مردم معدن‌هایی همانند معدن‌های طلا و نقره‌اند، بر گزیدگان آنان در جاهلیت بر گزیدگانشان در اسلام است.» (کاشف الاسرار، ۱۱۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۶۱).

۱۴ /۷۰ الناس علی دین ملوکهم: «مردم از آیین پادشاهان خود پیروی می‌کنند.» (احادیث مثنوی، ۲۸؛ کاشف الاسرار، ۱۴۵)

۷ /۴۷ الوضوء علی الوضوء نور علی نور: «محمد(ص) وضو از پی وضو، روشنی است از پی روشنی.» (کاشف، ۱۳۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۹۲)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران ابلاغی (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۰/۷۲ آناء اللیل و اطراف النهار: (اشاره است به آیهٔ ۱۳۰ از سورهٔ ۲۰ طه) پس [ای پیامبر] در برابر حرف‌های کفرآمیز و تهمت‌های ناروای مشرکان صبور باش؛ قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب و همچنین در طول شب و هنگام روز به ذکر شکر آفریدگار_پروردگارت مشغول باش تا احساس خوشنودی و آرامش الهی در تو پیدا شود. (طه، ۱۳۰)

۱۴/۳۵ إن أکرمکم عندالله أتقاکم: ای مردم! بدانید که ما شما را از یک مرد و زن [به نام‌های آدم و حوا] آفریدیم و برای شما تبار و قبیله و ملیت مقرر فرمودیم تا یک دیگر را به وسیلهٔ همین تفاوت‌های ظاهری بازشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست و خداوند آن دانای مطلع از امور بندگان است. (حجرات، ۱۳)

۸/۶۸ ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه: خداوند جان‌ها ومال‌های مؤمنان را در برابر نعمت بهشت خریداری فرمود: آنها در راه خداوند کارزار می‌کنند ، می‌کشند یا کشته می‌شوند. این وعده [ی بهشت] که ذکر آن در تورات و انجیل و قرآن آمده کاملا حق است وحقیقت دارد و تحقق آن بر عهدهٔ خداوند می‌باشد و چه عهد و قولی استوار تر از عهد خداوند است؟ پس بشارت باد بر شما ای [ای مؤمنان] به معامله ای که با خداوند کردیده اید واین است آن توفیق بزرگ. (توبه، ۱۱۱)

۶/۶۲ إن الله تعالی فی عون العبد مادام العبد فی عون اخیه المسلم: «(محمد ص) خدای تعالی در کاری یاری بنده است، مادام که بنده در کار یاری برادر مسلمان خویش است.» (تصفیه، ۸۴؛ کاشف الاسرار، ۱۴۰)

۱۰/۴۵ إن عبادی لیس لک علیهم سلطان: «و مطمئناً تو را بر بندگان مخلص من هیچ تسلطی نخواهد بود، تسلط تو بر آن عده از گمراهانی است که [از طریق وسوسه‌هایت در نفس اماره‌شان] پیرو تو گردند گمراه شوند. (حجر، ۴۲)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران، آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۹/۵۷ إن فی ذلک لذکری لمن کان له قلبٌ: در سرگذشت و عاقبت آنها پند و اندرزی است برای آن کس که عقل دارد یا گوش به نصیحت می‌سپارد و با قدرت تجزیه و تحلیل بر وقایع گواهی می‌دهد. (ق، ۳۷)

۱۱/۷۰ إنّ فی جسد ابن آدم [الانسان] لمضغه إذا صلحت صلح بها سائر الجسد: «محمد (ص) در کالبد فرزند آدم [انسان] پارهٔ گوشتی است، چون اصلاح شود،بقیهٔ اعضا نیز به وسیلهٔ آن اصلاح گردد و چون فاسد شود، سایر اعضا نیز فاسد شود، آگاه باش که آن دل است.» (کاشف، ۱۴۵؛ تصفیه، ۱۹۰؛ حالات، ۳۱؛ مرصاد، ۱۸۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۳۶)

۲۹/ ۱۱ إنّ لربّکم فی أیّام دهر کم نفحات ألا فتعرّضوالها: (محمد ناصر الدین الالبانی، سلسله الاحادیث الصحیحه، ۵۱۲؛ کاشف الاسرار، ۱۱۸).

۷۱/ ۹ إنّ لکلّ شیء صقاله و صقاله القلوب ذکر الله: «محمد (ص) هر چیزی صیقل دهنده ای دارد و صیقل دهنده قلبها ذکر خداست.» (کاشف، ۱۴۶،۱۰۰؛ مرصاد، ۲۰۴؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۴۰)

۶۲/ ۳ إنّ ملوک الجنّه کلّ أشعث أغبر: «پادشاهان بهشت، پریشان روزگاران خاک آلوده ای هستند که چون [در دنیا] رخصت بطلبند، به آنان رخصت داده نمی‌شود، اگر نوری از آنان میان مروی روی زمین تقصیم شود، همگان را احاطه می کند.» (کاشف، ۱۴۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۵۴)

۳/۵۱ إنما یوفی الصابرون أجرهم بغیر حساب: [ای پیامبر!] بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از عدم اطاعت از او امر و احکام آفریدگار_پروردگارتان بپرهیزید؛ برای آنها که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیک مقرر فرموده شده. زمین خداوند پروسعت است [اگر از شکنجه و آزار کافران و مشرکان در عذاب هستید مهاجرت کنید] زیرا شکیبایان اجر و پاداش فراوان و به طور کامل دریافت می‌دارند.» (زمر، ۱۰)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۳/۲۲ انی جاعل فی الارض خلیفه: و چون آفریدگار ـپروردگار تو [ای پیامبر] به فرشتگان فرمود: «من در زمین از جانب خود حاکمی الهی خواهم گماشت» [فرشتگان] عرض کردند: «[آفریدگارـپروردگار] آیا در زمین موجودی را به سرپرستی می‌گماری که در آن به فساد و تباهی بپردازد و خون مردمان بریزد؟ و حال آنکه ما پاکی مطلق ذات اقدست را شکر می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم» خداوند فرمود: «همانا من دانای چیزهایی هستم که شما نمی‌دانید. (البقره، ۳۰)

۸/۳۹ أنا الحق: «من حق هستم» (نک: شرح شطحیات، ۲۹۱؛ کاشف، ۱۲۵؛ سوانح، ۲۰،۲۲،۵۰؛ وصیتنامه‌ها، ۹؛ تمهید، ۶۲،۱۱۹،۲۷۶؛ روح، ۱۳۲،۴۲۵؛ حالات، ۳۵؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۸۸)

۴۳/ ۵ أنا جلیس من ذکرنی: (حدیث قدسی) «من همنشین آن کسم که مرا یاد کند.» (کاشف، ۱۲۷؛ تمهید، ۲۴؛ روح، ۱۵۵،۳۳۵؛ تصفیه، ۳۷،۷۷؛ صوفیه، ۵۱،۱۱۵؛ شطح، ۳۲۹،۳۵۲؛ فیه، ۱۸۴،۳۳۷؛ مشارق، ۴۳۷؛ مناهج، ۱۸۳؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۹۲)

۳/۲۶ انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا: ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از قبول آن سرباز زدند و بیم ناتوانی در برابر مسئولیت داشتند، اما انسان آن را پذیرفت اگر چه [اکثریت این نوع مخلوق] به خود ستمگر و نادان هستند [و قدر مقام نعمت، جز توسط اقلیت یعنی مؤمنان، دانسته نیست]؛ (احزاب، ۷۲)

۶/۴۳ أنا مع عبدی الذاکر حین ذکرنی: (حدیث قدسی) «من با بندهٔ ذکر کنندهٔ خویشم آنگاه که مرا ذکر گوید» (کاشف، ۱۲۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۲۲).

۹/۶۹ : اوحدالدین کرمانی: شیخ اوحدالدین حامد بن ابی‌الفخر (۵۶۱ـ۶۳۵ه.ق) متخلص به «اوحد» از شعرا و عرفای نامدار ایران است. اوحدالدین در شانزده سالگی و در هنگامهٔ آشوب‌های کرمان و حملهٔ ترکان غُز از کرمان به اصرار مادرش گریخت. سپس در آنجا به تحصیل علم پرداخت و در فقه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران، آیا (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شافعی به درجهٔ «مَعیدی» رسید. سپس به تدریس پرداخت. بعدها به تصوف گرایش یافت و به ریاضت‌های سخت پرداخت. اوحدالدین مدت درازی از عمر خویش را نیز به مسافرت گذراند و با شیخ نجم‌الدین کبری و محیی‌الدین عربی و شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی و شمس تبریزی و مولانا جلالدین و برخی مشایخ دیگر هم عصر خود نیز دیدار کرد. ظاهراً محل دفن وی در بغداد است. (ر.ک: مقامات شمس، ۲۱۸/۱؛ مناقب اوحدالدین کرمانی؛ نفحات‌الانس، ۵۸۶؛ و نیز نک: رباعیات اوحدالدین کرمانی، مقدمه)

۱۵/۲۲ اوفوا بعهدی اوف بعهدکم: ای فرزندان اسرائیل! آن نعمت‌هایی را که به شما عنایت فرمودم به خاطر بیاورید و به پیمانی که با من داشتید وفا کنید تا من نیز به پیمان خود وفا کنم و تنها از من بترسید و بس. (بقره، ۴۰)

۶/۲۵ أو لائک کالانعام بل هم أضل: به تحقیق عده‌ی کثیری از جن و انسرا برای جهنم آفریدیم؛ آنها دل‌هایی دارند که حقیقت را نمی‌توانند درک کنند؛ دیدگانی دارند که [حقایق را] نمی‌توانند ببینند و گوش‌هایی دارند که از شنیدن [کلام حق] ناتوانند، آنها مانند چهارپایان‌اند بلکه گمراه‌تر، اینها به واقع افراد غافل و بی‌توجه به هشدارهای الهی هستند. (آعراف، ۱۷۹)

۸/۳۳ اوّل الوقت رضوان الله (و آخره عفو الله): «محمد (ص) (نماز) در اول وقت رضای خداست و آخر آن عفو او.» (کاشف، ۱۲۰/ فریقین، ۱۲۴؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۶۳)

۱۱/۵۶ : أولیاء الله عرائس الله فی الارض : « (بایزید بسطامی) اولیا عروسان خدا در زمین‌اند.» (مصباح/۴۱۶ : کاشف الاسرار/ ۱۳۶: فرهنگ مأثورات متون عرفانی/۱۶۶)

۱/۷۴ أولیاء الله لا یموتون و لکن ینقلون من دار الی دار: «(محمد ص) اولیای خدا نمی‌میرند بلکه از خانه‌ای به خانهٔ دیگر منتقل می‌شوند.» (تمهید، ۱۶۱؛ کاشف‌الاسرار، ۱۴۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۶۵)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵۶/ ۱۳ أولیائی تحت قبابی(قبابی، فی قبابی) لا یعرفهم سوائی: (حدیث قدسی) « اولیای من در زیر قبای» (قبه های سرا پرده) من‌اند.(کاشف، ۱۳۶؛ عبهر، ۵۳؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۶۶).

۱۰/۱۶ آه آه از تفاوت راه، دو آهنست: (کاشف‌الاسرار، ۱۱۶)

۵۱/ ۱۲ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم،لااله‌الا أنا، من لم‌یرض بقضائی و لم‌یصبر علی بلائی و لم‌یشکر علی نعمائی فلیخرج من ارضی و سمائی ولیطلب ربا سوائی.< بر اول لوح محفوظ نوشته‌اند:> **بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**، خدایی جز من نیست، هر کس به قضای من رضا ندهد، و به بلای من صبر نکند و در برابر نعمت‌های من شکر نگزارد، باید از زمین و آسمان من بیرون رود و خدایی جز من بجوید. (کاشف‌الاسرار، ۱۳۳؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۷۵).

۵/۳۷ تجوّع ترانی تجرّد تصل ألیّ <اوحی الله الی عیسی>: «(محمد ص) خدا به عیسی وحی کرد: گرسنه شو تا مرا ببینی، مجرد شو تا به وصال من رسی.» (مناهج، ۲۶۳؛ کاشف الاسرار، ۱۲۳؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۱۸۳).

۱/۶۲ تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم ولعدوان: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حرمت شعائر الهی را نگهدارید و بی‌حرمتی به آنها را حلال نشمرید: حرمت ماه حرام و قربانی‌های بی-نشان و قربانی‌های نشاندار که بر گردنشان بند نهاده‌اند و نیز حرمت آنها که از زیارت خانهٔ خدا نعمت و خوشنودی آفریدگار_پروردگارشان هر دو را می‌طلبند، نگهدارید. و چون از احرام بیرون شدید، صید کردن عیبی ندارد؛ کینه نسبت به اشخاصی که [در گذشته] مانع ورود شما به مسجدالحرام شده‌اند نباید سبب خصومت و تجاوز نسبت به آنها شود. شما باید در نیکی و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری و تعاون داشته باشید، ولی در گناه و تجاوز با یکدیگر همدستی نکنید و از عدم اطاعت خداوند بپرهیزید؛ همانا خداوند سخت کیفر است. (مائده، ۲)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲/۳۶ ثمّ رشّ علیهم من نورِه فمن: «محمد (ص) حق‌تعالی خلق را در ظلمت آفریده بعد از آن از نور خود ذرۀای چند بر آن افشاند همچون رشاش آب که بر چیزی افشانند. پس روح هر کسی که از آن ذره ها چیزی بدو رسید، هدایت یافت و هر که از آن نور چیزی بدو نرسید، گمراه شد.» (کاشف، ۱۲۲؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۰۵).

۵/۳۲ جذبه من جذبات الحق تؤازی عمل الثقلین: «جذبه‌ای از جذبه‌های حق برابر با اعمال آدمی و پری است» این سخن ظاهراً از ابو القاسم نصر آبادی (از صوفیان قرن چهارم) است و ضبط‌های مختلفی از آن نقل شده‌است.برخی نیز آن را حدیث شمرده‌اند. (کشف الخفا، ۳۳۲/۱؛ طبقات الصوفیه سلمی، ۳۶۵؛ و نیز احادیث مثنوی، ۱۱۹؛ کشف‌الاسرار، ۳۵/۱؛ اسرارالتوحید، ۲۹۴-۲۹۵؛ تعلیقات، ۶۶۶؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۰۹) مولانا در مثنوی می‌فرماید (۴، ب ۱۵۶۰-۱۵۶۱)

این چنین سیری‌ست مستثنی ز جنس کآن فزود از اجتهاد جن انس

اینچنین جذبی‌ست نی هر جذب عام که نهادش فضل احمد و السلام

۴/۵۵ جز یا مومن فإنّ نورک قد أطفألهبی: «(محمد ص) < در روز قیامت دوزخ گوید :> ای مؤمن از من بگذر که نور تو شعلۀ آتش مرا خاموش کند. » (تمهید، ۲۴۰؛ تذکره، ۳۶۴؛ روح، ۳۲۹؛ کاشف‌الاسرار، ۱۳۵؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی،۲۰۹)

۵/۲۹ جنید (بغدادی): سید الطائفه جنید بغدادی از طبقۀ ثانیه است. کنیت او ابوالقاسم است. و لقب وی قواریری و زجاج و خزار و مولد و منشأ وی بغداد است. مذهب ابوثور داشت؛ در جوانی از ابوثور (م ۲۴۰) فقه و حدیث فرا گرفت خود ظاهرا در حدود ۲۲۰ هجری به دنیا آمده بود. وفاتش در ۲۴۳ هجری بود. (نفحات الانس، ۷۹؛ اسرار التوحید، ۲۹۶؛ جستجو در تصوف ایران، ۱۱۵)

۳/۳۷ جوّعوا بطونکم و عطّشوا أکباد کم و غرّوا أجساد کم حتّی تری الله قلوبُکم عیاناً فی الدنیا: «محمد (ص) شکم‌های خود را گرسنه بدارید و جگرهایتان را تشنه و از [نیازهای] جسم خویً

دسترسی به این مدرک بر پایۀ آیین‌نامۀ ثبت و اشاعۀ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارۀ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایۀ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

غفلت ورزید تا دل‌های شما خدا را به عیان در دنیا ببیند.» (کاشف‌الاسرار، ۱۲۳؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۱۲)

۱۲/۶۱ حبّ المساکین و الفقراء من أخلاق المرسلین: «محمد (ص) دوست داشتن مسکینان و درویشان از اخلاق پیامبران است.» (کاشف، ۱۳۹؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۱۵)

۶/۴۹ حبب إلیه الخلاء حتی یتحنث إلی جبل الحراء أسبوعاً و أسبوعین: < عایشه دربارهٔ پیامبر گفته‌است:> دوستی خلوت در دل او نهاده شده است بدانسان که یک هفته و دو هفته در کوه حرا خلوت می‌گزیند. (کاشف الاسرار، ۱۳۱؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۱۵)

۵۴/ ۷ حسنات الابرار سیّئات المقرّبین: ابو سعید خراز مولف اللؤلؤالمرصوع آن را جزو موضوعات آورده و در اتحاف الساده المتقین به ابو سعید خراز نسبت داده شده است. (احادیث مثنوی، ۶۵) «نیکویی ابزار، گناه مقربان باشد.» (کاشف، ۱۳۴؛ قشیریه، ۹۴؛ معارف، ۱، ۴۱۷؛ شمس، ۱۷۱؛ مرصاد، ۲۵۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۲۰)

۸/۶۸ حور مقصورات فی الخیام: حوری‌های زیبا در خیمه های بهشتی خود را از چشم نا محرمان محفوظ می‌دارند. (الرحمن، ۷۲)

۳/۲۳ خلق الانسان ضعیفا: خداوند اراده دارد که بار [مجازات] شما را سبک فرماید، زیرا انسان موجودی کم طاقت و ضعیف آفریده شده است. (نساء، ۲۸)

۲۵/ ۱۲ داود (علیه‌السلام): صاحب فضل‌الخطاب و پادشاه بنی‌اسرائیل و از انبیاء آن قوم و پدر سلیمان و پیامبری و سلطنت را همچون پسرش سلیمان جمع داشت در بیت لحم به سال ۱۰۸۶ / ۱۰۷۱ ق.م بزاد. (لغت نامه دهخدا ، ۱۰۴۳۱، ذیل داود)

۱۱/۷۷ و زن نشناسد که وی زن است: (کاشف الاسرار، ۱۵۰)

۷۲/ ۴ ذکر الله اکبر من کل عباده سواه: ابن عباس در تفسیر آیه: « ذکر خدا از هر عبادتی جز آن بزرگتر است.» (کاشف، ۱۴۶؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۵۰)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۲/۵۵ رُبَّ أشعث أغبر ذی طمرین: (محمد ص) بسا خاک آلودهٔ خلقان جامه که اگر سوگند بر خدای دهد، خدای سوگندش اجابت کند. یکی از آنان است براء بن عازب (ابی‌القاسم علی بن بلبان المقدسی، المقاصد السنیه فی الاحادیث الالهیه، ۸۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۵۶)

۷۴/ ۱۵ رجعنا من الجهاد الأصغر إلی الجهاد الأکبر: (محمد ص) بازگشتیم از جهاد خردتر یعنی غزو، به سوی جهاد بزرگ‌تر. گفتند: یا رسول الله! جهاد بزرگ‌تر کدام است؟ فرمود: مجاهدت نفس. (فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۵۸؛ کاشف‌الاسرار، ۱۴۸)

۲/۴۱ رضی‌الدین علی لالا : و هو علی بن سعید بن عبدالجلیل اللالاء الغزنوی که پدر شیخ علی لالاء است. یکی از بزرگان کبرویه است. علی لالا در خوارزم در وقتی که شیخ کبری سی و پنج ساله و خود وی در اول جوانی بوده است به خدمت شیخ کبری رسیده است. تاریخ ولادتش در حدود ۵۵۵ بوده است. علی لالا در سوم ربیع‌الاول سنهٔ ۶۴۲ در قریهٔ جورفان در اسفراین وفات کرد و همان جا مدفون شده است. (نفحات الانس، ۴۳۷، ۴۳۸؛ دنباله جستجو در تصوف ایران، ۱۰۳، ۱۰۴)

۱۱/۵۹ رکعتان من رجل زاهد قلبه مع الله أحبّ إلی الله تعالی من عباده المتعبّدین إلی آخر الدهر سرمداً: «محمد (ص) دو رکعت از مرد زاهد که در او با خدا ست در نزد خدای تعالی از عبادت همهٔ آنان که تا پایان روزگار خدا را عبادت کنند، دوست داشتنی‌تر است.» (کاشف، ۱۳۸؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۶۲)

۶/۵۰ سبعه یظلّهم الله فی ظلّه : «هفت تن را خداوند در سایهٔ خویش پناه دهد، روزی که سایه‌ای جز سایهٔ اونیست». (کاشف، ۱۳۲؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۷۳)

۹/۵۶ سکوتٌ نظّارٌ غُیّبٌ حضّارٌ ملوک تحت أطمار: «[عارفان] خاموشان تیز نگرند، غایبان حاضرند، پادشاهان ژنده پوشان.» (کاشف، ۱۳۶؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۲۷۶)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲/۶۶ سه چیز با بنده به لب گور آید، دو باز گردد و یکی با وی در خاک شود. گفتند سه کدام باشد یا رسول الله؟ گفت: مال و فرزندان و حسنات؛ حسنات با وی بماند و دیگران از وی باز گردند.

۱۳/۵۶ سیف‌الدین باخرزی: سیف‌الدین سعید بن المطهر بن سعیدالباخرزی از خلفای شیخ نجم‌الدین کبری است. بعد از تحصیل و تکمیل علوم به خدمت شیخ آمده و تربیت یافته است. سیف‌الدین باخرزی ظاهرا در شعبان سال ۵۸۶ ولادت و در ذوالقعدهٔ سال ۶۵۹ وفات یافته است. وی بیشتر به سبب رباعیاتش مشهور شده است. هر چند همچون نجم‌الدین رازی و مجدالدین بغدادی غیر از این مجموعهٔ رباعیات، آثار دیگری هم در تصوف دارد؛ به هر حال رسالات او نیز مثل آثار نجم‌الدین رازی و مجدالدین بغدادی معرف طریقهٔ تصوف نجم‌الدین کبری است. سیف‌الدین باخرزی بنا به بعضی روایات آثار زیادی داشته است؛ از جمله وقایع الخلوه، مجموعهٔ رباعیات و اثر دیگر وی با نام رساله‌ای در باب عشق که ظاهرا متضمن خواطر خلوت و موافق با رسم و شیوهٔ شیخ کبری در تحریر و تعلیق احوال خلوت است. (نفحات الانس، ۴۳۳؛ دنباله جستجو در تصوف ایران، ۱۰۹، ۱۱۰)

۹/۵۳ شرف‌الدین ادکانی: ؟ (کاشف الاسرار، ۱۳۴)

۷/۵۱ شیطان در تن آدمی روان است چون خون در رگ، راه گذر وی بسته نشود مگر به گرسنگی.

۹/۷۷ عایشه رضی‌الله عنها: یکی از خانم‌های پیغامبر اسلام و دختر ابوبکر خلیفه اول. (تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ۱۲۸۹)

۳/۶۴ عبدالرحمن اکاف: نام وی در کتاب النقض (۵۳) عبدالجبار است. ظاهراً معاصر سنجر سلجوقی بوده و در یک آشوب مذهبی کشته شده است. (تذکره الاولیاء، ۸۲۵)

۱۰/۲۶ عبدالله انصاری: ابواسماعیل عبدالله بن ابی‌منصور محمد الانصاری‌الهروی. ابومنصور محمد نام داشت و به ابواسمعیل معروف بود. لقب وی شیخ‌الاسلام است. وی از فرزندان ابومنصور متالانصاری

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است و نسب خویش را به ابوایوب انصاری از صحابهٔ رسول می‌رسانید. وی در دوم شعبان سنهٔ ۳۹۶ و به قولی ۳۹۵ به دنیا آمد. جامی از قول وی نقل می‌کند که در کودکی یتیم شد و از این رو یحیی بن عمار شیبانی واعظ و ابواسمعیل احمد بن محمد بن حمزه معروف به شیخ عمو، در تربیت وی همت گماشتند. در سال ۴۱۷ در طلب حدیث به نیشابور رفت و در بازگشت یک چند در خانقاه شیخ عمو به عبادت و کسب علم پرداخت. بعد از آن با مشایخ بزرگ، از جمله ابوالحسن خرقانی و شیخ ابوسعید ابوالخیر در نیشابور ملاقاتی داشت. روایات نشان می‌دهد که در مذهب حنبلی تعصب تمام داشت. وی همیشه مشغول به تفسیر قرآن بود و تا آخر عمرش هم مشغول به تدریس تفسیر قرآن بود. وی آثار زیادی در زمینهٔ تصوف داشت؛ از جمله ذم الکلام و اهله که در باب اشاعره و معتزله است. وی طبقات-الصوفیهٔ ابو عبدالرحمن سلمی را به زبان هروی و کتاب الاربعین فی دلایل التوحید_ که مجموعه‌ای از احادیث نبوی که جنبهٔ تجسیم تفکر کلامی وی را نشان می‌دهد_ تألیف کرده است. مهم‌ترین اثر وی در تصوف کتاب منازل السائرین است. بیشترین شهرت شیخ به سبب مناجات نامه او ست که به نثر مسجم و روان فارسی نوشته شده‌است. از دیگر آثار فارسی که به وی منسوب است از کنزالسالکین، قلندرنامه و محبت نامه باید یاد کرد. (نفحات الانس، ۳۳۶-۳۳۷؛ جستجو در تصوف ایران، ۷۳-۷۹)

۳/۶۴ علی مؤذن: علی مؤذن خراسانی از گویندگان قرن یازدهم هجری و اسمش شیخ محمد علی بود، از اکابر فضلا و اماجد عرفا از سلسلهٔ جلیلهٔ ذهبیهٔ کبرویه. با شاه عباس صفوی معاصر بود و رسالهٔ تحفه العباسیه را به نام وی تصنیف کرد. (لغت نامه دهخدا، ۲۱۷۶۵، ذیل مؤذن.)

۵/۳۷ عیسی (علیه‌السلام): عیسی بن مریم، عیسی پیغامبر (ع)، مقلب به روح‌الله از پیامبران بزرگ است. عمری وی ۳۳ سال و روز تولد او مبدأ تاریخ هجری می‌باشد. مسلمانان او را از زمرهٔ پیغمبران اولوالعزم دانند. (لغت‌نامه دهخدا / ج ۱۱،ذیل عیسی)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲/۳۸ فاذکرون أذکرکم: پس مدام متوجه و متذکر من باشید [با دعا و ذکر و عمل صالح] تا به شما توجه و عنایت داشته باشم و شکر نعمت‌هایی را که بر شما ارزانی داشتم به جای آورید و [نسبت به من] ناسپاس نباشید. (بقره، ۱۵۲)

۲/۳۲ فاذکرونی أذکرکم و اشکر والی ولاتکفرون: پس مدام متوجه و متذکر من باشید [با دعا و ذکر و عمل صالح] تا به شما توجه و عنایت داشته باشم و شکر نعمت‌هایی را که بر شما ارزانی داشتم به جای آورید و [نسبت به من] ناسپاس نباشید. (بقره، ۱۵۲)

۴/۳۸ فاذکرا الله عند المشعر الحرام: گناهی بر شما نیست که از فضل و کرم آفریدگار-پروردگارتان بهره‌مند شوید و هنگامی که از عرفات کوچ کردید، در مشعرالحرام (مزدلفه) ذکر خداوند را بر زبان جاری کنید و خداوند را به پاس آنکه پیشتر از گمراهان بودید و هدایتتان فرمود، یاد کنید؛ (بقره، ۱۹۸)

۴/۳۸ فاذکرا الله کذکرکم آباءکم أو أشد ذکراً: و هنگامی که آداب زیارت حج را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید همان گونه که از پدرانتان در پایان حج یاد می‌کردید بلکه از آن هم بیشتر [زیرا باید شکر نعمت هدایت خداوند را به جای آوردید] برخی از مردم، تنها دعاشان این است: «خدایا در دنیا به ما سعادت و نعمت عطا کن» و این گونه افراد، در آخرت بهره‌ای نخواهند داشت؛ (بقره، ۲۰۰)

۵/۳۸ فاذکرا الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبکم: پس چون [در میدان جنگ] نماز [خوف] با احتیاط‌های لازم خوانده‌شد، در حال ایستاده و نشسته یا هنگامی که به پهلو خوابیده‌اید به تسبیح و ذکر خداوند مشغول باشید و همین که آسوده خاطر و ایمن شدید، نماز را به صورت معمول به طور کامل برگزار کنید، زیرا انجام فریضه‌ی نماز در اوقات معین بر مؤمنان واجب مقرر گشته است. (نساء، ۱۰۳)

۱۴/۷۸ فاصحاب المیمنه ما اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه ما اصحاب المشئمه و السابقون السابقون اولئک المقربون: نخست، گروه اصحاب دست راست هستند، چه گروه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران، ابلاغ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خوشبختی! [نامه اعمالشان در دست راست آنهاست و به بهشت وارد می‌شوند.] گروه دیگر اصحاب دست چپ هستند، چه گروه بدبختی! [نامه اعمالشان در دست چپ آنهاست و به جهنم وارد می‌شوند.] و گروه دیگر پیشگامان‌اند، که سرآمدان ایمانداران‌اند: این مقربان الهی، [پیامبران و اولیاء] هستند. (الواقعه، ۸-۹-۱۰-۱۱)

۱۴/۷۱ فاعرض عمن تولی عن ذکرنا: پس [ای پیامبر] از این مردمانی که از کلام ما، [قرآن مجید] رویگردان هستند و جز در طلب دنیا نمی‌باشند دوری گزین. (نجم، ۲۹)

۲/۷۱ فاوحی الی عبده ما اوحی: از آن فاصله ی نزدیک بود که خداوند پیامش را به بنده‌اش، آن گونه که اراده داشت وحی نمود.(نجم، ۱۰)

۷/۷۱ فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها: در قبول دین اجباری نیست؛ زیرا مسلماً حق از غیر حقّ [در کتاب مبین و از طریق پیامبر و معجزات] تفکیک شده است؛ بنابراین کسی که طاغوت را نفی کند و به خداوند ایمان آورد، به واقع به دستگیرهٔ محکمی چنگ زده‌است که ناگسستنی است و خداوند آن شنوای داناست. (بقره، ۲۵۶)

۱۳/۵۴ فکان قاب قوسین او ادنی: تا فاصله به اندازه دو کمان شد، شاید هم کم‌تر. (نجم، ۹)

۳/۷۷ فمنکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخره: [در جنگ احد] خداوند به واقع وعدهٔ خود را با شما تا آن زمان که به اذن او، دشمنان دین را می‌کشتید، تحقق بخشید؛ ولی [بعد] سست شدید [و در باره‌ی امور] با یکدیگر به نزاع پرداختید و بعد از آنکه خداوند آنچه را دوست می‌داشتید، به شما نشان داد، شروع به نافرمانی از امر الهی کردید؛ برخی از شما خواهان دنیا بودید و برخی، خواهان آخرت. سپس خداوند [برای آزمایش،] شما را از تعقیب دشمن، منصرف فرمود و محققاً از خطای شما در گذشت؛ همانا خداوند نسبت به مؤمنان کرم و لطف خاص دارد. (آل عمران، ۱۵۲)

۱۴/۲۱ فمنها رکوبهم و منها یاکلون: چهارپایان را رام ایشان ساختیم، هم سوار بر آنها می‌شوند، هم از گوشتشان تغذیه می‌کنند؛ (یس، ۷۲)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۸/۷۰ فیطمع الذی فی قلبه مرض: ای همسران پیغامبر! شما مانند یک زن معمولی نیستید؛ شما باید اسوهٔ تقوا باشید بنابراین با مردان بیگانه به شیوه ای سخن نگویید که آنها که در دلشان مرض است وسوسه شوند و در شما طمع کنند و سخنان شما باید نیکو باشد ودر جهت امر به معروف. (احزاب، ۳۲)

۴/۴۷ فیه رجال یحبون أن یتطهروا و الله یحب المطهرین: [ای پیامبر] هیچگاه در آن مسجد نماز برپا ندار؛ مسجدی که از آغاز بنایش بر پایه‌ی تقوا بوده مسلماً سزاوارتر است که در آن نماز برپا داری، در آنجا اشخاصی هستند که گرایش به پاکیزگی [از شرک و نفاق و گناه] دارند و خداوند اهل پاکی و پاکیزگی را دوست می‌دارد؛ (توبه، ۱۰۸)

۶/۵۸ فردای قیامت اگر بر شما سوال کنند: (کاشف الاسرار، ۱۳۷)

۱۴/۵۹ فقراء أ متّی ملوک اهل‌الجنّه: «درویشان امت من و پادشاهان بهشتند.» (کاشف، ۱۳۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۴۸)

۵/۴۴ فلما تجلی ربه للجبل جعله دکاً وخر موسی صعقاً: و چون موسی به میعادگاه ما آمد و آفریدگارش با او تکلم فرمود، عرض کرد: «آفریدگار_پروردگارا خودت را به من بنمای تا تو را زیارت کنم» خداوند فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید ولی به کوه بنگر اگر در جای خود باقی مانده، پس مرا هم خواهی دید.» پس چون نور تجلی آفریدگارش بر کوه پدیدار شد، کوه متلاشی گردید و موسی مدهوش بر زمین افتاد و چون به هوش آمد عرض کرد: «آفریدگار_پروردگارا، پاک مطلق است ذات اقدست، من توبه می‌کنم [از خواهشی که کردم] و من اولین نفر از مؤمنانم.» (اعراف، ۱۴۳)

۱۲/۴۵ قال فبعزتک لأغوینهم أجمعین إلا عبادک منهم المخلصین: شیطان گفت: «به عزتت سوگند که تمام مردم را گمراه خواهم کرد، مگر آنها که بندگان مخلص تواند.» (ص، ۸۲-۸۳)

۱۱/۲۵ قال یا ربّ لِماذا خلقتَ الخلق؟ قال یا داود، کنت کنزاً مخفیّاً فاحببت أن أعرف مخلقت الخلق لأعرف: (در مناجات داود علیه السلام می‌آید) «داود (ع) پرسید: پروردگارا! چرا خلق

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بیافریدی؟ گفت: ای داود ! من گنج پنهان بودم که دوست داشتم مرا بشناسند. پس خلق را آفریدم تا شناخته شوم.» (اصول.، ۸۳؛ کاشف،۱۱۶، ۸۱، ۳۰؛ مکاتبات، ۷۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۸۶)

۶/۴۷ قد أفلح من زکاها و قد خاب من دساها: [به مجموعهٔ این سوگندها، سوگند گه] محققاً هر کس در تزکیهٔ نفس خود کوشید رستگار شد، و اما هر کس که خود را به کفر و گناه و بدکاری آلوده ساخت نومید شد و از رحمت الهی محروم گردید. (سورهٔ شمس / ۹۱، آیهٔ ۱۰/۹)

۸/۷۲ قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله: [ای پیامبر] بگو: «اگر خدا را دوست می-دارید، از من [که پیامبر خدا هستم] پیروی کنید تا مورد لطف و محبت خداوند قرار گیرید و گناهان شما را بیامرزد؛ و خداوند آن عفو کننده‌ی رحمتگستر است.» (آل عمران، ۳۱)

۸/۴۲ قل جاء الحق و زهق الباطل: و نیز بگو: «حق فرا رسید و باطل نابود شد، همانا باطل سرانجام نابود شدنی است.» (اسراء، ۸۱)

۶/۴۰ لا اله الاالله ینبت الایمان: «محمد (ص) لا اله الا الله، ایمان را چنان در دل برویاند که آب سبزه را.» (کاشف، ۱۲۵؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۹۵)

۹/۷۳ لاتزد و لاتنقص: ؟ (کاشف الاسرار، ۱۴۷)

۸/۴۷ لا یحافظ علی الوضوء الاالمومن: «تنها مؤمن از وضو محافظت کند.» (کاشف، ۱۳۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۴۱۰)

۶/۳۳ لایزال العبد یتقرّب ألیّ بالنوافل حتّی أحبّه، فاذا أحببته کنت له سمعاً و بصراً و لساناً ویداً، فبی یسمع وبی ینطق وبی یبطش: «بنده پیوسته به وسیلهٔ انجام نوافل به من نزدیک می-شود تا این که او را دوست بدارم و او مرا دوست بدارد، چون او را دوست بدارم، گوش و چشم و دست و یاور او گردم، پس با من حمله می‌کند با من می‌شنود و به وسیله من می‌بیند و به وسیله من سخن می‌گوید.» (کاشف، ۸۸،۱۲۰؛ مرصاد، ۲۰۷؛ عشق، ۶۶ ؛ شرح گلشن‌راز، ۱۱۴؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۴۱۶)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲/۷۷ لا اقسم بیوم القیامه: سوگند به روز قیامت. (قیامت، ۱)

۵/۴۲ لاتبقی و لاتذر: آتش سوزنده‌ای است که نه چیزی از بدن باقی می‌گذارد و نه او را رها می‌سازد. [هر بار پوست تازه‌ای به شخص دوزخی داده می‌شود که پیوسته بسوزد ۴:۵۶]. (مدثر، ۲۸)

۸/۶۲ لا یزال فی حاجه‌العبد: «خداوند همواره دست اندرکار برآوردن حاجت بنده خویش است تا زمانی که بنده اندیشهٔ بر آوردن حاجت برادر مسلمان خویش است.» (کاشف، ۱۴۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۴۱۴)

۹/۴۴ لایسعنی أرضی و لاسمائی ولکن یسعنی قلب عبدی المؤمن: «حدیث قدسی, زمین و آسمانم (آسمانها و زمین) گنجایش مرا ندارد و تنها دل بندهٔ مؤمن گنجایش مرا دارد.» (کاشف، ۱۲۸؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۴۱۵)

۱۲/۶۲ لولا الخبز ما صلیّنا و ما صمنا: «اگر نان نبود ، ما نماز نمی‌خواندیم و روزه نمی‌گرفتیم.» (کاشف، ۱۴۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۴۳۹)

۷/۷۶ ما عندکم ینفد و ما عندالله باق: آنچه نزد شما است [از نعمتها و مال دنیا] فناپذیر است و آنچه نزد خداوند است ماندگار است و ما به تحقیق پاداش شکیبایان را بر اساس بهترین اعمالشان عنایت خواهیم فرمود. (نحل، ۹۶)

۸/۷۶ مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبه و الله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم: مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند ، همانند بذری است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ،یکصد دانه باشد وخداوند برکت مال را برای هر کس اراده فرماید جند برابر می فرمایدِ وخداوند آن نعمتگستر داناست. (بقره، ۲۶۱)

۱۸/ ۱۲ محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه: پیغامبر اسلام, نام پدرش عبدالله و نام مادرش آمنه. حضرت پیغامبر (ص) در چهل سالگی به رسالت رسید. (تاریخ عرب و اسلام، ۷-۱۳)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۸/۴۴ موسی (علیه‌السلام): موسی بن عمران، پیغمبر معروف بنی‌اسرائیل به این معنی لفظ موسی مرکب است از « مو» و «سا» که به زبان سریانی اولی به معنی تابوت و دوم به معنی آب است. او پیشوای قوم اسرائیل است. (لغت نامه دهخدا / ج۱۴ / ذیل موسی)

۳/۵۸ مرد را چهار چیز بباید: (کاشف الاسرار، ۱۳۷)

۱۰/۵۰ مرید در خلوت ذکر می گوید: (کاشف الاسرار، ۱۳۲)

۶/۵۱ مرید را چندان باید کوشید: (کاشف الاسرار، ۱۳۲)

۱/۴۹ من اعتزل سلم: «هر که عزلت اختیار کرد، سلامت یافت» (کاشف، ۱۳۱؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۰۷)

۳/۷۳ من طلب شیئاً وجدّ، وجد: «(جنید) هر که چیزی بجوید و بکوشد، آن را بیابد.» (تمهید، ۱۹؛ تصفیه، ۴۹، ۱۲۸، ۱۸۰؛ سلطان ولد، ۲۸۴؛ کاشف‌الاسرار، ۱۴۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۳۱)

۷/۲۶ من عرف نفسه فقد عرف ربّه: «خدای خویش را آن کس شناخت که خود را شناخت» (کاشف‌الاسرار، ۱۱۶؛ تعرف،۱۷۷۲؛ کشف،۲۴۷، ۳۵۳؛ کیمیا،۱/ ۱۳،۴۷؛ تمهید، ۱۲، ۵۶، ۶۱؛ مقامات، ۲۱۶؛ مرصاد العباد، ۳، ۱۷۴، ۱۸۵؛ فیه مافیه، ۱۰، ۵۶؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۳۴)

۵/۶۳ من قال لا اله الا الله غافلاً: «محمد (ص) هر که لا اله الا الله بگوید و دلش از خدا غافل باشد، خدا دشمن او است.» (کاشف،۱۴۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۳۸)

۱۰/۴۸ من کان یومن بالله و الیوم الآخر، فلیقل خیراً و لیصمت: «هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد باید که خیر گوید یا خاموش باشد.» (اخلاق محتشمی، ۲۳۲)

۷/۶۳ من لیس له شیخ فشیخه‌الشیطان: «محمد (ص) هر که در فزونی نباشد، پیر او شیطان است.» (کاشف، ۱۴۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۴۹)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵/۷۱ من یطلع الرسول فقد اطاع الله: هر کس از پیامبر اطاعت کند، اطاعت از امر خداوند کرده و هر کس [از راه راست] سرپیچی و عصیان کند، باید بداند که ما تو را [ای پیامبر] نفرستاده‌ایم که مراقب رفتار آنها باشی [تو هدایتگر هستی نه مراقب و مانع آنها از ارتکاب گناه]. (نساء، ۸۰)

۵/۷۵ موتو اقبل أن تموتوا: «بمیرید پیش از آنکه بمیرید.» مؤلف اللؤلؤالمرصوم به نقل از ابن حجرآن را حدیث نمی‌شمارد. (به نقل از احادیث مثنوی، ۱۱۶؛ کشف الخفا، ۲۹۱/۲؛ شرح اسماء-الحسنی، ۱۴۸/۱؛ فیه مافیه، ۱۲؛ معارف سلطان ولد، ۴۲) ؛ مولوی در مثنوی می‌فرماید (۴، ب ۲۲۷۲):

مرگ پیش از مرگ امن است ای فتی　　اینچنین فرمود ما را مصطفی

۷/۴۰ نجم‌الدین رازی: نجم‌الدین عبدالله بن محمد بن شاهاورالاسدی‌الرازی ملقب به دایه متوفی در سال ۶۵۴ است. وی با آنکه از اصحاب نجم‌الدین کبری بود، تربیت و ارشاد خود را مثل رضی‌الدین علی لالا مجدالدین بغدادی بیان کرده و خود نجم‌الدین رازی نیز از مجدالدین بغدادی به عنوان شیخ و مرشد خویش یاد می‌کند. نجم دایه بر حسب روایت در سنهٔ ۵۷۳ ولادت یافت و در جوانی به مسافرت پرداخت و ظاهراً در خراسان یا خوارزم به صحبت شیخ مجدالدین رسیده است. آثار او غیر از مرصاد العباد و مرموزات اسدی، شامل رساله‌ای به عربی موسوم به منارات السائرین است. (دنباله جستجو در تصوف ایران، ۱۰۵-۱۰۸)

۱/۳۷ نجم‌الدین کبری: احمد (محمد) ابن عمر ابوالجناب نجم‌الدین کبری خیوکی خوارزمی ملقب به الطامه الکبری و شیخ ولی‌تراش در سال ۵۴۰ هجری برابری با ۱۱۴۵ میلادی در جوارزم شهر خیوق یا خیوک یا خیوه دیده به جهان گشود. ایام خردسالی را در وطن تحت تعلیم پدری دانشمند و با فضیلت پشت سر گذاشت. و در عنفوان جوانی برای کسب علم به سیر و سیاحت پرداخت. در این مسافرت‌ها از اساتید بزرگ از جمله در نیشابور از ابوالمعالی عبددالمنعم بن عبدالله بن محمد بن مظفر بن مظفر قراوی نیشابوری در حدیث شناسی، در همدان از ابوالعلاء حسن بن احمد بن احمد عطار

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

همدانی در فقه و اصول استفاده کرده است. در همان ایام رسالهٔ قشیریهٔ را نـزد ابوالفـضل محمـد بـن سلیمان یوسف همدانی فرا گرفت. مقارن سال ۵۶۸ در ۲۸ سالگی به مصر عزیمت نمود تا از محضر پر فیض شیخ روزبهان وزان مصری معروف به شیخ کبیر که از نوابغ و نـوادر عـالم عرفـان بـود اسـتفاده نماید. پس از مدتی به اسکندریه رفت و از محضر ابوطاهر احمد بن محمد بن احمـد بـن محمـد بـن ابراهیم بن اصفهانی استفاده نمود. سپس عازم تبریز شد و آنجا هم از محضر محمد بن اسعد عطاری و از امام ابوجعفر حفده فیض برد. در این ایام با بر خورد عارف به نام بابا فرج تبریزی آتش به جان نجم-الدین افکند. مدتی هم در خدمت این عارف ماند و سپس به خدمت شیخ عمـار یاسـر بدلیـسی و بـه خدمت اسماعیل قصری رسید و از محضر پر فیض آنها استفاده کرد. شیخ جهان نجم‌الدین کبری کتب و رسالات متعددی در زمینهٔ تعلیم عالیهٔ عرفان تألیف کرده‌است؛ ولی بیشتر آنها معرفی نشده است؛ از جمله آثار شیخ‌الاصول العشره، رساله در سلوک، رسالهٔ سفینه، رسالهٔ الآداب (آداب المریـدین)، رسـالهٔ آداب صوفیه، رسالهٔ آداب السالکین، رسالهٔ خلوت، رسالهٔ الخائف الهائم عن لومـه اللائـم، رسـالهٔ الـسائر الحائر الواجد الی ساتر الوجد الماجد، عین الحیوه فی تفسیر القرآن ، آداب السلوک ال حضرت مالـک الملک و ملک الملوک، منازل السائرین، فـوائح الجمـال و فـواتح الجـلال، هدایـه الطـالبین. (شـذرات الذهب، ج ۶/ ۷۹ ،ج ۳۵/۴؛ تذکره صبح گلشن، ۵۰۷؛ تذکره ریاض العارفین، ۴۰؛ روضات الجنـان فـی اوصاف مدینه الهرات، ج ۱ /۲۲۳؛ مرآت الجنان، ج ۴ / ۴۰؛ طبقات الشافعیه، ج ۵/ ۱۱۴؛ رسـالهٔ آداب المریدین شیخ نجم‌الدین کبری، ۱۲-۱۸؛ دنبالهٔ جستجو، در تصوف ایـران ، ۸۱-۸۸؛ معجـم البلـدان، ۵۱۲)

۵۴/ ۱۴ نَفسَ من أنفاس المشتاقین: «دمی از دم هـای مـشتاقان از عبـادت انـس و جـن نیکـوتر است.» (کاشف، ۱۳۵؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۷۰)

۵۷/ ۵ نماز کار پیر زنان است: (کاشف الاسرار، ۱۳۶)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۷/۴۸ نهایه الریاضه أن تجد مع الله قلبک: «(ابوسعید ابی‌الخیر) فرجام ریاضت آن است که دلت را با خدا بیابی.» (کاشف الاسرار، ۱۳۱)

۱۱/۵۵ واذ اخذ ربک من بنی‌آدم من ظهورهم ذریتهم واشهدهم علی انفسهم الست بربکم: و [ای پیامبر ! یاد آور باش] زمانی را که آفریدگار ـ پروردگارت از پشت فرزندگان آدم، ذریهٔ آنها را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه قرار داد و فرمود: «آیا من خالق شما نیستم؟» عرض کردند: «آری، هستی و ما گواهی می‌دهیم.» برای اینکه [پس از این گواهی] در روزی قیامت نگویید: «ما از این امر بی‌اطلاع بودیم.» (اعراف، ۱۷۲)

۱۵/۶۱ والفرارمنهم [الصوفیه] من أخلاق المنافقین: گریختن از صوفیان از اخلاق منافقین است. (کاشف الاسرار، ۱۴۰؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۴۶)

۸/۷۸ و آثر الحیوه الدنیا فان الجحیم هی الماوی: و زندگی دنیا را بر آخرت ترجیع داده، پس به واقع جهنم جایگاه مناسب او خواهد بود. (نازعات، ۳۸-۳۹)

۱۱/۴۲ وقل جاء الحق و زهق الباطل انالباطل کان زهوقاً: و نیز بگو: «حق فرا رسید و باطل نابود شد، همانا باطل سرانجام نابودشدنی است.» (اسراء، ۸۱)

۱۳/۷۱: ...و کونوا مع الصادقین: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از عدم اطاعت او امر خداوند بپرهیزید و با راستگویان همراه باشید؛ (سورهٔ توبه/ ۹، آیهٔ ۱۱۹)

۱۰/۳۸ و لذکر الله اکبر: [ای پیامبر] آنچه از کتاب آسمانی که تاکنون به تو وحی فرموده شده مرتب تلاوت کن و نماز را برپادار؛ همانا نماز انسان را از اعمال زشت و ناپسند برکنار می‌دارد و البته مداومت بر اذکار الهی دارای برکات عالی است و خداوند به اعمال و رفتار شما آگاهی کامل دارد. (عنکبوت، ۴۵)

۳/۷۱ و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین: و [ای پیامبر] ما تو را به عنوان رحمت الهی جهت هدایت کل جامعهٔ بشری به پیامبری ارسال فرمودیم، (انبیاء، ۱۰۷)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران، ابلاغی (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴/۷۱ و ننزل من القرآن ماهو شفاء و رحمه للمؤمنین: و این قرآن که نازل می‌فرمائیم شفا و رحمت است برای اهل ایمان و بر عکس برای کافران و ستمگران جز بر زیانشان نمی‌افزاید. (اسراء، ۸۲)

۱/۷۱ و ما ینطق عن الهوی: او هیچگاه از روی هوا نفس سخن نمی گوید. (نجم، ۳)

۹/۶۵ و لا تنس نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن الله الیک و لا تبغ الفساد فی الارض: [و نیز آنها نصیحتگرانه به او می‌گفتند:] «از مال و ثروتی که خداوند به تو عنایت فرموده ذخیره‌ای به وسیله اعمال خیر، برای آخرتت فراهم بیاور و از نعمت‌های دنیایی همان گونه که خداوند به تو نیکی فرموده و بخشیده تو هم نیکی کن و به دیگران و نیازمندان ببخش؛ و به واسطه قدرت و ثروت دست به فساد نزن همانا خداوند به فاسدان را دوست نمی‌دارد [و کیفر آنها را اراده فرموده‌است.] (القصص، ۷۷)

۵/۵۹ و لا تطرد الذین بدعون ربهم بالغداه و العشی: و [ای پیامبر] کسانی را که در صبح و شام روی به درگاه آفریدگار_پروردگارشان دارند و رضایت او را خواهانند، از خود طرد نکن؛ چیزی نه از حساب ایشان بر عهده‌ی تو هست و نه از حساب تو بر عهدهٔ ایشان، پس اگر آنها را از خود برانی در زمره‌ی ستمکاران خواهی بود. (انعام، ۵۲)

۴/۵۹ واصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه: قانع به معاشرت با اشخاصی باش که صبح و شام به درگاه آفریدگار _ پروردگار خود استغاثه می‌کنند و رضایت و خوشنودی ذات اقدس او را می‌طلبند و مبادا که در پی جلوه‌های فریبندهٔ زندگی مقام آنان را نادیده بگیری؛ با خواست کسانی که دل آنها را از یاد خود غافل فرموده‌ایم موافقت نکن که آنها پیرو هوای نفسخوش‌اند و در رفتار هیچ حد و حدودی را رعایت نمی‌کنند. (کهف، ۲۸)

۳/۵۱ و نهی النفس عن الهوی: اما آن کس که از حضور در پیشگاه ذات اقدس آفریدگارش بیمناک است و نفس خود را از هوا و هوس بازداشته. (نازعات، ۴۰)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۷/۴۷ و جعلنا من الماء کل شیء حی: آیا کافران نمی‌دانند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از هم جدا کردیم؟ و آب را مایه‌ی حیات موجودات قرار دادیم؟ با وجود این، آیا باز هم ایمان نمی‌آورند؟ (انبیاء، ۳۰)

۱۰/۴۷ و منهم سابق بالخیرات: و بالاخره این کتاب [قرآن] را به عنوان یک میراث جاودانی ارزشمند برای آیندگان امت مسلمان [نسل بعد از نسل] به گروهی از بندگان برجسته و برگزیده خود عنایت فرمودیم. از میان امت اسلام عده‌ای نافرمان و به خود ستمگرند، عده‌ای میانه‌رو و عده‌ای به امر خداوند پیشگام در نیکی‌ها و نیکوکاری‌ها که این یک فضیلت بزرگ محسوب می‌شود. (فاطر، ۳۲)

۳/۷۲ **و لذکر الله اکبر:** [ای پیامبر] آنچه از کتاب آسمانی که تاکنون به تو وحی فرموده شده مرتب تلاوت کن و نماز را برپادار، همانا نماز انسان را از اعمال زشت و ناپسند برکنار می‌دارد و البته مداومت بر اذکار الهی دارای برکات عالی است و خداوند به اعمال رفتار شما آگاهی کامل دارد. (عنکبوت، ۴۵)

۳/۲۸ و اذقلنا للملائکه أسجدوا لآدم: و چون فرشتگان را فرمودیم: «به آدم تعظیم کنید» پس همه تعظیم کردند به جز ابلیس که سرکشی و تکبر کرد و در شمار کافران در آمد. (بقره، ۳۴)

۱۱/۲۹ و من أعرض عن ذکری فإن له معیشه ضنکاً و نحشره یوم القیامه أعمی: «و هر آنکس که از پیام من رویگردان شود، عرصه‌ی زندگی بر او تنگ و رنج‌آور گردد و ما، در روز قیامت او را کور محشور خواهیم کرد.» (طه، ۱۲۴)

۱/۲۸ و اذقال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه قالوا الجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک قال انی اعلم ما لاتعلمون: و چون آفریدگار_پروردگار تو [ای پیامبر] به فرشتگان فرمود: «من در زمین از جانب خود حاکمی الهی خواهم گماشت.» [فرشتگان] عرض کردند: «[آفریدگار_پروردگارا] آیا در زمین موجودی را به سرپرستی می‌گماری که در آن به فساد و تباهی بپردازد و خون مردمان بریزد؟ و حال آنکه ما پاکی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مطلق ذات اقدست را شکر می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم» خداوند فرمود: «همانا من دانـای چیزهـایی هستم که شما نمی‌دانید.» (بقره، ۳۰)

۹/۲۵ و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون: من جن و انس را آفریدم و عبـادت خـود را بـر آنهـا واجب مقرر فرمودم [که غلبه‌ی حق بر باطل یعنی خدا برشیطان، بـه وسـیله‌ی پارسـایان نـشان داده شود.] (ذاریات، ۵۶)

۴/۲۳ ولئن شکرتم لا زید نکم: «و [به خاطر بیاورید] زمانی که آفریدگار پروردگارتان اعلام فرمود: «اگر شکرگزاری کنید، نعمت شما را افزون می‌فرمایم و اگر کفران نعمـت کنیـد مجـازات مـن بـسیار سخت است.» (ابراهیم، ۷)

۸/۲۲ و السابقون السابقون اولائک المقربون: و گروه دیگر پیشگامان‌اند، که سرآمدان ایمانداران-اند: اینها مقربان الهی، [پیامبران و اولیاء] هستند. (واقعه، ۱۰-۱۱)

۱۲/۲۲ و سقاهم ربهم شراباً طهوراً: اهل بهش لباس‌هایی از ابریشم سـبز زربفـت پوشـیده‌انـد و بـا دستبندهای نقره‌ای مزّین شده‌اند و آفریدگارشان شراب طهور [که نوشیدنی پاک است و مستی نمی-آورد] برای آنها فراهم فرموده. (الانسان، ۲۱)

۴/۲۲ و رزقنا هم منالطیبات: به تحقیق ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و مـورد لطـف و کرامـت قرار دادیم و در خشکی و دریا برای آنها وسایل حمل و نقل فراهم فرمـودیم و بـرای آنهـا روزی‌هـای حلال و پاکیزه نصیب فرمودیم و آنها را بر بسیاری مخلوقات خویش برتری عنایـت فرمـودیم. (اسـراء، ۷۰)

۴/۲۲ و فصلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا: (اسراء، ۷۰)

۲/۲۲ و حملنا هم فی البر و البحر: به تحقیق ما فرزنـدان آدم را گرامـی داشـتیم و مـورد لطـف و کرامت قرار دادیم و در خشکی و دریا برای آنها وسایل حمل و نقل فراهم فرمودیم و برای آنها روزی-

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

های حلال و پاکیزه نصیب فرمودیم و آنها را بر بسیاری مخلوقات خویش برتری عنایت فرمودیم. (اسراء، ۷۰)

۱۲/۲۱ و لقد کرمنا بنی آدم: به تحقیق ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و مورد لطف و کرامت قرار دادیم و در خشکی و دریا برای آنها وسایل حمل و نقل فراهم فرمودیم و برای آنها روزی‌های حلال و پاکیزه نصیب فرمودیم و آنها را بر بسیاری مخلوقات خویش برتری عنایت فرمودیم. (اسراء، ۷۰)

۹/۴۰ ورجل ذکر الله خالیا ففاضت عیناه: ؟ (کاشف الاسرار، ۱۳۲)

۱۲/۴۵ وعباد الرحمن هم الّذین عبروا: «بندگان خدا کسانی هستند که از مهلکه‌های نفس گذشته به پیشگاه قلب رسیده‌اند و از جانب طور آن آتشی دیده‌اند.» (کاشف، ۱۲۹؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۳۱۷)

۱۱/۶۳ وللخادم أجر من یخدمه : «محمد (ص) هر که در یاری دادن جماعتی باشد، به مزد طاعت ایشان ثواب یابد». (کاشف، ۱۴۱؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۴۲۶)

۱۴/۶۱ ومجالستهم من اخلاق الصادقین: ؟ (کاشف الاسرار، ۱۳۹)

۱۱/۴۸ وهل یکبّ الناس علی مناخرهم فی النار إلاّحصائد ألسنتهم: ؟ (کاشف الاسرار، ۱۳۱)

۹/۵۷ هر کرا دلی قبول کند: (کاشف الاسرار، ۱۳۶)

۸/۶۹ هر کس که ندوید گور نگرفت: (کاشف الاسرار، ۱۴۴)

۷/۴۳ هم القوم لا یشقی[بهم] جلیسهم: «حق تعالی در بارهٔ اهل زهد و عبادت گوید: ایشان قومی‌اند که هیچ همنشین بدیشان بدبخت نشود.» (کاشف، ۱۲۷؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی، ۵۸۰)

۸/۶۳ هیچ چیز ورای خدمت نیست: (کاشف الاسرار، ۱۴۱)

۱۱/۲۲ یا عبادی لاخوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون: [و به مؤمنان فموده خواهد شد:] «ای بندگان من ! امروز نه نگرانی و ترس بر شما چیره می‌شود و نه غمگین خواهید بود». (زخرف، ۶۸)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۴/۲۲ یحبهم و یحبونه: ای کسانی که ایمان آورده‌اند ! هر کس از شما که از دین خود برگردد [و مرتد شود باید بداند که] خداوند به زودی به جای شما قومی را می‌آورد به پانها لطف و عنایت دارد و آنها [به وجه عالی] به خالق خود عشق می‌ورزند؛ [آنان با مؤمنان، فروتن و خوشرفتار و علیه کافران، سختگیر و سلطه‌گرند؛ در راه خداوند بدون بیم از سرزنش سرزنش‌کنندگان [وفادارانه] می‌جنگند. این فضل و نعمت، خداداد است و خداوند به هر کس که بخواهد عنایت می‌فرماید و خداوند «رحمتگستر داناست». (مائده، ۵۴)

۳/۳۸ یا أیها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً: ای کسانی که به وحدانیت خداوند ایمان آورده‌اند! پیوسته [با دل و با زبان] به ذکر نامها و صفات ذات اقدسش مشغول باشید. (احزاب، ۴۱)

۷/۴۵ یا أیها النفس المطمئنه ارجعی إلی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی: [خداوند در این روز به مؤمن پرهیزکار ونیکوکردار می‌فرماید:] «ای روح مطمئن شده [از لطف خداوند و عبودیت خود در اطاعت از او امر الهی!] «به سوی آفریدگار_پروردگارت باز گرد در حالیکه تو از لطف خداوند خوشنود هستی و بندگی تو موجب رضای خداوند است؛ «در جمع بندگان مخلص من درآی و به بهشت من وارد شو!» (فجر، ۲۷-۲۸-۲۹-۳۰)

۷/۶۵ یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورم هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون: [و آن عذاب] در روزی است که آن طلاها و نقره‌ها را در آتش دوزخ می‌گدازند و پیشانی و پشت و پهلوی آنان را با آن [فلزات گداخته] داغ می‌کنند و به آنان گفته می‌شود: «این است گنجی که برای خود اندوخته، پس کیفر آن مال‌اندوزی را بچشید!» (توبه، ۳۵)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست‌ها

۱. فهرست آیه‌های قرآن

۲. فهرست احادیث و سخنان بزرگان

۳. فهرست نام‌های کسان

۴. فهرست جای‌ها

۵. فهرست اشعار فارسی و عربی

۶. فهرست اصطلاحات و ترکیبات و لغات

۷. منابع مقدمه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست آیه‌های قرآن

اکلها دائم و ظلها تلک عقبی الذین ۷۷

الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم ۳۸

الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها ۶۵

الا بذکر الله تطمئن القلوب ۴۵

ألا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون ۷۹

الم نخلقکم من ماءٍ مهینٍ ۲۲

ألم نشرح لک صدرک و وضعنا عنک وزرک ۳۴

آناء اللیل و اطراف النهار: ۷۲

انی جاعل فی الارض خلیفه ۲۲

انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال ۲۶

أنا خیر منه ۳۰

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم ۶۸

إن أکرمکم عندالله أتقاکم ۳۵

إن عبادی لیس لک علیهم سلطان ۴۵

إنما یوفی الصابرون أجرهم بغیر حساب ۵۱

إن فی ذلک لذکری لمن کان له قلبٌ ۵۷

اوفوا بعهدی اوف بعهدکم ۲۲

أو لائک کالانعام بل هم أضل ۲۵

تعاونوا علی البر و التقوی ولا تعاونوا ۶۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حور مقصورات فی الخیام ۶۸

خلق الانسان ضعیفا ۲۳

فاذکرونی أذکرکم واشکر والی ولا تکفرون ۳۲

فاذکرا الله عند المشعر الحرام ۳۸

فاذکرا الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبکم ۳۸

فاذکرون أذکرکم ۳۸

فاذکرا الله کذکرکم آباءکم أو أشد ذکراً ۳۸

فاصحاب المیمنه ما اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه ۷۸

فاعرض عمن تولی عن ذکرنا ۷۱

فاوحی الی عبده ما اوحی ۷۱

فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها ۷۱

فکان قاب قوسین او ادنی ۵۴

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکاً ۴۴

فمنکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخره ۷۷

فمنها رکوبهم و منها یاکلون ۲۱

فیه رجال یحبون أن یتطهروا و الله یحب المطهرین ۴۷

فیطمع الذی فی قلبه مرض ۷۰

قال فبعزتک لأغوینهم أجمعین إلا عبادک ۴۵

قد أفلح من زکاها و قد خاب من دساها ۴۷

قل جاء الحق و زهق الباطل ۴۲

قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ۷۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

لا اقسم بیوم القیامه ۷۷

لاتبقی و لاتذر ۴۲

ما عندکم ینفد و ما عندالله باق ۷۶

من یطلع الرسول فقد اطاع الله ۷۱

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ۷۶

و لقد کرمنا بنی آدم ۲۱

و حملنا هم فی البر و البحر ۲۲

و رزقنا هم منالطیبات ۲۲

و فصلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا ۲۲

و السابقون السابقون اولائک المقربون ۲۲

و سقاهم ربهم شراباً طهوراً ۲۲

و لئن شکرتم لازیدنکم ۲۳

و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون ۲۵

و اذقال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض ۲۸

و اذقلنا للملائکه أسجدوا لآدم ۲۸

و من أعرض عن ذکری فإن له معیشه ضنکاً ۲۹

و لذکر الله اکبر ۷۲

و جعلنا من الماء کل شیء حی ۴۷

و منهم سابق بالخیرات ۴۷

و نهی النفس عن الهوی ۵۱

واصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم ۵۹

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی. ۵۹

و لا تنس نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن ۶۵

و ما ینطق عن الهوی ۷۱

و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین ۷۱

و ننزل من القرآن ماهو شفاء و رحمه للمؤمنین ۷۱

و کونوا مع الصادقین ۷۱

و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی ۵۱

و آثر الحیوه الدنیا فان الجحیم هی الماوی ۷۸

یحبهم و یحبونه ۲۲

یا عبادی لاخوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون ۲۲

یا أیها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً ۳۸

یا أیها النفس المطمئنه ارجعی إلی ربک ۴۵

یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم ۶۵

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست احادیث و سخنان بزرگان

اتّخذوا الایادی عند الفقراء ۵۸

ادّ لکل ذی حقّ حقهّ ۱۹

إذا رأیت لی طالباً فکن له خادماً ۵۹

إذا رأیتم الرجل طو یل الصمت ۴۸

اذ اکان الغالب ذکری علی عبدی عشقنی و عشقته ۷۲

از نماز هر کسی آن مقدار نویسد که دل در وی حاضر باشد ۶۳

إسباغ الوضوء فی الشبوات ۴۷

أشبع الزنجیّ وکدّه ۴۷

اصحابی کالنجوم, بایهم اقتدیهم اهتدیهم ۷۱

أعدی أعدائک نفسک ۷۴

أفشاء سرّالربوبیّه کفر ۶۰

افضل الذکر لااله‌الاالله ۴۰

ألا أنبئکم بخیرأعمالکم وأزکاها عند ملیککم ۳۹

الاحسان ان تعبد الله کأنّک تراه ۲۹

الاطمینان صفه القلب ۴۵

التعظیم لأمرالله والشفقه علی خلق الله ۶۵

الدنیا جیفه و طلبها کلاب ۶۷

الدنیا ساعه فاجعلها طاعهٔ ۶۳

الدنیا ما شغلک عن‌الله ۷۸

الدنیا مزرعه‌الآخره ۶۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران‌ها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الدین النظافه ۴۷

الذکر طریق الحقّ ۴۳

الرضا بالقضاء باب الله الأعظم ۵۱

الصوم لی وأنا أجزی به ۵۱

الطهور شطرَ الایمان ۴۷

الفقر فخری ۴۶

الناس علی دین ملوکهم ۷۰

الوضوء علی الوضوء نور علی نور ۴۷

إن الله تعالی فی عون العبد۶۲

إنّ فی جسد ابن‌آدم لمضغه إذا صلحت صلح بها ۷۰

إنّ لربّکم فی أیّام دهرکم نفحات ألا فتعرّضوا لها ۲۹

إنّ لکلّ شیء صقاله و صقاله القلوب ذکر الله ۷۱

إنّ ملوک الجنّه کلّ أشعث أغبر۶۲

أنا الحق ۳۹

أنا جلیس من ذکرنی ۴۳

اوّل الوقت رضوان الله ۳۳

أولیاء الله عرائس الله ۵۶

أولیاء الله لا یموتون ۷۴

أولیائی تحت قبابی لا یعرفهم سوائی ۵۶

آه آه از تفاوت راه, دو آهن است ۲۶

بسم الله الرحمن الرحیم, لا اله الا أنا ۵۱

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تجوّع ترانی تجرّد تصل ألیّ ۳۷

ثمّ رشّ علیهم من نورِه فمن ۳۶

جز یا مومن فإنّ نورک قد أطفألهبی ۵۵

جوّعوا بطونکم و عطّشوا أکباد کم و غرّوا ۳۷

حبّ المساکین و الفقراء من أخلاق المرسلین ۶۱

الحراء أسبوعاً و أسبوعین ۴۹

حسنات الا برار سیّئات المقرّ بین ۵۴

ذکر الله اکبر من کل عباده سواه ۷۲

رَبِ أشعث أغبر ذی طمرین ۵۵

رجعنا من الجهاد الأصغر إلی الجهاد الأکبر ۷۴

رکعتان من رحل زاهد قلبه مع الله أحبّ إلی ۵۹

وزن نشناسد که وی زن است ۷۷

سبعه یظلّهم الله فی ظلّه ۵۰

سکوت نظّار غُیّب حضّار ملوک تحت أطمار ۵۶

سه چیز با بنده به لب گور آید, دو باز گردد و یکی با وی در خاک شود. گفتند ۶۶

شیطان در تن آدمی روان است چون خون در رگ ۵۱

فردای قیامت اگر بر شما سوال کنند ۵۸

فقراء اُ متّی ملوک اهل‌الجنّه ۵۹

قال یا ربّ لِماذا خلقتَ الخلق؟ قال ۴۵

لا اله الاالله ینبت الایمان ۴۰

لاتزد و لاتنقص ۷۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

لا یحافظ علی الوضوء الا المومن ۴۷

لایزال العبد یتقرّب ألیّ بالنوافل حتّی أحبّه ۳۳

لا یزال فی حاجه‌العبد ۶۲

عبدی المومن ۳۹

لولا الخبز ما صلیّنا و ما صمنا ۶۲

مرد را چهار چیز بباید ۵۸

.مرید در خلوت ذکر می گوید ۵۰

مرید را چندان باید کوشید۵۱

من اعتزل سلم ۴۹

من طلب شیئاً وجدّ, وجد ۷۳

من عرف نفسه فقد عرف ربّه ۲۶

من قال لا اله الا الله غافلاً ۶۳

من کان یومن بالله و الیوم الآخر, فلیقل خیراً ولیصمت ۴۸

من لیس له شیخ فشیخه الشیطان ۶۳

موتوا قبل أن تموتوا ۷۵

نَفسٌ من أنفاس المشتاقین ۵۴

نماز کار پیر زنان است ۵۷

نهایه الریاضه أن تجد مع الله قلبک ۴۸

و الفرار منهم من أخلاق المنافقین ۶۱

ورجل ذکر الله خالیا ففاصت عیناه ۴۰

وعباد الرحمن هم الّذین عبروا ۴۵

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وللخادم أجر من یخدمه ۶۳

ومجالستهم من اخلاق الصادقین ۶۱

وهل یکبّ الناس علی مناخرهم فی النار ۴۸

هر کرا دلی قبول کند ۵۷

هر کس که ندوید گور نگرفت ۶۹

هم القوم لا یشقی جلیسهم ۴۳

هیچ چیز ورای خدمت نیست ۶۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست نام‌های کسان

ابن عباس ۳۸

ابوالحسن‌خرقانی ۴۶

ابوسعید ابن ابی‌الخیر ۴۸

احمد جورپانی ۷۴

اوحدالدین کرمانی ۶۹

جنید (بغدادی) ۲۹

داود (علیه السلام) ۲۵

رضی‌الدین علی لالا ۴۱، ۸۶

سیف‌الدین باخرزی ۵۶

شرف‌الدین ادکانی ۵۳

عایشه رضی‌الله عنها ۷۷

عبدالرحمن اکاف ۶۳

عبدالله انصاری ۲۶

علی مؤذن ۶۳

عیسی (علیه السلام) ۳۷

محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه, ۱۸، ۲۰، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۴۴، ۵۴، ۷۹

موسی (علیه السلام) ۴۴

نجم‌الدین رازی ۴۰

نجم‌الدین کبری ۳۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست جای‌ها

بغداد ۱۹

جبل‌الحراء ۴۹

خرقان ۵۹

رباط درجه ۲۰

مسجد اقصی ۵۳

مسجد قبا ۳۵

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست اشعار فارسی و عربی

آنچ از غم او به جان رسید مرا ۵۶

نظّاره کنان روی خوبت ۲۷

سلام علی دار أمّ الکواعب ۶۸

کعبه را جامه کردن از هوس است ۴۴

فقر در نیستی قدم زدن است ۴۶

اعضای وجود من همه دوست گرفت ۶۰

گبریست درین تنم که پنهانی نیست ۷۵

گر بر تن من زفان شود هرمویی ۲۳

ای قبلهٔ هر که مقبل آمد کویت ۳۰

مقام سلطنت درویش دارد ۴۶

باد آمد و بوی زلف جانان آورد ۳۲

ای باد تو بوی آشنایی دارد ۳۲

از یاد جلال مرد مطلق خیزد ۳۹

نا کرده دمی آنچه ترا فرمودند ۷۰

ایشان دارند دل من ایشان دارند ۵۵

تدبیر دل خستهٔ زارم که کند ۳۲

دنیا چه بود نثار دنیا چه بود ۶۸

بچّهٔ بط اگرچه دینه بود ۷۴

زحمت غوغا به شهر بیش نبینی ۴۲

در عشق توأم چو پای در سنگ آید ۷۹

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خلقان جهان به جملگی بشتابید ۵۵

دی ما و می وعیش خوش و روی نگار ۳۱

إذا کان شکری نعمه‌الله نعمه ۲۳

هیچ طاعت ناید از ما همچنان بی‌علتّی ۲۴

دانی که مرا یار چه گفتست امروز ۲۹

مردمان منکرند علمی را۶۱

از کمال حال ایشان بی‌خبر باشد فلک۵۴

عشق است مرا پاک تر ازآب زلال ۳۴

من چون ریگم غم تو چون آب خورم ۶۱

آشفته بر آن رخان زیبات منم ۵۸

پیمان شکنا بر سر پیمانت نمی‌بینم ۵۰

صنما ما ز ره دور و دراز آمده‌ایم ۲۸

تا نشناسی که ما ازین جا مانیم ۷۶

پادشاهانیم و ما را ملک نیست ۵۶

جانانهٔ من سبوس و بندانهٔ من ۵۲

باش تا بر گل دلت آید۴۰

عاقل بچه اومید درین شوم سرای ۶۷

آن آوردی چو حق بیاد آوردی ۳۷

لطفی بکنی عنایت از سر گیری ۲۴

دل یکی منظرست ربّانی ۵۷/ ۵۸

ای مردان هَوی و ای جوانمردان هوی۳۶

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست اصطلاحات و ترکیبات و لغات

آتش.۳۰،۴۱، ۴۲، ۵۵

آتش محبت ۳۰

آخرت ۱۶،۵۰،۶۷،۷۶،۷۷،۷۸،۷۹

آسمان ۴۴،۵۹

آشنا ۳۲،۸۲

آفرینش ۲۶

آینه ۲۶،۲۷، ۵۰،۷۱، آینه جمال (نمای) ۲۶ ،مقام آینگی ۲۷

ابد، حیات ابد ۳۷ ، عنایت ابدی ۷۶ ، مملکت آخر ابدی ۶۷

ابدال ۵۳

احسان ۱۹،۲۲،۲۸

اختیار ۳۱،۳۴،۴۰

ادب،آداب ۲۱،۳۲،۳۳،۴۴،۴۷،۷۳

ارادت ۲۵،۲۶،۳۰،۳۱،۵۵،۶۰،۷۳ ، انتهای ارادت ۳۰،تجلی ارادت ۳۱

اسلام ۷۶،۸۲

اشتیاق ۳۰،۳۱،۳۲

اطمینان دل ۴۵

الوهیت،حضرت الوهیت ، ۲۶،۲۸،۳،۵۵،۷۹ عظمت سلطنت الوهیت ۲۴، محبت الوهیت ۳۰،۳۳،

امانت ،بار امانت معرفت ۲۶

امر ، امور الهی ۳۵،۷۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

انس ۲۵،۴۱

انسان ۲۶،۲۷،۲۸،حقیقه خلق الانسان ۲۱،۲۳،۲۵، ،نفس انسان ۲۶،۲۷، نفس انسانی ۲۶،۲۷ ، وجود انسانی ۲۸

ایمان ۴۵،۴۷،۶۰،۶۱،۷۱،۷۵ ، حقیقت ایمان ۴۵

باطن،۳۳،۳۴،۷۴،۴۹،۴۸،۴۷،۴۶،۴۵،۳۹ ،باطن شیخ ۷۴ ، حواس پنجگانهٔ باطن ۴۹ ،طهارت باطن ۴۷ ،نظر باطن ۲۹

بشری، بشریت ۱۸،۳۶،۵۵ ،اطوار بشریت ۱۸ ، طینت بشریت ۵۵ ، قفص بشریت ۳۶ ، نهاد بشریت ۱۸

بصیرت، اهل بصیرت ۶۳ ، دیدهٔ بصیرت ۲۹

بعد، مقام بعد ۳۲

بقا ۵۲

بنده، بندگان ۴۱،۶۲،۶۳،۶۴، بنده نواز(ی) ۲۲،۲۹،۳۱، خصوصیت بندگی ۴۵

بهشت ۲۸،۴۶،۵۵،۶۳،۶۳،۷۶،۷۹ ،پادشاهی بهشت ۴۶

پیر ۵۷،۶۳،۸۶

پیغامبران ۵۸

تجلی۳۱ ، تجلی ارادت ۳۱ ، تجلی جلال ۵۹،۳۳ ، اهل تجلی ۵۰

تحقیق ۷۸،۸۲ ، اهل تحقیق ۷۸

تربیت ۲۶،۲۷

تسلیم ۲۸،۴۸،۵۱،۵۲،۵۸

تفرقه،بیخ تفرقه ۵۰

تمکین ۵۰

توق ۲۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جان ۳۱،۳۲،۳۶،۴۲،۵۰،۵۵،۵۶،۶۱،۶۵،۷۱،۷۲

جبلّت ۲۸

جذبه،جذبات حضرت الوهیت ۳۲

جلال ۳۳،۵۹ ، تجلی جلال ۵۹

جمال ۱۸،۲۶،۲۷،۴۴،۵۶، جمال کعبه ۴۴ ،آیینهٔ جمال نمای ۲۶

جمع،جمعیت ۱۹،۲۰،۳۰،۳۷،۴۹،۶۳ ،جمعیه القلب ۲۱،۳۷ ، جمعیت دل ۳۷،۴۹

جوع ۳۷

جوهر، جوهر نفس ۲۸

حال،۱۹،۲۸،۳۰،۳۴،۸،۴۳،۴۶،۵۳،۵۴،۵۵،۵۶،۵۸،۵۹،۶۱،۷۱،۷۳،۷۳،۷۸ احوال ۵۳،۵۴،۵۶،۷۷

حرام ۳۸،۴۹

حسنه،حسنات ۵۴،۶۶

حصن،حصن خایفان ۴۱

حضرت ، ۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۲۴،۲۵،۲۶،۲۸،۲۹،۳۰،۳۱،۳۲،۳۳،۳۵،۴۰،۴۱،۴۳،۴۵،۵۰،۵۱،

۷۲،۶۶،۵۹،۵۶،۵۵،۵۳،۵۲ ، ۷۸ ، ۷۹ ، حضرت الوهیت،۲۶،۲۸،۳۲،۵۵،۷۸،۷۹ حضرت بی‌نیاز ۳۱،۵۹ ،

حضرت ربوبیت ، ۲۸،۳۰ ، حضرت نبوت ۲۰،۳۵، خاصان حضرت ۳۳،۴۵ ،

حضور، حضور دل ۳۰ ،حاضران غایب ۵۶

حق ۱۹،۲۰،۲۲،۲۳،۲۵،۲۶،۲۸،۳۲،۳۴،۳۵،۳۷،۳۹،۴۰،۴۱،۴۲،۴۳،۴۶،۴۷،۴۸،۴۹،۵۰،۵۳

،۵۷،۵۸،۶۱،۶۲،۶۵،۶۶،۷۱،۷۴،۷۶،۷۷،۷۸،۷۹ ، ذکر حق۳۹،۴۲ ، رضای حق ۷۶ ، شناخت و یافت حق

۲۶ ، طالب حق ۵۸،۷۱ ، ظل حق ۵۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران، ابلاغ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حقیقت، ۱۸،۲۶،۴۱،۴۴،۴۵،۵۷،۵۸،۷۱،۷۳،۷۶،۷۸،۹۱ ، حقیقت (حقایق ایمان) ۴۵ ، حقیقه خلق الانسان ۲۱،۲۳،۲۵ ، ارباب حقیقت ۷۶ ، کشف حقایق ۶۰ ،حیات حقیقی ۴۷ ، معرفت حقیقی ۲۲،۲۶

حلال ۳۴

حیات ۳۴،۴۷،۵۶،۶۳،۷۳،۷۵ ، حیات ابد ۳۴ ، حیات حقیقی ۴۷ ، الحیوهالدنیا ۱۸ ،آب حیات ۵۶،

خاص۲۰،۷۸، خاصان حضرت (خداوند) ۳۳،۴۵، خاصان حضرت نبوت ۳۳

خاطر،۴۷،۴۸،۶۵،۷۲

خالق ۷۷

خاموشی ۴۷

خانقاه ۶۳،۶۹

خرقه ۶۲

خلق ۲۳،۲۵پف۴۱،۴۸،۵۴،۶۰،۶۳،۶۵،۷۷،۷۸ ، حقیقه خلق الانسان ۲۱،۲۳،۲۵، خلقت ۲۵،۲۶،۲۷

خلق، اخلاق ۶۱

خلوت ۱۸،۴۸،۴۹،۵۰،۵۲،۵۶،۶۸،۷۴،۸۲ ، خلوت خانه ۵۶،۷۴۷ ، خلوت خانهٔ شاه ۵۶ ، احرام خلوت ۷۴ ، اهل خلوت۶۸

خود ۲۱،۲۲،۲۵،۲۶،۲۸،۳۰

دار شفا ۶۹

درجه، درجات ۲۰،۲۵،۳۹،۴۶،۴۷

درد ۲۸،۲۹،۴۱،۶۱،۸۲ ، درد دل ۴۱

درویش ۴۱،۴۶،۸۶ ، درویشی ۴۶

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دل

۴۴،۴۵،۴۷،۴۸،۴۹،۵۰،۵۱،۵۴،۵۵،۵۷،۵۸،۵۹،۶۱،۱۸،۲۰،۲۵،۲۸،۳۰،۳۲،۳۴،۳۵،۳۷،۴۰،۴۱،۴۲،۴۳

۷۰،۷۱،۷۲،۷۵، ۶۳،۶۷،۶۸،

آیینهٔ دل ۵۰،۷۱ ، اطمینان دل ۴۵ ، بی‌دلان ۴۱ ،جمعیت (در) دل ۳۷،۴۹ ، چشم دل ۵۱ ، حضور دل ۳۰ ، مقام دل۴۴، ۴۵

دنیا ۲۱،۳۶،۳۷،۴۶،۵۰،۵۸،۶۰،۶۳،۶۴،۶۵،۶۶،۶۷،۶۸،۷۶،۷۷،۷۸،۷۹،۸۲ ، لذات و شهوات دنیاوی ۱۹،۲۱

دوزخ ۴۸،۵۵،۷۸،۷۹ ، نهاد دوزخ ۵۵

دوست ۱۹،۴۲،۴۳،۴۶،۵۹،۶۰

دیوانه، دیوانگان ۴۱،۵۵

ذات، ذات وصفات ۲۵

ذرّه، ذرات ۴۳

ذکر ۲۱، ۴۲،۳۹، ۴۴، ۵۵، ۷۴، ۷۵، ۸۱،۸۲،۸۴،

ذکر حق ۳۹،۴۲ ، آداب الذکر ۲۱،۴۴ ، اهتزاز ذکر ۷۵ ، تلقین ذکر ۵۵،۷۴ ، نور ذکر ۷۵ ، ذاکر ۳۹،۴۲،۵۸،۷۰

ذوق ۲۰،۳۰،۳۶،۵۰،۶۸

راه ۲۶،۳۴،۳۶،۴۰،۴۱،۴۵،۴۸،۵۰،۵۱،۵۲،۵۳،۶۳،۶۶،۶۹،۷۰،۷۱،۷۲،۷۳،۷۴،۷۵، راه حق ۴۰ ، راه خدا ۶۶،۷۴ ، راه دین ۶۳ ،راه راست ۶۹،۷۱ ، راه طالبان ۴۱ ، راه طریقت ۷۱

ربوبیت ۲۸،۳۰،۶۰ ،سرّ ربوبیت ۶۰

رحمت ۲۰،۲۲،۲۳،۲۴،۲۵ ، سطوات انوار رحمت ۲۴ ، رحمانی صفت ۶۰

رزق ۲۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رضا ۷۷،۷۶،۶۵،۵۲،۵۱ رضای پادشاهی ۷۷ ، رضای حق ۷۶ ، رضای رحمن ۶۵

روح، ۶۴،۴۷،۴۰،۳۶،۳۳،۲۰،۱۹ ارواح ۶۴،۱۸، چهرهٔ روح ۴۷ ، سیمرغ روح ۳۳ ، مرغ روح ۳۶ ، عالم ارواح ۶۴

رونده،۷۵ روندگان ۷۵،۷۴،۴۸ ،راه روان ۴۱

ریاضت ۵۸،۴۸

زمین ۶۶،۶۴،۵۹،۴۴،۲۲،۶۸

زهد، زاهد،۵۹ زهاد ۵۴،۵۲

سرّ ، ۴۵،۴۳،۳۹،۲۱ اسرار۳۸،۵۶ ۵۹ ،سرّ ربوبیت ۶۰

سعادت دو جهانی ۶۵ ،سعادت سرمدی ۷۶

سلامت ۴۹

سلوک ۵۹،۵۳،۵۲،۳۳،۳۲ ،سیر وسلوک ۵۹،۵۳،۵۲،۳۳،۳۲

سماع ۴۱

سنت ۷۱

سیر و سلوک ۵۹،۵۳،۵۲،۳۳،۳۲

سیئه،سیئات ۵۴

شاهدان بارگاه اله ۵۶

شراب، ۵۵،۴۱،۳۶،۲۲،۱۸ شرابخانهٔ فضل ۲۲ ، شراب شوق ۴۱ ،شراب طهور ۲۲ ، شراب عشق ۵۵ ،شراب مقامات ۳۶ ، شربت ۴۱،۱۹

شرع،شریعت ۵۹،۳۳،۲۸،۲۵،۱۹ ، سرّ شریعت ۳۳

شکر ۱۹،۲۱ ،شکر شکر ۲۴

شناخت و یافت حق ۲۶ ،خداوندان شناخت و معرفت ۷۶

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران، ابلاغ (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شوق ۵۰،۴۱،۳۰،۲۰، شراب شوق ۴۱

شهوت ۴۹ ، شهوات نفس ۳۴ ، لذات و شهوات دنیاوی ۱۹

شیخ، مشایخ۷۵،۷۳،۶۹،۶۲،۵۷،۵۵،۵۳،۵۱،۴۵،۴۲،۲۰،۱۹مشایخ طریقت ۷۳،۶۲،۵۷،۵۳،۵۱،۴۵،۲۰

باطن شیخ ۷۳ ، محبت شیخ ۷۳ ، نفی شیخ ۷۳

شیطان ۷۶،۷۴،۷۳،۵۳،۵۱،۴۵،۱۹ شیطانی ۲۰، ۶۹،

صبر ۳۷،۵۱

صدق ۵۳،۵۲،۳۵

صفت۷۶،۷۲،۶۰،۴۳،۳۴،۲۷،۲۳،صفات ۶۴،۶۳،۵۷،۴۵،۲۷،۲۶،۲۵ ، صفات دلی ۵۷،۴۵ ، صفات ذات ۲۷ ، صفات صلاحیت ۳۴ ، صفوه القلب ۴۵ ، صفات قهر ۶۴ ،صفات لطف ۶۳

معرفت ذات و صفات ۲۵

صفه ،۳۵، اصحاب صفه ۳۶

صلاح ۷۰،۵۰،۳۴،۳۳،۲۲

صوفی ،صوفیان، صوفیه۶۱،۳۲،۲۱،۱۹،آداب صوفیه ۱۹ ،عوام صوفیان ۴۸

صوم ۳۰،۵۱

طاعت ۸۹،۶۳،۵۹،۵۶،۴۰،۳۰،۲۵،۲۴،۲۳

طبیب ۷۱،۷۰

طبیعت،۷۱،۴۹،۴۵،۳۵، زنگ طبیعت ۷۱،۴۹ ،ظلمت طبیعت ۴۵،۳۵

طریق ۸۳،۶۰،۵۲،۴۳،۴۰،۳۳ ،طریق الحق ۴۳ ، طریق الذکر ۴۳ ، طریق ذکر و خلوت ۵۲ ، طریق راز ۳۹

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

طریقت،۷۳،۷۱،۶۹،۶۲،۶۰،۵۹،۵۷،۵۳،۵۱،۴۵،۴۳،۳۳،۲۸،۲۰،۱۹،۱۸ ، طریقت مصطفی ۳۳ ،
اصحاب طریقت ۶۹ ، اهل طریقت ۶۰، جادهٔ طریقت ۶۰ ، راه طریقت ۷۱ ، مشایخ طریقت
۵۳،۵۱،۴۵،۲۰
۷۳،۶۲،۶۲،۵۷،
طلب ۷۶،۷۴،۷۲،۶۳،۵۲،۵۱،۴۹،۴۴،۳۵،۳۴،۳۱،۳۰،۲۹،۲۸،۲۰،۱۹، طلب ارادت آن حضرت ۳۱ طلب
این معنی ۲۰ ، کمال طلب ۳۴ ، طالب۷۴،۷۳،۷۲،۷۱،۶۹،۶۳،۶۱،۵۹،۴۸،۲۹،۲۰ ، طالب این معنی
۷۲ ، طالب حق ۷۱،۵۹ ، طالب راه ۷۴ ، طالب کمال ۷۲
طور،اطوار،اطوار بشریت ۱۸
طهارت ۴۳ ، طهارت باطن ۴۳ ، طهارت ظاهر ۴۳
ظاهر۴۴،۴۳،۱۷،۳۰،۳۲،۴۱،۴۲ ،حواس پنجگانهٔ ظاهر ۴۴ ، طهارت ظاهر ۴۳
ظلمت ۵۵،۱۷،۳۲،۴۱ ، ظلمت طبیعت ۳۲،۴۱ ، ظلمت نهاد بشریت ۱۷ ، شخصی ظلمانی ۲۱،۶۶
عالم ۵۷،۴۶،۲۲،۲۸،۳۷ عالم الاجساد ۵۷ ، عالم الارواح ۵۷ ، عالم غیب ۴۶ ، عالم ملکوت ۴۶
عبادت ۱۷،۲۳،۲۸،۳۵،۳۸،۳۹،۵۶،۶۴،۷۰ ، عباده الثقلین ۴۹ ، عبادت و نیکمردان ۴۷،۵۳
عبودیت ۲۶
عدم ۲۵
عرش ۴۰
عرفان ۴۱
عزلت ۴۴،۴۵،۶۴
عشق ۲۹،۳۱،۵۰،۶۵،۷۱
عاشقان ۳۰،۳۶،۳۷،۳۸،۵۰،۵۳،۵۵ عاشق ۲۹،۴۲ ، عاشق وار ۲۶،۳۳
عقبه، ۳۷، عقوبات ۳۸ ، عقوبات هوا ۴۹ عقبی ۳۳،۵۶،۵۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عقل ۳۷،۳۸،۴۶،۶۰،۶۴

علم ۳۸،۴۲،۵۴،۳۷،۳۴،۲۱ ، علم اولین و آخرین ۳۴

عمل، ۴۹،۲۹،۳۵،۳۶،۴۳ اعمال ۵۰،۵۷،۳۶ عمل الثقلین ۲۹،۴۹ ، عمل سایران ۴۳

عنایت۶۸،۲۲،۲۱،۱۷،۳۶،۵۱ ، عنایت ربانی ۵۱ ، بار عنایت ۳۶

غیب ۶۹،۴۴،۴۶ ، غیب غیب غیب ۶۹ ، غایبان حاضر و حاضران غایب ۵۰

غیر، ۶۹،۷۰ اغیار ۵۱،

فراغت ۱۸،۱۹،۳۲،۴۲ ، فراغت از غیر خداوند ۳۲

فردوس اعلی ۵۳

فساد ۴۵،۵۹،۶۳

فقر ۳۳،۳۵،۴۱،۴۲

قدس، مقربان حظیرۀ قدس ۲۵

قرب، مقام قرب ۲۹

قلب ۵۲،۵۳،۵۶،۶۲،۶۳،۶۴،۶۸،۲۰،۲۲،۳۴،۳۶،۴۰،۴۱ ، جمعیه القلب ۳۱،۱۷ ، حضره القلب ۳۸

قلندروشان ۵۰

قهر، قهر نفس ۴۴

قیامت۵۳،۶۱،۴۵،۴۹ ، فردای قیامت،۴۹، ۵۲

کرام الکاتبین ۴۵

کرامت،کرامات ۳۷

کرسی ۳۶

کفر۶۸،۶۷،۵۴ ، کافر ۶۹،۷۱،۶۷

کلمه،کلمۀ لا اله الا الله ۳۴،۳۶،۴۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کلّی ۲۸

کمال ۳۲،۴۸،۴۹،۵۱،۵۴،۶۴ ، کمال طلب ۳۱ ،کمال مرتبهٔ خود ۲۴

گشایش ۴۱ ، گشاده شدن درهای غیب ۴۴ ، گشاده شدن راه دل ۳۷

گناه ۵۰

لطف ،۲۱،۲۲،۲۸،۲۹،۳۲،۵۲، ۵۷ ، الطاف حضرت ربوبیت ۲۶ ، الطاف عنایت ۲۱ ، رزق لطیف ۲۰ ،

لطایف صنیعه ۲۵ ، لطایف هدایت ۱۷

لوح محفوظ ۴۷

متابعت ۶۴،۲۶،۳۰،۴۹،۶۳،۱۸،۲۳ ، متابعت حضرت رسل ۴۹ ، متابعت شریعت ۳۰،۱۸،۲۳، متابعت

طریقت،۱۸، ۳۰ ، متابعت محبوب ۲۶

مجاز،۳۲،۵۲ مجازی ۳۲

مجاهده ۴۴،۴۸،۶۲

مجذوب ۴۷

محبت ۱۷،۲۱ ،۲۴،۲۸،۳۰،۳۱،۳۶،۴۲،۴۷،۵۵،۶۴،۶۶ ، محبت شیخ ۶۶ ، آتش محبت ۲۸ ، خلعت

محبت ۲۱،۳۱،۶۴ ، معرفت محبت ۳۱، ۴۷ ، مقام محبت ۶۴ ، نور محبت ۱۷

محبوب ۲۶، ۳۹

مخلص ۴۱

مخلوق ۷۱،۷۰،۶۹،۶۸،۵۴،۲۱،۱۷

مذکور ۳۹

مراد، مرادات ۷۰،۶۹،۴۵،۳۸

مراقبت معبود ۲۷

مرتبه،مراتب ۴۸،۲۴

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مرد،مردان ۴۷،۴۶،۴۴،۴۲،۴۰،۳۶،۳۵،۳۳،۲۹،۶۹،۶۱،۵۱،۵۳،۴۹،۴۸ ، مرد مطلق ۳۵ ، ذوق مشارب

مردان ۳۳ ، مردوار ۲۶، ۳۳، ۶۱ ، جوانمردان ۴۸، ۵۰

مرگ،چهار مرگ معجل ۳۳

مرید ۴۷،۴۶،۳۹،۳۸،۳۰،۲۸،۲۷ ، ، مرید راه طریقت ۶۴ ، مرید ممیز ۶۶

مشتاق۴۹،۳۸، ۵۰

مشرب،مشارب مردان ۳۳

مشیت ۲۸

مطلوب ۶۹،۶۷،۴۸،۳،۲۵،۲۰

معبود ۵۴،۴۸،۲۷،۲۶

معرفت ۶۸،۴۷،۴۶،۳۷،۳۶،۳۱،۲۶،۲۴،۱۷،۲۰ معرفت باری ۲۳، ۲۵ ، معرفت حقیقی ۲۴ ، معرفت ذات و صفات ۲۳ ، آفتاب معرفت محبت ۳۱

معصیت ۵۰ ،کدورت معصیت ۳۰

مقام ۶۳،۵۱،۴۹،۴۲،۴۱،۳۷،۴۰،۳۶،۳۵،۳۳،۳۱،۲۹،۲۸،۲۷،۲۶ مقام آیینگی ۲۵ ، مقام افسردگی ۲۸ ، مقامات اولیا ۳۷ ، مقام بعد ۲۹ ، مقام قرب ۲۹، ۵۷ ، مقام محبت ۶۳ ، مقام نجات ۴۴، مقام نفس اماره ۴۵ ، مقام نفسی ۴۱ ، مقام نیستی ۲۸ ، مقام وجد ۲۷

مقرب، المقربون ۲۱ ، مقربان حضرت ۱۸، ۷۰

مقصود ۴۳،۲۷،۲۵،۲۴،۲۱،۶۷،۷۰،۵۴،۴۸ ، مقصود کلّی ۶۵۲

ملک، ملک جاودانی ۵۴ ، ملک سلیمان ۴۲

ملک، ملائکه ۴۹، ۵۷ ، ملک روح ۳۶

ملکوت، عالم‌ملکوت ۴۶

مناجات ۴۹،۴۰،۲۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

موجود، زبدهٔ موجودات ۱۷

مؤمن ۶۹،۶۵،۶۳،۶۰،۵۷،۴۹،۴۳،۴۲،۴۰

نار ۵۹

ناز ۲۸

نبوّت، نبوی، نبی، انبیا ۵۵ ، حضرت نبوّت ۳۲،۳۰،۱۹ ، کمال (نهایت) نبوّت ۴۴ ، نور نبوّ ت ۳۱

نجات ۴۴، ۶۷

نفس ۴۱،۴۴،۴۵،۴۶،۴۸،۴۹،۵۱،۵۳،۵۶،۵۷،۶۶،۴۰،۳۸،۳۳،۳۲،۳۱،۳۰،۲۹،۲۴،۱۸ نفس اماره ۱۸،۴۴،۴۵ ، نفس انسان ۲۴، ۲۵ ، نفس انسانی ۲۴، ۲۵ ، نفس مطمئنه ۴۱ ، تبدیل و تغییر نفس ۶۸ ، شکوک نفسانی ۴۷ ، شهوات نفس ۳۱ ، قهر نفس ۴۴ ، مخالفت نفس ۳۱، ۴۸ ، هوی (اهوای) نفس ۶۰

نفَس ۵۷ ، نفس اشتیاق ۲۹ ، انفاس المشتاقین ۴۹ ، هم نفس ۳۸

نماز ۳۱، ۴۳، ۵۱، ۵۳، ۵۶

نور، انوار۵۵،۴۹،۴۳،۳۵،۴۱،۱۷ ، ، نور دل ۴۱ ، نور ذکر ۶۷ ، انوار رحمت ۲۲ ، نور(سرّ) کلمه ۴۱ ، نور المحبه ۱۷ ، نور نبوّت ۳۱ ، نور هدایت ۲۲

نهاد ۱۷،۱۹،۲۰،۳۱،۳۴،۴۵،۴۷ ، نهاد بشریت ۱۷ ، نهاد دوزخ ۴۹

نیاز ۲۵، ۲۹ ، درد و نیاز ۲۶ ، گردنیاز ۵۰

نیّت ۱۸،۵۸ ، نیت سفری ۱۸

نیستی ۴۲ ، مقام نیستی ۲۸

واقعه ، وقایع ۶۲،۶۶،۵۵،۵۰،۵۴

وجد ۶۵

وجود ۵۴،۶۷،۶۸،۲۵ ، وجود انسانی ۲۶ ، وجود رونده ۶۷ ، صحرای وجود ۲۵

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وحدت ، وحدانیت ۴۶

وصال ، وصل ، وصلت ، وصول ۳۲،۲۹،۴۸،۷۱ ، مسجد اقصی وصال ۴۸، واصلان حضرت ربوبیت ۲۸

وضو ۳۱،۴۲

وعد ، وعده ، وعید ۶۸،۶۹

وقت ۲۷،۴۳،۴۹،۴۷،۵۲،۵۵،۵۷،۶۶،۵۸،۶۹ ، اول وقت ۳۰

ولایت ، ولی ، اولیاء ۳۷،۳۲،۳۸،۵۲،۵۵،۷۱،۶۶ ، آشیان ولایت ۳۲ ، ابتدای ولایت ۲۷ ، اوج ولایت ۱۷ نهایت مقامات اولیاء ۳۷

هدایت ۲۱،۳۶،۴۹،۵۱ ، اسب هدایت ۲۶ ، لطایف هدایت ۱۷ ، نور هدایت ۳۲

هستی ۱۷، ۳۷ ، قشر هستی ۲۸ ، مرغ هستی ۲۸

همّت ۱۸،۲۷،۳۱،۳۲،۵۳، آستین همّت ۳۳ ، براق همّت ۶۱ ، برکات همّت ۱۸ ، علوّ همّت بارگاه ۴۹ ، گوشهٔ چشم همّت ۳۳ ، مرغ همّت ۲۶

هوی ، اهواء ۳۲،۴۵،۳۳،۴۶،۶۳،۶۹ ، هوای نفس ۵۹ ، عقبات هوی ۴۸

هویّت ، میدان هویّت ۲۶

یار ۲۶،۲۸،۳۲،۳۳،۳۸ ، اشتیاق یار ۲۹

یافت ، یافت رضای رحمن ۵۸ ، شناخت و یافت حق ۲۴

یقین ۴۷ ، اهل یقین ۱۹

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

منابع مقدمه

۱. ابن عماد حنبلی: **شذرات الذهب فی اخبار من ذهب**, بیروت, دار احیاء التراث العربی, [بی تا].

۲. امیراقبال‌شاه‌بن‌سابق سجستانی: **چهل مجلس (رساله اقبالیه)**, تصحیح نجیب مایل هروی, تهران, انتشارات ادیب, ۱۳۶۶.

۳. باخرزی، یحیی ابو المفاخر: **اورادالاحباب و فصوص الآداب**، به کوشش ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.

۴. تاج الدین عبد الوهاب سبکی: **طبقات الشافعیه الکبری**, [بی‌جا], ۱۳۸۳ق.

۵. جامی، نورالدین عبدالرحمان: **نفحات الانس**، به اهتمام دکتر محمود عابدی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.

۶. جهانبخش، جویا: **راهنمای تصحیح متون**، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، میراث مکتوب، ۱۳۸۴.

۷. خواندمیر, غیاث‌الدین بن همام الدین: **حبیب السیر**, تهران, کتابخانه خیام, ۱۳۵۳.

۸. داراشکوه, سید محمد: **سفینه الاولیاء**, هند, نولکشور, ۱۸۸۴م.

۹. دانش‌پژوه, محمدتقی (به اهتمام): **خرقه هزار میخی**, تهران, چاپ شده در مجموعه سخنرانی ها و مقاله ها درباره عرفان اسلامی, مؤسسهٔ مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل, ۱۳۴۹ش.

۱۰. **دایره المعارف بزرگ اسلامی**, تهران, سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی, ج۸، ۱۳۷۷

۱۱. دهخدا, علی اکبر:**لغت نامه دهخدا**, زیر نظر دکتر محمد معین, تهران, شرکت چاپ افست گلشن, ج ۶, ۱۳۳۰

۱۲. رازی, امین‌احمد: **هفت اقلیم**, به اهتمام احمد مجاهد, تهران, انتشارات سروش, ۱۳۷۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۳. رشید الدین فضل الله همدانی :**جامع التواریخ**, تهران, انتشارات علمی و فرهنگی, ۱۳۸۱.

۱۴. زرین‌کوب، عبدالحسین: **جستجو در تصوف ایران**, تهران، انتشارات امیر کبیر،۱۳۷۹.

۱۵. _____ : **دنبالهٔ جستجو در تصوف ایران** , تهران ،انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۰.

۱۶. سمنانی، علاء الدوله احمد بن محمد: **العروه لاهل الخلوه و الجلوه**, تصحیح نجیب مایل هروی, تهران, انتشارات مولی, ۱۳۶۲.

۱۷. _____: **تذکره المشایخ**, چاپ شده در مصنفات فارسی علاءالدوله سمنانی, تهران, انتشارات علمی فرهنگی, ۱۳۶۹ش.

۱۸. _____: **فضل الطریقه**, نسخه خطی شماره ۲۱۳۵ استانبول, ترکیه, کتابخانه فیض الله‌افند.

۱۹. _____: **تاریخ الاسلام**, [بی‌جا], [بی‌تا]

۲۰. _____: **سیر اعلام النبلاء**, تحقیق شعیب الارنووط و حسین الاسد, بیروت, موسسه الرساله, ۱۴۱۳ق

۲۱. شمس الدین ذهبی: **العبر فی خبر من عبر**, تصحیح صلاح الدین المنجد و فواد سید, کویت, ۱۹۶۰م.

۲۲. شوشتری, قاضی نور الله: **مجالس المومنین**, تهران, کتابفروشی اسلامیه, ۱۳۷۶ق.

۲۳. شیخ نجم‌الدین کبری: **اقرب الطرق الی الله**، به اهتمام علی رضا شریف محسنی، تهران، انتشارات صفا،۱۳۶۲.

۲۴. _____: **دو رسالهٔ عرفانی رسالهٔ آداب المریدین رسالهٔ السائرالحائر الواجد الی السائر الواحد الماجد**، به اهتمام حسین بدرالدین، تهران، مستان ۱۳۶۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲۵. صدری‌نیا، باقر: **فرهنگ مأثورات متون عرفانی**، تهران، سروش، ۱۳۸۰.

۲۶. صلاح الدین خلیل صفدی: **الوافی بالوفیات**, به اهتمام هلموت ریتر, ویسبادن, ۱۳۸۱ق/۱۹۶۲م.

۲۷. عطار نیشابوری : **تذکره الاولیاء**، به کوشش دکتر محمد استعلامی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۰.

۲۸. عفیف الدین یافعی : **مرآه الجنان و عبره الیقظان**, حیدر آباد دکن , ۱۳۳۷ق.

۲۹. فصیح خوافی, احمدبن‌محمد: **مجمل فصیحی**, به اهتمام محمود فرخ, مشهد, نشر باستان, ۱۳۴۱_۱۳۳۹ش.

۳۰. کربلایی تبریزی, حافظ حسین: **روضات الجنان و جنات الجنان**, تصحیح جعفر سلطان القرائی, تهران, انتسارات ستوده, ۱۳۸۳.

۳۱. کمال‌الدین حسین خوارزمی: **جواهر الاسرار و زواهر الانوار**, تصحیح دکتر محمد جواد شریعت, اصفهان, انتشارات مشعل, ۱۳۶۰.

۳۲. گازرگاهی, حسین :**مجالس العشاق**, به اهتمام احمد مجاهد, [بی‌تا]. [بی‌جا].

۳۳. لندولت, هرمان: **کاشف الاسرار**, مؤسسهٔ مطالعات اسلامی دانشگاه تهران, ۱۳۸۳ ش.

۳۴. محمد معصوم شیرازی: **طرائق الحقائق** , تصحیح محمد جعفر محجوب, تهران, کتابخانه بارانی, ۱۳۳۹ش.

۳۵. مستوفی ,حمد الله :**تاریخ گزیده**, به اهتمام دکتر عبد الحسین نوایی, تهران, چ دوم, امیرکبیر, , ۱۳۶۲ش.

۳۶. نورالدین جعفر بدخشی: **خلاصه المناقب**, تصحیح دکتر سیده اشرف ظفر، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴ش.

۳۷. نوربخش, سید محمد: **سلسله الاولیاء**, تصحیح محمدتقی دانش پژوه, چاپ شده در جشن نامه هانری کربن, موسسه مک گیل, ۱۳۵۶ش.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران، تنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۳۸. هدایت, رضاقلی خان: **ریاض العارفین** , چاپ سنگی, ۱۳۰۵ق.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

Abstract

Monawar Alqolub is one of Sheikh NoorAldin Abu Mohammad Abdurrahman Khosravi Esfara'ini's works. Abdurrahman Esferoni lived in late 7th and early 8th Islamic century and was one of the most important learned of his time. Esferoni lived in Sheikh Ahmad Gurpani's "King Alzokarin" religious way of life and was his disciple. Sheikh Ali Lala intermediate Gurpani's entrance between Sheikh NajamAldin Kabari's disciples means that Esfaroni with two agents is part of what will further be Alavy Kamilie Kobravie dynasty.

Some of Kobravie's greatest learned came to Esferoni for being teach in behavior and religious way of life. His most important disciple is Alaaldavale Semnani. Kobravie's dynasty thought influence and axis remarks is to be fined in all of Esferoni's works. In his age Esferoni wrote numerous works (religious and Kobravie behavior for teaching his disciples) like Kashf Alasara, Manovar Alqolub and letters.

Manowar Alkolub wasn't known with this title in scientific circles up to now. This book was known once with wrong title "Treatise of behavior and solitude method" and together with Kashf Alasrar was published by Herman Laudelt. In correction he wrote that used only one manuscript exemplar for criticize and even the correct title it wasn't use. Also, marginal notes, index and full critical study wasn't accomplished.

In this research we use the basis exemplar and on the ground of work method and regarding the above points we lean on three manuscript exemplars. We separate two false exemplars and the text right title Mnowar Alkolub was obtained.

This thesis was studied and corrected regarding one separate exemplar. Finally the text was presented as the original manuscript Manowar Alkolub. The false exemplars were presented, commented and we add comprehensive index also.

Key words: Sufism in ninth Islamic century, sheikh NoorAl Din Abdel Rahman Esferoni, Manowar Alkolub, NajmAlodin Kobra, Kobravie.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

T. M. U.

A Project Presented in Fulfillment of the Requirement for the Master Degree of Science in Persian Language and Literature

"Analyze and scientifically research on Abdurrahman Esfaroni's Monawar Alqolob "

DEPARTMENT OF PERSIAN LANGUAGE AND LITERATURE

SCHOOL OF HUMANITIES

TARBIAT MODARES UNIVERSITY

By:

Ahmad Yeşil

Supervisor:

Dr. Mahdi Mohaghegh

Advisor:
Dr. Ebrahim Khodaiar

July 2007

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.